



بسم الله الرحمن الرحيم

تهیه و تنظیم: معاونت پژوهش جامعه الزهراء علیها السلام

مدیر مسئول: ریحانه حقانی

سر دبیر: نرگس موحدی

مدیر داخلی: معصومه السادات حسینی محمد

ویراستار: مرتضی حسینی نسب

طراح گرافیک: محمد حسین همدانیان

هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)

ریحانه حقانی: استاد حوزه و دانشگاه - گروه فلسفه و کلام

حجت حیدری چرانی: استاد مرکز تخصصی مهدویت - گروه تاریخ و فرقه‌های انحرافی

نرگس موحدی: استاد حوزه و دانشگاه - گروه فلسفه و کلام اسلامی

محمد رضا نصوری: استاد مرکز تخصصی مهدویت - گروه تاریخ و فرقه‌های انحرافی

- نقل مطالب فصلنامه با ذکر مأخذ بلامانع است.

نشانی: قم، سالاریه، خیابان بوعلی، جامعه الزهراء علیها السلام تلفن: ۰۲۵ - ۳۲۱۱۲۱۷۶

آدرس الکترونیکی: anjoman.pajohesh@jz.ac.ir

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

سخن سردبیر

مهندسی فرهنگ مهدویت، سبب رشد جامعه به بلوغ اجتماعی در خصوص انتظار می‌شود و گسست‌های اعتقادی جامعه را درمان می‌کند. برای این مهم ارائه پاسخ‌های جدید در عرصه منجی باوری، تولید و ارائه صحیح پیام مهدوی، داشتن چشم مسئله یاب و مطالعات تخصصی در مقوله منجی، موعود و آخرالزمان ضرورت دارد؛ زیرا در گستره تاریخ مدعیان دروغین مهدویت، از نبود اطلاعات کافی در این زمینه بیشترین سوء استفاده را کرده‌اند.

«چکامه انتظار» برآن است تا با انعکاس مطالعات تخصصی اساتید، پژوهشگران و طلاب جامعه‌الزهره؛ در موضوع «مهدویت و گرایش به منجی»، گامی در جهت تعمیق و ارتقاء شناخت جامعه شیعی بردارد تا از آسیب‌های موجود بکاهد.

نرگس موحدی

سردبیر نشریه چکامه انتظار



فهرست مطالب

۹

بررسی اندیشه ظهور ناگهانی حضرت مهدی عج در روایات و ارتباط آن با مسئولیت‌گریزی
مهدی فرمانیان / صغری فهیمی

۳۱

پیروشناسی احمد الحسن
زهره سعیدزاده

۵۵

تحقق عبادت خالصانه در مجتمع عصر ظهور با تأکید بر تفسیر المیزان
معصومه کاشفی‌زاده

۷۹

مسئولیت‌گریزی منتظران؛ چرایی و درمان
شهلا عیدی نجف‌آبادی / بتول سادات امینی

۹۵

بررسی نهی از توقیت در روایات
مدینه امانی

۱۱۳

استعمار و چالش‌های مهدویت
اکرم خسروانجم

راهنمای تدوین و ارسال مقالات

۱. مقاله باید به زبان اصلی و رسمی نشریه (فارسی) و حجم آن حداکثر ۶۰۰۰ الی ۸۰۰۰ کلمه باشد.
۲. عنوان:
عنوان مقاله باید دقیق، علمی، متناسب با متن مقاله و با محتوایی رسا و مختصر باشد.
۳. مشخصات نویسنده:
شامل نام و نام خانوادگی، رتبه علمی، مشخصات تحصیلی به تفکیک رشته، مقطع و محل تحصیل، شماره تلفن و نشانی الکترونیکی باشد.
۴. چکیده:
آیینیه تمام‌نما و فشرده بحث است که باید دربردارنده عنوان و موضوع مقاله، قلمرو و ماهیت پژوهش، هدف پژوهش، روش تحقیق و اشاره به مهم‌ترین نتایج باشد و در ده سطر یا ۱۵۰ کلمه تنظیم شود.
واژه‌های کلیدی: واژه‌های کلیدی باید حداقل سه واژه و حداکثر پنج واژه از میان کلماتی که نقش نمایه و فهرست را ایفا می‌کند و کار جست و جوی الکترونیکی را آسان می‌سازد، انتخاب شود.
۵. مقدمه:
شامل خلاصه‌ای از بیان مسأله، اهمیت و ابعاد موضوع، اهداف پژوهش، سؤال‌ها و پیشینه پژوهش باشد.
۶. بدنه اصلی مقاله:
 - ۱-۶. بدنه مقاله شامل متن اصلی و بندهای مجزا بوده، به گونه‌ای که هر بند حاوی یک موضوع مشخص باشد و هر دسته از موضوعات مرتبط در ذیل یک عنوان خاص قرار می‌گیرد.
 - ۲-۶. در ساماندهی بدنه اصلی لازم است به مواردی چون: توصیف و تحلیل ماهیت ابعاد و زوایای مسأله، نقد و ارزیابی نظریات رقیب به طور مستدل، تبیین نظریه پذیرفته شده و تقسیم‌بندی مطالب در قالب محورهای مشخص، پرداخته شود.
 - ۳-۶. در مواردی که مطلبی بعینه از منبعی نقل می‌شود، ابتدا و انتهای آن مطلب در گیومه «» قرار داده شود.
 ۷. نتیجه‌گیری:
قریب ۱۰۰-۲۰۰ کلمه و شامل یافته‌های پژوهش به شیوه‌ای دقیق و روشن، تبیین میزان ارتباط یافته‌ها با اهداف پژوهش و ارائه راه‌کارها و پیشنهادات.
 ۸. ارجاعات:
ارجاع به منابع و مآخذ در متن مقاله، به شیوه استاندارد (APA) باشد و در پایان نقل قول یا موضوع استفاده شده، به شکل ذیل آورده شود:
 - ۱-۸. منابع فارسی: (نام خانوادگی مؤلف، سال نشر، جلد، صفحه): مثال: (حسینی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۸۳)
 - منابع لاتین: (صفحه، جلد، سال نشر، نام خانوادگی مؤلف): مثال: (planting, 1998, p. 71).
 - آیات قرآن: (نام سوره: شماره آیه): مثال: (بقره: ۲۵)
 - ۲-۸. چنانچه نام خانوادگی مؤلف، مشترک باشد باید نام او هم ذکر شود.
 - ۳-۸. چنانچه از نویسنده‌ای در یک سال، بیش از یک اثر انتشار یافته باشد، با ذکر حروف الفبا پس از سال انتشار، از یکدیگر متمایز شوند.
 - ۴-۸. چنانچه به دو اثر با مؤلفان متفاوت ارجاع داده شده است به این صورت به آن دو اشاره شود:

(نام خانوادگی، سال انتشار، شماره صفحه / نام خانوادگی، سال انتشار، شماره صفحه)
۸-۵. یادداشت‌ها و پانوسه‌ها: تمام توضیحات ضروری، در انتهای متن مقاله آورده شود. (ارجاع و اسناد در یادداشت‌ها، مانند متن مقاله، به روش درون‌متنی (بند ۸) خواهد بود).

۹. فهرست منابع:

در پایان مقاله، فهرست منابع الفبایی به ترتیب منابع فارسی، عربی و لاتین به صورت ذیل ارائه شود:
۹-۱. کتاب: نام خانوادگی و نام نویسنده، نام کتاب، نام مترجم یا مصحح، شماره جلد، نوبت چاپ، محل انتشار: نام ناشر، تاریخ چاپ (ق/م).

مثال: مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، تهران: صدرا، ۱۳۸۳.

۹-۲. مقاله مندرج در مجلات: نام خانوادگی و نام نویسنده، «عنوان مقاله»، نام نشریه، دوره نشریه، شماره نشریه، سال نشر، از صفحه تا صفحه.

مثال: فرامرز قراملکی، احد، «طبقه‌بندی جریان‌های رازی‌شناسی در ایران و غرب»، آینه میراث، ش ۵، بهار و تابستان ۹۱، ص ۲۵-۲۳۵.

۹-۳. مقاله مندرج در مجموعه مقالات یا دایرةالمعارف‌ها: نام خانوادگی و نام نویسنده، «عنوان مقاله»، نام کتاب، نام ویراستار، شماره جلد، نوبت چاپ، محل انتشار: نام ناشر، سال نشر.

مثال: قربان‌نیا، ناصر، «زن و قانون مجازات اسلامی»، مجموعه مقالات زن و خانواده، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۲.

۹-۴. پایان‌نامه: نام خانوادگی، نام، عنوان پایان‌نامه، رشته، نام دانشگاه، نام کشور، سال دفاع.

۹-۵. منابع الکترونیکی: نام خانوادگی، نام، نام مقاله، نشانی اینترنتی.

۱۰. نقل قول‌های مستقیم، به صورت جدا از متن، با تورفتگی (یک و نیم سانتی‌متر) از سمت راست درج گردد.

۱۱. عنوان کتاب در متن مقاله، ایتالیک و عنوان مقاله در گیومه « » قرار گیرد.

۱۲. مقاله در الگوی a۴ با رعایت فضای مناسب در حاشیه‌ها و میان سطرها، در محیط word، و متن مقاله با قلم B Mitra ۱۴ (لاتین TimesNewRomān۱۰) و یادداشت‌ها و کتابنامه B Mitra ۱۲ (لاتین TimesNewRomān۱۰) حروف چینی شود.

۱۳. عناوین تیتراها: عناوین با روش شماره‌گذاری عددی و ترتیب اعداد در عناوین فرعی، از چپ به راست تنظیم شود و در صورت طولانی شدن تیتراهای فرعی، اعداد فارسی به کار رود.

۱۴. اشکال، نمودارها و جداول: اصل عکس‌ها و نمودارها، باید همراه با متن مقاله، در محل مناسب علامت‌گذاری شده و دارای زیرنویس باشد.

ارتباط با مدیریت مجله از طریق تلفن ۳۲۱۱۲۴۸۴ و نشانی دفتر انجمن علمی-پژوهشی

یا رایانامه (anjomān.pājohesh@jz.ac.ir) امکان‌پذیر است.

بررسی اندیشه ظهور ناگهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف

در روایات و ارتباط آن با مسئولیت‌گریزی

مهدی فرمانیان^۱

صغری فهیمی^۲

چکیده

اندیشه منجی از منظر اسلام، در قالب تفکر مهدوی ارائه شده است که بر مبنای آن، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف، مصداق مشخص منجی در نزد مسلمانان دانسته می‌شود. در روایات معصومان علیهم السلام، ظهور ناگهانی او مطرح شده است. در چنین اندیشه‌ای، تعیین وقت برای ظهور، امری بی‌معنا است و باید هر لحظه منتظر ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشريف بود؛ با وجود این، باید دانست منتظران در دوران انتظار، باید ویژگی‌ها و وظایفی را بر عهده داشته باشند که یکی از مهم‌ترین آنها، مسئولیت‌پذیری منتظران است. روش تحقیق در این مقاله، به صورت اسنادی است که علاوه بر بررسی سندی روایات، به تجزیه و تحلیل داده‌های آنها پرداخته می‌شود. واژگان کلیدی: مسئولیت‌پذیری، ظهور ناگهانی، بغته، فجاه، فرهنگ انتظار.

۱. استاد و پژوهشگر تاریخ و ادیان اسلامی.

۲. طلبه سطح ۴، رشته تاریخ اهل بیت علیهم السلام، جامعه الزهراء علیها السلام، E, s.fahimi45@gmail.com

مقدمه

اندیشه منجی از منظر دین اسلام، در قالب تفکر مهدوی مطرح است که از جمله مباحث آن، می‌توان به چگونگی ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره کرد. در این زمینه، نظرات مختلفی از سوی اندیشمندان مسلمان بیان شده است. ظهور ناگهانی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، از جمله اندیشه‌هایی است که در روایات اسلامی بر آن تأکید شده و علما نیز به آن پرداخته‌اند. چنین اندیشه‌های با توجه به فرهنگ انتظار، قابل درک است؛ هرچند که این تفکر، از سوی عده‌ای مورد تردید قرار گرفته و معتقدان به آن، به مسئولیت‌گریزی متهم شده‌اند. اگر اعتقاد به تفکر ظهور ناگهانی با تعریف جامع از انتظار همراه باشد، همه افراد جامعه اسلامی، مسئول ایجاد چنین فرهنگی دانسته خواهند شد. فرهنگ انتظار، ساختاری ارائه می‌دهد که خروجی آن، جامعه‌ای تحول‌گرا و توحیدمحور است؛ بنابراین در اندیشه ظهور ناگهانی، همه افراد جامعه مسئول بوده و باید به وظایف خود که از ظرفیت دین اسلام نشأت گرفته، عمل نمایند.

تاکنون تحقیقات فراوانی در موضوع ظهور، کیفیت و چگونگی آن به رشته تحریر درآمده است؛ اما در مورد ظهور ناگهانی به‌طور خاص، تحقیقی صورت نگرفته است که نشان از نوآوری این پژوهش دارد. در این مقاله، مسئله ظهور ناگهانی، در ضمن تحقیقاتی با دیدگاه زمینه‌سازی برای ظهور، مورد توجه قرار گرفته و با همین دیدگاه بررسی شده است. نکته حائز اهمیت آنکه، بیان مباحث ظهور ناگهانی با چالش‌های فراوانی روبه‌رو است؛ چراکه عده‌ای با استناد به چنین روایاتی، معتقدند که مسلمانان در چنین تفکری منفعل بوده و تنها باید منتظر ظهور حضرت باشند؛ بنابراین باید دانست بررسی اندیشه ظهور ناگهانی و چگونگی فرهنگ انتظار، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا درک صحیح از فرهنگ انتظار، مسئولیت‌پذیری را نیز به همراه دارد. برای حصول به هدف، ۱۲ روایت در گونه‌های مختلف روایات ظهور، انتخاب شده است. این روایات در جدولی، با عناوین، موضوع روایات، راویان، اولین منبع شیعی و اهل سنت، تنظیم گردیده و سپس راویان، شناسایی و وثاقت یا عدم وثاقت آنان بیان شده است.

۱. بررسی سند روایات

برای فهم دقیق روایات، ابتدا بایسته است که سند روایات مورد بررسی قرار گرفته تا اعتبار آنها

مشخص شود. از بین ۱۲ روایت بررسی شده، ۱۱ روایت، دارای سند معتبر هستند؛ زیرا طرق روایات به افرادی ختم می‌شود که همه آنها مورد اطمینان رجال‌شناسان هستند. از مجموعه روایات بررسی شده، ۵ روایت، تصریح به ظهور ناگهانی امام عجل الله تعالی فرجه الشریف دارد. روایت اول که در منابع شیعی و اهل سنت نقل شده است، از دو طریق به ابراهیم بن محمد حنفیه می‌رسد که او به نقل از پدرش و جدش حضرت علی ع روایت را نقل کرده است. طریق اول، در کتاب مسند احمد حنبل (ابن حنبل، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۷۴) از طریق فضیل بن محمد ملطی^۱ از یاسین عجل^۲ از ابراهیم بن محمد حنفیه نقل شده است. طریق دوم، در کتاب «الغارات» (ثقفی، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۶۶۶) از طریق ابوالحسن احمد بن سلیمان^۳ از معاویه بن هشام^۴ از ابراهیم بیان شده است. در هر دو طریق، افرادی وجود دارند که از سوی رجال‌شناسان شیعه و اهل سنت، موثق دانسته می‌شوند. اختلاف رجال‌شناسان شیعه و اهل سنت در ابراهیم است. در بعضی از منابع اهل سنت، به عدم وثاقت ابراهیم اشاره شده است (بخاری، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۷)؛ در حالی که رجال‌یون شیعه از او به عنوان راوی موثق یاد نموده‌اند. مامقانی او را از امامیه و روایات او را حسن دانسته است. (مامقانی، ۱۴۳۱، ج ۱، ص ۳۲) شیخ کلینی نیز از او روایت نقل کرده و او را در کتابش ستوده است. (ابوالشیخ، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۳۷۸)

روایت دوم، با مضمون روایت اول که اشاره به ظهور ناگهانی دارد از طریق عبدالعظیم حسنی ع نقل شده است. او از یاران امام جواد ع و امام هادی ع و سید حسنی است. (خزاز رازی، ۱۴۰۱، ص ۲۸۰) از او آثاری نقل شده که از جمله آن، خطبه‌های حضرت علی ع است. (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۲۴۷) عبدالعظیم حسنی ع در شمار راویانی است که اهتمام در ثبت روایات داشته است. روایات سوم و چهارم، با مضمون زمان ظهور و ناگهانی بودن آن، از طریق علی بن ابراهیم قمی

۱. ابوالحسین محمد بن احمد بن عبدالرحمن الملطی (بروکلمان، بی‌تا، ج ۴، ص ۲۸)، شافعی مذهب بوده است (مشار، ۱۳۴۴، ص ۲۲). او در ملیطه به دنیا آمده و در عسقلان زندگی می‌کرد. او عالم در فقه و قرانت بود و در سال ۳۷۷ هجری از دنیا رفت. (سرگین، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۴۵) فضیل پسر او است که این روایت را نقل کرده است.
۲. این روایت با این سلسله سند از طریق طبری نقل شده است. (طبری املی صغیر، ۱۴۱۳، ص ۴۶۴) ابن حبان او را از ثقات دانسته و به نظر می‌رسد که امامی بوده باشد. (مامقانی، ۱۴۳۱، ج ۴، ص ۳۳۰)
۳. احمد بن سلیمان، از جمله راویانی است که رجال‌یون اهل سنت حکم به توثیق او داده‌اند. او دارای تصانیف بسیار بوده و افراد زیادی از او روایت نقل کرده‌اند. (ابن عماد، ۱۴۰۶، ج ۳، ص ۲۶۶)
۴. معاویه بن هشام القصار الازدی ابوالحسن کوفی از سوی رجال‌شناسان اهل سنت توثیق شده است. روایات بسیاری از سوی او نقل شده است. او در سال ۲۰۵ هجری از دنیا رفت. (ابن حنبل، ۱۴۳۰، ج ۱، ص ۱۳۸)

و پدرش به نقل از صالح هروی^۱ از دعبل خزایی بیان شده است. علی بن ابراهیم و پدرش اهل قم، شیعه مذهب، موثق و مورد اعتماد رجال شناسان هستند و بسیاری از روایات نیز توسط آنها ثبت گردیده است. (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۲۶۰ و ۱۶) دعبل خزایی از شعرای به نام شیعه بود که سال ۲۴۵ از دنیا رفت. او در زمان امام رضا علیه السلام وارد بغداد شد و شعری در منقبت ائمه علیهم السلام سرود و جوایزی از امام علیه السلام و مأمون دریافت کرد و در نهایت، ارادت او به خاندان ائمه علیهم السلام، باعث مرگ او گردید. (کشی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۷۹۳)

روایت پنجم که دلالت بر ظهور ناگهانی دارد از قول شیخ مفید است. امام علیه السلام در این نامه، نوع ظهور خود را بیان می‌فرماید. شیخ مفید در سال ۳۳۶ هجری به دنیا آمده است. او دارای استعداد و نبوغ خاص بوده و از همان کودکی، به آموختن علوم دینی مشغول شد. وی همچنین حدود ۲۴ سال از غیبت صغری را درک نموده است؛ از این رو می‌توان ادعای او مبنی بر دریافت نامه از حضرت حجت علیه السلام را صحیح دانست.

حدیث ششم که روایت کامل و هماهنگ شدن عقول مردم در زمان ظهور است، از طریق حسین بن محمد^۲ از معلی بن محمد^۳ از الوشاء از مثنی حنط^۴ از قتیبه الاعشی^۵ از ابن ابی یعفر^۶ از مولی لبنی شیبان^۷ از ابی جعفر علیه السلام نقل شده است. «الوشاء» که حلقه مشترک روایت است از یاران امام رضا علیه السلام و فردی ثقه و مورد اطمینان است. او از جمله راویانی است که روایات را مکتوب

۱. لقب او اباصلت و از یاران امام رضا علیه السلام و عامی بود. (طوسی، ۱۳۷۳، ص ۳۶۰) در شیعه بودن محکم بود و دروغی از او دیده نشده است. (کشی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۸۷۲) البته عده‌ای هم معتقدند که او در ظاهر شیعه بوده است. (استرآبادی، ۱۴۲۲، ج ۶، ص ۳۷۵)
۲. حسین بن محمد بن عامر اشعری از مشایخ کلینی و ثقه است. (کشی، محمد بن عمر، اختیار معرفه الرجال، ج ۲، ص ۴۶۹؛ تفرشی، مصطفی بن حسین، نقد الرجال، ج ۴، ص ۳۹۸)
۳. معلی بن محمد بصری در قرن سوم زندگی می‌کرد. نجاشی او را مضطرب الحدیث خوانده است. او کتاب سیره القائم را تألیف نموده است. (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۴۱۸)
۴. رجالیون، المثنی الحنط را توثیق کرده‌اند. (تقی الدین حلی، ۱۳۴۲، ص ۳۶۶)
۵. قتیبه الاعشی از شیعیان و دارای کتاب بوده است. (طوسی، ۱۴۲۰، ص ۳۷۴)
۶. ابی یعفر از یاران امام صادق علیه السلام و ثقه بوده است. او به عنوان قاری، در مسجد قرآن تلاوت میکرد و از این منظر شهره بود. او در زمان امام صادق علیه السلام از دنیا رفت. از او آثار متعددی باقی مانده است. (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۲۱۳)
۷. از افرادی به عنوان راویان حدیث از امام باقر علیه السلام و امام جعفر صادق علیه السلام با عنوان «مولی لبنی شیبان» یاد شده است. به نظر می‌رسد یکی از آنها، محمد بن حرمان بن اعین باشد. این خاندان از افراد موثق و مورد اعتماد ائمه علیهم السلام بودند. (زراری، ۱۴۱۱، ص ۲۲۵)

می‌نمود (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳۹) و همین مسئله باعث گردید بسیاری از روایات از طریق او به نسل بعدی انتقال یابد. سلسله روات این روایت، همه از افراد موثق هستند.

روایت هفتم که ابن طاووس با مضمون ایجاد محبت حضرت مهدی (عج) در دل مردم، هنگام رسیدن خبر ظهور، نقل کرده‌اند، از نظر سلسله سند، ضعیف دانسته می‌شود. این روایت از طریق نعیم^۱ از ولید^۲ و رشدین^۳ از ابن لهیعه از اُبی قبیل از اُبی رومان از علی (ع) نقل شده است. بعضی از راویان این روایت، مجهول، برخی ضعیف و تعدادی از آنها موثق دانسته شدند. ابن طاووس، این روایت را به نقل از نعیم بن حماد آورده که البته نعیم، فرد جعلی نبوده است؛ زیرا هم او را توثیق کرده‌اند و هم گفته شده او در نقل برخی روایات، اشتباهاتی داشته است. بعضی رجال‌شناسان، او را راست‌گو و بعضی او را ضعیف دانسته‌اند؛ (ابن قانع بغدادی، ۱۴۲۴، ج ۴، ص ۱۴۹۵) بنابراین این روایت، از نظر مفهومی مورد بررسی قرار گرفته تا در صورت ضدیت با روایات دیگر، به آن اعتنا و توجه نشود.

روایت هشتم که تکذیب وقتون نام دارد از طریق ابوالفضل از ابوهمام^۴ از محمد بن عثمان عمری^۵ از پدرش از امام حسن عسکری (ع) نقل شده است. ابوالفضل، لقب نصر بن مزاحم منقری است. او از راویانی است که برای به دست آوردن و جمع‌آوری روایات، مسافرت‌های زیادی

۱. نعیم بن حماد اهل خراسان بود. برای طلب حدیث به عراق و حجاز سفر کرد. در زمان خلافت ابی‌اسحاق بن هارون و در زمان محنت قرآن، از او درباره قرآن سؤال شد و او پاسخ نداد؛ از این رو او را زندانی کردند که در نهایت در سال ۲۲۸ در زندان از دنیا رفت. (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۷، ص ۳۶۰) بعضی رجال‌شناسان او را راست‌گو و بعضی او را ضعیف می‌دانند. او در نقل حدیث بسیار اشتباه می‌کرد. (ابن قانع بغدادی، ۱۴۲۴، ج ۴، ص ۱۴۹۵)
۲. در برخی منابع، طریق نقل روایت چنین آمده است: «رشدین بن سعد از عبدالله بن ولید از پدرش». به نظر می‌رسد در این روایت از عبدالله پسر ولید یاد نشده است و مستقیم روایت به نقل از ولید بیان شده است. (حسینی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۱۲۵۸).
۳. رشدین، ثقه و در سال ۱۰۰ از دنیا رفت. (شوشتری، ۱۴۱۰، ج ۴، ص ۷۲)
۴. اکثر افراد موجود در سلسله روات این روایت، مجهول هستند. برای «ابی قبیل»، کتابی به نام «نجد» ذکر شده است. (ابن ندیم، چاپ ۱، ص ۱۳۷) ابی لهیعه، صحابی مجهول حضرمی است. (مامقانی، ج ۱، ص ۵۴) رشدین در سال ۱۱۰ به دنیا آمد و در سال ۱۸۸ از دنیا رفته است. او از فرد مجهول دیگر و همچنین از ابی لهیعه روایت نقل کرده است. (نجار، ۱۴۱۰، ص ۵۸۲) الرمادی (که در اینجا اشتباه ابن رومان ضبط شده است) اهل سنت و با روافض هم‌نشین و از نظر علمای شیعه ثقه است. سال ۲۶۰ یا ۲۶۵ از دنیا رفته است. (شوشتری، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۶۵۹)
۵. اسماعیل بن همام خود و پدرش از افراد مورد اطمینان بودند. از یاران امام رضا (ع) بوده و طرق روایتی که به او می‌رسد صحیح دانسته می‌شود. (تقی‌الدین حلی، ۱۳۴۲، ص ۶۰)
۶. محمد بن عثمان از یاران امام حسن عسکری (ع) و از وکلای او بود. بعد از پدرش نایب امام زمان (ع) شد. (حلی، ۱۳۸۱، ص ۴۸۴)

را متحمل شد تا حدی که رجالیون، او را با عنوان «مستقیم الطریقه» یاد کرده‌اند. او از ضعفا نقل روایت کرده و دارای آثار بسیاری است. (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۴۲۷). این روایت نیز به علت سلسله سند، قابل اعتبار است.

از بین روایات، ۴ روایت دلالت بر ظهور امام عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ عَلَيَّ الْوَسِيَّةُ در زمانی دارد که همه ناامید از چنین امری هستند. این روایات، همچنین به وظیفه مسلمانان که انتظار کشیدن است، اشاره دارد.

روایت اول، از طریق محمد بن یحیی عطار از احمد بن محمد ابی نصر بزنطی از علی بن حکم از ابی جمیله نقل شده است. محمد بن یحیی، موثق، شیخ اصحاب، صاحب آثار و کثیر الحدیث بوده است. (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳۵۳) احمد بن محمد ابی نصر بزنطی از یاران امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ و امام جواد عَلَيْهِ السَّلَامُ بوده و نزد آن دو امام بزرگوار، دارای قرب و منزلت والایی بوده است. برای او آثار بسیاری نقل کرده‌اند. (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۷۵) مفضل بن صالح ابی جمیله از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ روایت نقل کرده است. رجالیون او را مورد اعتماد نمی‌دانند؛ اما افراد موثق از او روایت نقل کرده‌اند. (طوسی، ۱۴۲۰، ص ۴۶۷) به علت اطمینان افراد موثق به او، مشخص می‌شود که روایت او صحیح است. همچنین با توجه به اینکه افرادی که از او روایت نقل کرده‌اند، در زمان امام معصوم عَلَيْهِ السَّلَامُ حضور داشته و امکان پرسش از امام عَلَيْهِ السَّلَامُ برای آنها وجود داشته است؛ لذا می‌توان روایت او را صحیح دانست.

روایت دوم، از طریق ابی بصیر از محمد بن مسلم از امام جعفر صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ از پدرانش از حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل شده است. محمد بن مسلم از یاران امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ و امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ، فقیه و پرهیزگار بود. رجالیون او را بسیار موثق دانسته‌اند. او آثار فراوانی دارد که از جمله آن، می‌توان کتاب «اربع‌ماه» را نام برد. او در سال ۱۵۰ از دنیا رفت (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳۲۴) و از جمله کسانی بود که روایات را ثبت و ضبط نموده است.

روایت سوم، از طریق سهل بن زیاد از حسین بن محمد از احمد بن محمد بن ابی نصر از امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل شده است. حسین بن محمد عامری اشعری در کتب رجالیون، به عنوان عالمی

۱. ابی بصیر مشترک لفظی بین دو نفر از یاران ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ است. هر دو ثقه و امامی هستند. البته برخی یک نفر از آنها را واقعی دانستند. نقل از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ شبهه واقعی بودن ابا بصیر را از بین میبرد و فرد مورد نظر را مشخص می‌کند. ابوبصیر لیث بن البختری المرادی مردی ثقه و جلیل‌القدر است. (حسینی حلی، ۱۴۲۸، ص ۴۲۳) ابابصیر یحیی بن قاسم واقعی بوده است. او از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ (طوسی، ۱۳۷۳، ص ۳۴۲)، امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ (همان، ص ۲۷۵) و امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ (همان، ص ۳۴۲) روایت نقل کرده است. (حسینی حلی، ۱۴۲۸، ص ۴۲۳)

جلیل‌القدر و دارای تصانیف بسیار شناخته می‌شود. (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳۳۴) بزندی اهل کوفه و ثقه است. او از اصحاب امام رضا (ع) و دارای آثار بسیاری از جمله «الجامع» بود. (طوسی، ۱۴۲۰، ص ۵۰) زمانی که برادر بزندی به ابی جعفر (ع) گفت: برادرم از دنیا رفت، امام (ع) فرمود: «خدا بیامرزد. او از شیعیان خاص ما بود.» (حلی، ۱۴۰۲، ص ۱۵۲) حمیری، این روایت را از قول سهل بن زیاد آدمی آورده است. این راوی، از سوی نجاشی توثیق نشده است. نجاشی، علت عدم توثیق این فرد را غالی بودن او به سبب اختلاف با احمد بن عیسی بیان کرده است. (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۱۸۵) با توجه به اینکه در آن زمان، از سویی، افراد به کوچک‌ترین ادعایی جزو غالیان قرار می‌گرفتند و از سویی دیگر، احمد بن عیسی قمی اهل حدیث بوده است؛ بنابراین چنین اتهامی، نمی‌تواند از وثاقت سهل بکاهد. روایت چهارم، از طریق علی بن محمد صیمری^۱ از علی بن مهزیار از امام هادی (ع) نقل شده است. صیمری از اصحاب امام هادی (ع) و ثقه دانسته می‌شود. (طوسی، ۱۳۷۳، ص ۴۰۰؛ مامقانی، ۱۴۳۱، ج ۲، ص ۲۹۰) علی بن مهزیار نیز از یاران امام رضا (ع)، امام جواد (ع) و امام هادی (ع) و مورد وثوق ائمه (ع) و وکیل امام هادی (ع) بود. پدرش در زمره مسیحیانی بود که اسلام آورد. در مورد علی گفته شده او در کودکی اسلام آورده است. برای او آثار فراوانی نقل کرده‌اند. (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۲۵۳) با توجه به بررسی اسناد روایات، اکثر روایات، توسط راویان در قرن دوم و سوم و هم‌زمان با حضور ائمه (ع) که ناقل روایات بوده‌اند، در منابع مکتوب، ثبت و به دیگران انتقال داده شد. وثاقت راویان به همراه وثاقت نویسندگان، اعتبار روایات را ارتقاء می‌دهد. در میان احادیث ذکر شده، روایت ابن طاووس به جهت زمان نقل روایت، از اعتبار کمتری برخوردار است؛ هرچند که ضعف سندی این روایت به علت همخوانی مفهومی با روایات موجود، جبران می‌شود.

۱. از اصحاب امام هادی و ثقه است. (طوسی، ۱۳۷۳، ص ۴۰۰؛ مامقانی، ۱۴۳۱، ج ۲، ص ۲۹۰)

۲. علی بن مهزیار از یاران امام رضا، امام جواد و امام هادی (ع) و مورد وثوق ائمه و وکیل امام هادی (ع) بود. پدرش مسیحی بود و اسلام آورد. گفته شده است علی نیز در کودکی اسلام آورد. او آثار فراوانی داشت. (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۲۵۳)

جدول گونه نگاری روایت مهدویت و منابع آن

ردیف	گونه روایی	موضوعات	اولین منبع شیعه	اولین منبع اهل سنت
۱	ظهور ناگهانی و عدم تعیین وقت قبلی	۵ روایت: ۱. ظهور امام <small>عجل الله فرجه</small> ، ناگهانی و اصلاح امور در یک شب. ۲. ظهور امام <small>عجل الله فرجه</small> همانند پیامبری حضرت موسی <small>عليه السلام</small> که در بیابان و بدون برنامه قبلی، اتفاق می افتد. همچنین اشاره به وظیفه مسلمانان، یعنی انتظار نیز دارد. ۳. زمان ظهور از علوم غیبی است و فقط خداوند از آن آگاه است. ۴. زمان ظهور در زمره علم الهی و ناگهانی است. (بغته) ۵. نامه حضرت مهدی <small>عجل الله فرجه</small> به شیخ مفید و تأکید بر ناگهانی بودن ظهورش.	۱) الغارات. (ثقفی، ۱۳۹۵، ص ۲، ج ۶۶۶) ۲) کفایه الاثر. ۳) کفایه الاثر، ص ۲۷۵؛ در این کتاب، روایت شبیه کمال الدین آمده است. انتهای روایت، آیه قرآن آمده است. کلمه کلیدی بگفته. ۴) کمال الدین. ۵) کتاب «المزار».	۱) مسند الإمام أحمد بن حنبل؛ ج ۲؛ ص ۷۴.
۲	تکذیب وقاتون	ویژگی زمان غیبت، حیران بودن جاهلان در این دوره و تکذیب افرادی که وقت ظهور را تعیین می کنند، خواهد بود.	کفایه الاثر.	
۳	هماننگ شدن قوه تعقل همگان توسط حضرت مهدی <small>عجل الله فرجه</small>	۱. چون قائم ما قیام کند خداوند دست رحمتش را بر سر بندگان گذارد؛ پس عقولشان را جمع کند و (تا پیروی هوس نکنند و بایکدیگر اختلاف نورزند) و در نتیجه خردشان کامل شود. (متانت و خود نگهداری شان کامل شود). ۲. هرگاه گوینده ای از آسمان صدا زند که حق با اولاد محمد <small>ص</small> است، در آن هنگام، ظهور حضرت مهدی <small>عجل الله فرجه</small> سر زبان ها می افتد و از عشق او سرشار می شوند، به گونه ای که غیر از ذکر او، سخنی به زبان نمی آورند.	۱) اصول کافی. ۲) التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن.	
۴	روایاتی که دلالت بر یأس و در مقابل آن به وظیفه مهم در زمان یأس اشاره دارند. (بحث انتظار)	۱. امیدواری بسیار (امیدوارتر) در جایی که امیدی نیست. (اشاره به مبعوث شدن حضرت موسی <small>عليه السلام</small> در بیابان بدون برنامه قبلی) ۲. مایوس نشدن از خدا؛ عمل به مهم ترین وظیفه که بهترین آن، انتظار است. ۳. بهترین اعمال، انتظار و صبر برای ظهور امام <small>عجل الله فرجه</small> است. ظهور در اوج ناامیدی است. ۴. هر لحظه باید انتظار ظهور را داشته باشیم؛ حتی در گام برداشتنها.	۱) اصول کافی. ۲) خصال شیخ صدوق. ۳) قرب الاسناد حمیری. ۴) الامامه والتبصره.	

۲. بررسی محتوایی گونه های روایی ظهور ناگهانی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف

روایاتی که بر ظهور ناگهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف دلالت دارند به لحاظ محتوا، دارای تفاوت‌هایی هستند؛ از این رو در ادامه به بررسی محتوایی گونه‌های روایی پرداخته می‌شود.

۲.۱. ظهور ناگهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف و تکذیب وقانون

ظهور ناگهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف، از جمله موضوعات مهمی است که در روایات به آن تصریح شده است؛ روایاتی که از نظر سلسله سند و منبع، مورد اطمینان بوده و صحیح دانسته می‌شوند. این روایات شامل کلمات کلیدی است که تصریح در ظهور ناگهانی دارد. واژه‌های بگته، فجاه و اصلاح امور در یک شب، از جمله این واژه‌ها هستند.

بگته، یعنی رسیدن چیزی با سرعت، بدون اینکه برای آمدن آن مقدماتی چیده شود. (صدیق حسن خان، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۳۶۳) از نظر علامه طباطبایی «بگته» و همچنین «فجاه»، به معنای پدید آمدن چیزی به طور ناگهانی است؛ بدون اینکه قبل از پدید آمدن، معلوم باشد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۴۸۳) امام عجل الله تعالی فرجه الشريف در زمانی که انسان، هیچ گمانی نسبت به آمدن او ندارد، قیام خواهد کرد. «فَإِنَّ أَمْرَنَا بَعْتَةٌ فَجَاءَةٌ»؛ یعنی فرمان ما به طور ناگهانی فرامی‌رسد. دو واژه «بگته» و «فجاه»، به طور مشترک، به معنی «ناگهانی رسیدن امر» است و ظاهر سخن آنکه، منظور از امر در نامه، همان اشاره به مسئله ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف است. (صدر، ۱۳۸۴، ش، ص ۱۸۸)

نشانه‌های قطعی که پیش از ظهور رخ می‌دهد، روز ظهور را مشخص نمی‌سازد. ظهور آن حضرت برای مردم، به ویژه برای کسانی که به سبب بی‌توجهی یا ضعف عقیده، به وجود و ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف نمی‌اندیشند، ناگهانی تر و غافلگیرکننده تر خواهد بود. (همان) امام رضا عجل الله تعالی فرجه الشريف در مورد ناگهانی بودن ظهور، از قول پیامبر صلى الله عليه وآله می‌فرماید:

«... مَثَلُهُ مَثَلُ السَّاعَةِ الَّتِي لَا يُحِيطُ بِهَا لَوْ قُتِبَ إِلَّا هُوَ... لَا يَأْتِيكُمْ إِلَّا بَعْتَةٌ»؛ «ظهور، همچون قیامت است که آن را در زمان خاص خودش، فقط خداوند ظاهر می‌سازد... جز این نیست که به طور ناگهانی برایتان رخ می‌دهد.» (خزاز رازی، ۱۴۰۱، ص ۲۷۷)

۱. بگته، یعنی از جایی می‌آید که فکرش را نخواهی کرد. فاجأه من حيث لا يحتسب. (ابن معصوم مدنی، ۲۰۱۳، ج ۳، ص ۱۸۳)

فردی بادیه‌نشین از پیامبر ﷺ درباره وقت قیامت سؤال کرد و ایشان در پاسخ فرمود که زمان قیامت را خدا می‌داند. (واحدی، ۱۳۸۳، ص ۱۸۴) در روایتی که امام رضا علیه السلام ظهور امام عصر علیه السلام را ناگهانی می‌داند، نوع وقوع آن، به قیامت تشبیه شده است. در واقع طبق روایت ذکر شده، زمان ظهور، از موارد متعلق علم الهی بوده و تعیین زمان آن، بر اساس آیات الهی، در حوزه علم غیب است و خداوند به آن آگاهی دارد؛ بنابراین تعیین شرایط ظهور و ایجاد زمینه برای آن، اگر منجر به تعیین زمان شود، بر اساس شواهد قرآنی و روایی قابل قبول نیست. نمونه دیگر، پیامبری حضرت موسی علیه السلام است که بدون شرایط و در زمانی که انتظار آن نبود، این گزینش و مبعوث شدن از سوی خدا انجام شد. (ثعالبی، ۲۰۰۸، ج ۱، ص ۲۴۲) همچنین در نامه امام علیه السلام به شیخ مفید آمده است: «... از این رو هر یک از شما باید با همه وجود و امکانات به کارهایی پردازید که او را به دوستی ما نزدیک می‌سازد و از کارهایی که ناخوشایند و موجب خشم و ناراحتی ما می‌شود به شدت دوری جوئید؛ چرا که فرمان ما به طور ناگهانی فرامی‌رسد، در شرایطی که بازگشت و توبه سودی نبخشیده و پشیمانی از گناه و زشت کاری، او را از کیفر عادلانه ما، رهایی نخواهد داد. خداوند، راه رشد و رستگاری را به شما الهام بخشد و وسایل پیروزی به مهر و لطف خویش را برایتان فراهم آورد... انسان، هنگامی که در عصر غیبت مرتکب گناهی گردد که کیفر قانونی بر آن سزاوار شود، آنگاه پیش از اینکه گواه یا دلایل دیگری بر گناه او اقامه گردد، خود توبه کند و به بارگاه خدا روی آورد، در چنین شرایطی، حد قانونی از او ساقط می‌شود؛ اما اگر همچنان در خواب غفلت بوده و توبه نکند تا زمانی که حضرت مهدی علیه السلام ظهور نماید، دیگر توبه او باعث سقوط کیفرش نخواهد شد و ندامت از گناه، او را از کیفری که بر او مقرر گشته، رهایی نمی‌بخشد.» (مفید، ۱۴۱۳، ص ۹)

با توجه به مفهوم ظهور ناگهانی امام علیه السلام، ادعای آماده نبودن شرایط ظهور و در نتیجه عدم ظهور، نمونه‌ای از تعیین وقت به شمار می‌رود؛ بنابراین تعیین وقت بدین صورت که از سوی حضرات معصوم علیهم السلام نقل شده، قابل قبول نیستند. ائمه علیهم السلام، افرادی را که با عناوین مختلف، در صدد پیش‌بینی وقت ظهور هستند یا به علت عدم تحقق شرایط، ظهور را نفی می‌کنند، دروغ‌گو خطاب کرده‌اند. امام حسن عسکری علیه السلام در پاسخ به پرسش از حجت و امام بعد از ایشان، فرمود:

«فرزندم محمد، اوست امام و حجت پس از من. هر که بمیرد و او را نشناسد به مرگ جاهلی مرده است. بدانید که او را غیبتی است که جاهلان درباره آن سرگشته شوند و باطل‌گرایان به نابودی افتند. کسانی که (برای ظهور او) زمان تعیین کنند، دروغ‌گویند. پس از آن غیبت، ظهور می‌کند؛ گویی پرچم‌های سفید را می‌بینم که در نجف کوفه برفراز سراو در اهتزازند.» (خزاز رازی، ۱۴۰۱، ص ۲۹۶)

اصلاح امور در یک شب، در روایات بسیاری مورد تأکید قرار گرفته است که یکی از نکات کلیدی این روایات، ظهور ناگهانی است:

«الْمُهْدِيُّ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ يُصَلِّحُ اللَّهُ فِي لَيْلَةٍ وَ فِي رَوَايَةٍ أُخْرَى: يُصَلِّحُهُ اللَّهُ فِي لَيْلَةٍ.»
(ثقفی، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۶۶۶)

چنین عبارتی نشان از وجود قدرت الهی در هدایت مردم به سوی دین اسلام دارد. در واقع آنچه طبق این روایت و روایات شبیه آن قرار است اصلاح شود، امر امامت است. خداوند، امر امامت او را بر تمام اهل زمین و آسمان و نیز زمینه‌های امامت او را اصلاح و آماده خواهد کرد. همچنین می‌توان گفت در حدیث امام جواد (ع) تصریح شده که «لیصلح له أمر»؛ (خزاز رازی، ۱۴۰۱، ص ۲۸۱) یعنی خداوند، امر او را که همان امر امامت و ظهور و فرج است، اصلاح خواهد کرد و منظور از اصلاح امر ظهور، همان اصلاح نفوس مردمان و ملت‌هاست که آماده پذیرش امامت او خواهند شد. (اسفندیاری، ۱۳۸۶، ص ۳۱۶)

۲،۲. ظهور ناگهانی امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشريف) در اوج ناامیدی و یأس

از جمله روایات دال بر ظهور ناگهانی، روایاتی است که تأکید بر ظهور حضرت در زمانی دارد که همگان ناامید از ظهور منجی هستند؛ چرا که در آن زمان، شرایط جامعه، به گونه‌ای خواهد بود که همگان، زمینه‌ای برای ظهور منجی نمی‌بینند و همین مسئله، سبب یأس و ناامیدی در منتظران می‌شود؛ از این رو اگر ساختار فرهنگ انتظار در این جامعه، تبیین شود و همگان در تحقق چنین ساختاری تلاش کنند، یأس تبدیل به امید خواهد شد. در روایات آمده است:

«منتظر فرج باشید و از روح الله^۱ ناامید نباشید. بهترین اعمال نزد خداوند انتظار

۱. «رَوْح» (بر وزن قوم) که به معنی سرور و شادی و آسایش و نجات از غم و اندوه است نیز از همین معنی گرفته شده است.

فرج است....» (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۶۱۰ و ۶۱۶)

در روایت دیگری از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام آمده است:

«حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام روی قرائن ظاهری و نشانه‌های عادی، امیدی برای مبعوث شدن نداشت؛ اما وقتی برای فراهم آوردن آتش به سوی آن رفت، پیامبر برگزیده الهی شد. خدای متعال در مورد امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام هم این‌گونه عمل خواهد کرد و ایشان را در وقتی که در ظاهر، امیدی به قیامشان نیست، ظاهر خواهد فرمود. پس وظیفه شیعیان، انتظار فرج ایشان است. وقتی بر مبنای محاسبات عادی بشری، امیدی به ظهور امامشان ندارند، بیشتر امید به فرج داشته باشند تا زمانی که روی آن، بر مبنای قرائن ظاهری، حساب نمایند.» (همان)

طبق این روایات، انتظار فرج، از مهم‌ترین وظایف مسلمانان و ناامیدی از روح‌الله^۱، جزو گناهان بزرگ به شمار می‌رود. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام برای درک ظهور ناگهانی، پیامبری حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام را مثال می‌زند. ناآگاهی حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام از زمان مبعوث شدنش، شبیه زمان ظهور حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام برای مردم است؛ یعنی در لحظه‌ای که مسلمانان انتظار ظهور ندارند، او ظهور می‌کند، همان‌گونه که حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام به پیامبر مبعوث شد؛ بنابراین زمینه‌سازی^۲ برای ظهور،

همچنین به الطاف و رحمت الهی «رُوحُ اللَّهِ» گفته می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۶ ه. ق، ج ۲، ص ۸۸)

۱. کلمه «روح» - به فتح راء و سکون واو - به معنای نفس یا نفس خوش است. هر جا استعمال شود کنایه از راحتی است که ضد تعب و خستگی است و وجه این کنایه آن است که شدت و بیچارگی و بسته شدن راه نجات در نظر انسان، نوعی اختناق و خفگی تصور می‌شود؛ همچنان که مقابل آن، یعنی نجات یافتن، به فراخنای فرج و پیروزی و عاقبت، نوعی تنفس و راحتی به نظر می‌رسد و لذا می‌گویند خداوند «یفرج الهمم و ینفس الکره»؛ «اندوه را به فرج و گرفتاری را به نفس راحت مبدل می‌سازد.» پس روحی که منسوب به خداست، همان فرج بعد از شدتی است که به اذن خدا و مشیت او صورت می‌گیرد. (طباطبایی، ۱۳۹۰ ه. ق، ج ۱۱، ص ۲۳۴)

۲. مباحث زمینه‌سازی، بر اساس روایتی از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام است: «... رباطنا رباط الدهر؛ ما در همه زمان‌ها مرزبان و سنگردار و مرزدارانیم» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۳۸۲؛ حکیمی، ۱۳۷۴، ص ۲۸۷) این روایت توسط علامه مجلسی تفسیر شده است. علامه چنین فرمودند: «رباطنا رباط الدهر؛ ای یجب علی الشیعة أن یربطوا أنفسهم علی طاعة إمام الحق و انتظار فرجه و یتجهتوا لنصرته.» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲۶، ص ۵۸۲) امروزه جمله آخر علامه مجلسی که تفسیر او از این روایت است را محور مباحث زمینه‌سازی قرار داده‌اند. روایت دیگر در کتاب سنن ابن ماجه چنین آمده است: «حَدَّثَنَا حَزْمَلَةُ بْنُ یَحْيَى الْمِضْرِيُّ، وَ إِبْرَاهِيمُ بْنُ سَعِيدٍ الْجَوْهَرِيُّ، قَالَا: حَدَّثَنَا أَبُو صَالِحٍ عَبْدُ الْغَفَّارِ بْنُ دَاوُدَ الْحَرَّانِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا ابْنُ لَهْبَعَةَ، عَنْ أَبِي زُرْعَةَ عَمْرُو بْنِ جَابِرِ الْخَضْرَمِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَارِثِ بْنِ جَزْءِ الزَّيْديِّ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «يَخْرُجُ تَأْسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ، فَيُؤْطَلِّقُونَ لِلْمَهْدِيِّ» بِعَنِي سُلْطَانَهُ.» (ابن ماجه، ۱۴۱۸، ج ۵، ص ۵۴۳) سندشناسی روایت: إبراهيم بن سعيد الجوهري أبو إسحاق طبري (۲۵۰ م). بعضی رجالیون او را ثقه و بعضی معتقدند که بدون حجت صحبت می‌کند.

یکی از مؤلفه‌های ضروری است؛ اما در صورت عدم وجود زمینه ظهور، نمی‌توان مدعی شد که ظهور محقق نخواهد شد.

۲,۳. هماهنگ شدن عقول جمعی و تمایل قلبی در زمان ظهور

از مهم‌ترین ویژگی‌های دین اسلام، جهانی بودن آن است. ادعای جهانی بودن این دین، از سوی پیامبر ﷺ در همان آغاز دعوت، با واژه «إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا» قابل اثبات است؛ از همین رو پیامبر ﷺ بعد از تثبیت قدرت خود در شبه جزیره عربستان، دولت‌های قدرتمند را به دین اسلام دعوت نمود. رسالت جهانی او توسط حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى به منصف ظهور خواهد رسید. فرصتی برای مردم دنیا توسط خداوند، با غیبت امام عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى به وجود آمده است تا آنان تمام قدرت‌های موجود را تجربه کنند. در مسیر تجربه تاریخی، از حوادث گذشته عبرت گرفته و ناامید از حکومت‌های غیرالهی، خواهان حکومت الهی باشند. مسلمانان، به صورت خاص، با بهره‌گیری از روایات معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام باید درصدد گسترش فرهنگ انتظار باشند.

بر اساس جهانی بودن دین اسلام، حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى، به همه مردم جهان با هر دین و مسلکی، تعلق دارد. خداوند در تحقق جهانی شدن دین اسلام، امام عصر عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى را یاری خواهد کرد. این یاری، بر اساس روایات در قالب تمایل قلوب به سوی او و هماهنگی عقول جمعی برای ترجیح منافع جمع بر فرد، خواهد بود. در روایات آمده است:

«چون قائم ما قیام کند، خداوند دستش را بر سر بندگان می‌گذارد و عقول آنها را

متمركز ساخته و فرزانی آنها را به تمامیت می‌رساند.» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۵)

با توجه به این روایت، خداوند در زمان ظهور، عقول را کامل می‌کند. او برای برقراری حکومت عدالت محور، عقول بندگان که تا این زمان با دسیسه گروه‌های منحرف اعتقادی و معنوی، گمراه

او دارای آثار بسیار است. (ابن قانع بغدادی، ج ۳، ص ۱۲۳۱)؛ حرمله بن یحیی بن عبدالله بن حرمله، المصری التجیبی (۱۶۶ م - ۲۴۳ ه) متخصص در فقه و حدیث بود. از او آثاری برجای مانده است. (اسنوی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۲۶)؛ عبدالله بن الحارث بن جزء الزبیدی، از صحابه رسول خدا و در مصر بود. مصریان از او روایت نقل کردند. (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۷، ص ۳۴۵)؛ (عبد الغفار بن داود) بن مهرا، أبو صالح الحرانی، جزو ثقات است. (ابن قانع بغدادی، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۳۶۶) عبدالله بن لهیعه، ابن عقبه الحضرمی، أبو عبدالرحمن المصری القاضی، از بین رجالیون اهل سنت، بعضی او را ثقه و بعضی او را ضعیف شمردند. (ابن قانع بغدادی، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۳۶۷). به علت وجود ابن لهیعه که راوی این روایت است و بقیه به او اعتماد کردند، روایت قابل اعتناء نیست.

شده بودند را کامل می‌کند. چنین انحرافی، به علت تشابه حق و باطل بوده است که به لطف الهی، توانمندی‌های لازم برای همکاری با امام معصوم علیه السلام را به دست خواهند آورد. مهم‌ترین ویژگی عصر حضور، حرکت جمعی است؛ به‌گونه‌ای که در آن عصر، فردیت مطرح نیست؛ به همین علت، عقول جمعی به بلوغ خود می‌رسد و منتظران با یکدیگر هماهنگ خواهند شد. در واقع با عنایت الهی، عقول بشر در زمان ظهور، تکامل می‌یابد. آنان به معرفت حقیقی خیر و شر و ابعاد آن می‌رسند. شناخت کامل به کمالات انسانی پیدا می‌کنند و نگرش صحیح به حقیقت جهان و هستی می‌یابند. آن زمان تشخیص می‌دهند که دین اسلام، بهترین دین است و بهترین نوع تعامل با مردم، در این دین مطرح است؛ (ر.ک: محمدی منفرد، ۱۳۸۵) بنابراین باید دانست رسیدن به شایستگی مورد نیاز و تحمل حکومت مهدوی، بدون اراده الهی، ممکن نیست. دومین لطف الهی که در جهت جهانی کردن دین اسلام به کار گرفته می‌شود، هماهنگی قلوب مردم با امام عصر علیه السلام است. در روایات آمده است:

«هرگاه گوینده‌ای از آسمان صدا زند که حق با اولاد محمد صلی الله علیه و آله است، در آن هنگام،

ظهور حضرت مهدی علیه السلام سر زبان‌ها می‌افتد و از عشق او سرشار می‌شوند،

به‌گونه‌ای که غیر از ذکر او، ذکر دیگر به زبان نمی‌آورند.» (ابن طاووس، ۱۴۱۶، ص ۱۲۹)

محبت، یکی از مهم‌ترین راه‌های گرایش به هر دین و مسلکی است. تبلیغات، به همراه استفاده از بعد عاطفی انسان‌ها، بسیار تأثیرگذار است. خداوند با شناخت چنین بعدی، با ایجاد مهر و محبت در دل مردم دنیا، آنان را به سمت گرایش به حقیقت کمک می‌کند. عقل و دل به همراه یکدیگر، توسط خداوند، به مرحله بلوغ عاطفی و فکری خواهند رسید و مقدمه جهانی شدن دین اسلام فراهم خواهد شد.

۳. اعتقاد به ظهور ناگهانی امام عصر علیه السلام؛ مسئولیت‌گریزی یا مسئولیت‌پذیری

حال با چنین دیدگاهی، وظیفه مسلمانان چیست؟ اگر قرار باشد اراده الهی به تنهایی در تکامل انسانها نقش داشته باشد، در این صورت جامعه، پویایی خود را از دست خواهد داد و مسلمانان دچار سستی، رخوت، منزوی بودن و عدم پویایی خواهند شد؛ درحالی‌که سنت الهی برای این است که هیچ قومی، سرنوشتش تغییر نخواهد کرد؛ مگر آنکه خودشان در جهت تغییر سرنوشت، تلاش

کنند. (الرعد: ۱۱) این، یکی از اصول مهم قرآنی و سنت تاریخی است. تغییر خارجی، زمانی انجام خواهد شد که جوامع از درون تغییر کنند. این اصل، وابسته به اختیار انسان بوده و همین امر، سبب ایجاد مسئولیت برای انسان می‌شود؛ (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۴۲۸، ج ۲، ص ۵۰۰) بنابراین انسان از نظر قرآن، براساس اصل اختیار، مسئول است. حال پرسش این است که چگونه این مسئولیت با اعتقاد به ظهور ناگهانی، سازگاری دارد و با یکدیگر قابل جمع است؟

مسئولیت در چنین دیدگاهی، در قالب فرهنگ انتظار قابل تعریف است. نتیجه چنین تفکری، بی‌مسئولیتی در قبال دستورات الهی نیست؛ بلکه یک مسلمان بایسته است به سفارش‌های پیامبر ﷺ و ائمه معصومین  در زمان غیبت، مأنوس باشد. مهم‌ترین دستور آنان، به دست آوردن فرهنگ انتظار است؛ یعنی منتظران باید تلاش کنند تا جامعه‌ای که نمادهای آن بیانگر جامعه منتظر باشد را فراهم سازند. در حقیقت، هر قسمتی از جامعه که با چنین نمادی در تضاد باشد باید برای تغییر مسیر آن به سوی چنین تفکری، تلاش کرد. طبق روایت، مهم‌ترین تکلیف بندگان در زمان غیبت، انتظار است. پیامبر ﷺ می‌فرماید: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ انْتِظَارُ الْفَرَجِ.» (ابن بابویه، ۱۳۵۹، ج ۱، ص ۲۸۷)

بیان شد که براساس اصل قرآنی، انسان مختار است. همین اصل، برای انسان مسئولیت ایجاد می‌کند. چگونگی این مسئولیت در ساختار فرهنگ انتظار که از سوی معصومین  مورد توجه و تأکید قرار گرفته، قابل تعریف است. در ادامه به ارتباط این دو مؤلفه با یکدیگر پرداخته می‌شود.

۴. مسئولیت‌پذیری در قالب ساختار فرهنگ انتظار

ساختار فرهنگ انتظار، به‌گونه‌ای است که همه وظایف یک مسلمان که طبق دستورات الهی از طریق قرآن و معصومین  به ما رسیده، در آن بیان گردیده است. این وظایف، هرکدام در جایگاه خاص خود در این ساختار قرار گرفته است. چنین ساختاری با عدم مسئولیت، سازگاری ندارد. تعریف ناقص از فرهنگ انتظار، باعث ایجاد بی‌مسئولیتی می‌شود. تعریفی که در آن، انتظار به دو قسم خاموش و عمل‌گرا تقسیم می‌شود، (صمدی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۷-۱۳۶) تعریف صحیحی نیست. در واقع، مفهوم‌شناسی انتظار و شناخت دقیق مؤلفه‌های آن، ساختاری از انتظار ارائه می‌دهد که همه افراد جامعه اسلامی در آن مسئول هستند. انتظار در روایات اسلامی، واژه‌ای است که مفاهیم

بسیاری در درون آن نهفته است. انتظار یک فرهنگ است که ساختار آن را مفاهیمی تشکیل می‌دهد که بعد عملی دین اسلام در آن تجلی مییابد. این تجلی، بدون هر کدام از مفاهیم، ساختار ناقصی دارد که خروجی این ساختار، تفکرات ناکارآمد مهدویت را تقویت می‌کند؛ به همین علت، شایسته است تا در مفهوم شناسی انتظار دقت شود. انتظار در کتب لغت و آمیزه‌های قرآنی، دارای مفاهیم گوناگونی است؛ از جمله این مفاهیم عبارت است از:

- مترصد بودن؛ (ابن کبیر مدنی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۷۳) این مفهوم به معنی مراقبت و نگهداری کردن برای به وقوع پیوستن امری است؛ یعنی امری که توقع وقوع (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۴، ص ۷۹) آن از طرف منتظران، حتمی است. مواد مفهوم انتظار، متشکل از مفاهیم رجاء، طمع، آرزو، خواهش و تمنی، توقع و مراقبت است. (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۳۱) با توجه به مفهوم لغوی، مفهوم اصطلاحی انتظار فرج، یعنی جامعه شیعه با گذر از شرایط سخت، با امید و توکل به روح الله، با ترسیم چشم‌انداز جامعه مهدوی و با ظرفیت موجود در دین اسلام که چکیده آن در فرهنگ انتظار نهفته است، به سمت جامعه مطلوب حرکت کند؛ بنابراین انتظار، برای به وجود آمدن جامعه‌ای با ساختار متفاوت است؛ زیرا اگر چنین فضایی موجود نبود، باید در کمین (مترصد) چنین فضایی بود. زمانی که بحث از رصد کردن است؛ یعنی انسان نباید یک لحظه غفلت کند. اگر در نگهداری، خواب چیره شود، دشمن از فرصت استفاده نموده و آنچه را در جهت حفظ آن تلاش کردیم، در یک لحظه به یغما می‌برد؛ بنابراین انتظار با نگهداری امید به وقوع فرج، همراه با خواهش و تمنی از روح الله که همان رحمت الهی است، همراه خواهد بود.^۱
- در روایتی از پیامبر ﷺ آمده است: «یکی از پاسداری‌ها و مراقبت‌ها، انتظار و یاد اقامه نماز بعد از نماز است.» با این عمل، مرز نفس از وسوسه‌های شیطانی و شهوات سدّ می‌شود و این حدیث، تفسیری از حالات مراقبان عبادات است که می‌فرماید: «الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ.» (معارج: ۲۳) (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۲،

۱. «رُوح» به معنی سرور و شادی و آسایش و نجات از غم و اندوه است؛ همچنین به الطاف و رحمت الهی «رُوح الله» گفته می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۱۱۳)

ص ۳۶) با چنین تعبیری از مفهوم انتظار، معنای آن گسترده خواهد شد. چنین انتظاری بین دو نماز، همانند سدی است که نفس انسان را از آلوده شدن به هر گناهی مصون می‌کند. این مراقبه و نگهبانی از نفس، باید در منتظران ظهور منجی بعد از غیبت صغری، وجود داشته باشد.

بر اساس روایت پیامبر ﷺ، انتظار بعد از نماز، شبیه انتظار بعد از غیبت صغری برای ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه است. تفاوت بین آنها، محدوده زمانی غیبت است. طولانی بودن زمان، باعث می‌شود تا انسان، با غفلت از مبانی اصلی دین خود، به تفکرات انحرافی گرایش پیدا کند. در چنین حالتی، تنها امری که عجین با انتظار است، صبر خواهد بود. در روایات اسلامی، انتظار و صبر، دو مؤلفه جدانشدنی از یکدیگر هستند. در سوره ابراهیم، انتظار به صبر تعبیر شده است؛ زیرا انتظار از صبر و بردباری، تفکیک ناپذیر است. انتظار، خود نوعی صبر است. (ابراهیم: ۵) همچنین امام رضا علیه السلام، بهترین نوع صبر را انتظار فرج می‌داند. (قاضی نعمان، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۵۶۰) پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «بهترین عبادت، انتظار فرج است.» (ابن بابویه، ۱۳۵۹، ج ۱، ص ۲۸۷) و در روایت دیگر آمده است: «انتظار فرج همراه با صبر، حسن مصاحبت و حسن همسایگی است.» (همان، ج ۲، ص ۳۳۷) با این روایات، ثابت می‌شود که صبر به همراه معاشرت اجتماعی، از ویژگی‌های مهم در جامعه منتظر است. هدف روایات، به وجود آوردن جوامع با اخلاق اسلامی و توحیدمحور است. جامعه توحیدمحور، عملگرا است و نماد تمدنی آن، ایجاد اصل همزیستی مسالمت‌آمیز در بین همه افراد با گرایش‌های مختلف است. در این جامعه، با افراد بدعت‌گذار در دین از هر گروه و مسلکی مقابله خواهد شد. وجود گروه‌هایی که در اصول دین انحراف ایجاد می‌کنند، امنیت جامعه را تهدید نموده و مانع رشد افراد می‌شوند؛ بنابراین هدف روایات با مضامین انتظار، ایجاد جامعه‌ای پویا با محوریت توحید است. این، ویژگی و ظرفیت دین اسلام است. امام سجاد علیه السلام در این باره می‌فرماید: «انتظار فرج، خود فرج و گشایش است.» (همان، ج ۱، ص ۳۲۰) انسان منتظر، همواره در صدد اصلاح رفتار خود است. او مطیع دستورات امام خود خواهد بود؛ به همین علت، انتظار، خود به معنای فرج خواهد بود. با فهم صحیح از مفهوم انتظار و سفارش‌های ائمه علیهم السلام و تعاریف آنان از مباحث انتظار، واضح است که انسان منتظر، انسان بی‌مسئولیت و منزوی نیست. از طرفی، فرهنگ مهدویت از درون، دارای پویای و حرکت است. این حرکت و پویایی در ساختار فرهنگ انتظار، قابل تعریف است.

۵. نتیجه‌گیری

اعتقاد به ظهور منجی، از مهم‌ترین اعتقادات ادیان الهی است. منجی آخرالزمان از نظر مسلمانان، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. او پس از غیبت طولانی، ظهور نموده و جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد. این تفکر، باعث پویایی جامعه شیعی و تحول آن می‌شود. نظرات مختلفی درباره نوع ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وجود دارد. ظهور ناگهانی امام عجل الله تعالی فرجه الشریف، از جمله اعتقادات مسلمانان است. روایات بسیاری دلالت بر این اندیشه دارد. کلمات کلیدی بغته، فجاه، اصلاح امور در یک شب، کامل و هماهنگ شدن عقول به لطف و رحمت الهی در زمان ظهور، این دلالت را تقویت می‌کنند. در اندیشه ظهور ناگهانی، انتظار، از مهم‌ترین مؤلفه‌ها به شمار می‌رود. برخلاف باور عده‌ای که این اندیشه را مساوی مسئولیت‌گریزی می‌دانند، باید دانست که با تعریف دقیق و کامل از انتظار، این مسئولیت‌های اجتماعی انسان است که نمود بیشتری خواهد یافت. این تعریف، ساختاری را ارائه می‌دهد که در آن، انتظار با مفاهیم صبر، رصد کردن، مراقبت و نگهبانی، حسن مصاحبت و حسن جوار همراه است. همچنین خداوند بهترین نوع صبر را انتظار دانسته و آن را جزو عبادات محسوب می‌کند. با چینش همه مؤلفه‌ها در کنار یکدیگر، انسان در شرایطی قرار می‌گیرد که همواره با رعایت اصول اخلاقی در اجتماع، باید برای ایجاد جامعه توحید محور، تلاش نماید. نمود خارجی چنین جامعه‌ای، وجود امنیت است. در چنین فضایی، رشد و تعالی انسان و جامعه تأمین خواهد شد؛ بنابراین حاصل نهاده شدن فرهنگ انتظار در جامعه اسلامی، ایجاد مسئولیت فردی و اجتماعی برای انسان است. هدف اصلی در جامعه منتظر، به منصفه ظهور رسیدن رفتارهای اجتماعی در قالب دین است. چنین جامعه‌ای که انتظار، برترین عبادت آن دانسته می‌شود، بایسته است که در همه زمینه‌ها، توحیدمحور بودن، نماد آن باشد.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم
۲. _____، کمال‌الدین و تمام النعمه (اسلامیه)، چاپ دوم، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۵۹ش.
۳. _____، ترجمه تفسیر المیزان، چاپ پنجم، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۳۷۴ش.
۴. _____، فهرست کتب الشیعہ و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول، قم: مکتبه المحقق الطباطبایی، ۱۴۲۰ق.
۵. _____، رجال العلامه الحلی، چاپ دوم، قم: الشریف الرضی، ۱۴۰۲ق.
۶. _____، مختصر الامثل، قم: مدرسه الإمام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۴۲۸ق.
۷. _____، نفحات القرآن، قم: مدرسه الإمام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۴۲۶ق.
۸. ابن حنبل، احمد بن محمد، فضائل الصحابه، چاپ چهارم، قاهره: دار ابن الجوزی، ۱۴۳۰ق.
۹. ابن حیون، نعمان بن محمد، شرح الأخبار فی فضائل الأئمه الأطهار، چاپ اول، قم: جامعه المدرسین فی الحوزه العلمیه، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۰۹ق.
۱۰. ابن سعد، محمد، طبقات الکبری، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰ق.
۱۱. ابن طاووس، علی بن موسی، التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، چاپ اول، قم: مؤسسه صاحب الامر علیه السلام، ۱۴۱۶ق.
۱۲. ابن عماد، عبدالحی بن احمد، شذرات الذهب فی أخبار من ذهب، چاپ اول، دمشق: دار ابن کثیر، ۱۴۰۶ق.
۱۳. ابن قانع بغدادی، عبدالباقی، معجم الصحابه، چاپ اول، بیروت: دار الفکر، ۱۴۲۴ق.
۱۴. ابن ماجه، محمد بن یزید، سنن الحافظ أبی عبدالله محمد بن یزید القزوی، چاپ اول، بیروت: دار الجیل، ۱۴۱۸ق.
۱۵. ابن معصوم مدنی، سید علی بن احمد بن محمد معصوم الحسینی، الطراز الأول و الكنز لما علیه من لغه العرب المعول، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۲۰۱۳م.
۱۶. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، چاپ اول، بیروت: دار المعرفه، بی تا.
۱۷. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، چاپ اول، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ش.
۱۸. ابوالشیخ، عبدالله بن محمد، طبقات المحدثین بأصبهان و الواردین علیها، چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۱۲ق.
۱۹. استرآبادی، محمد بن علی، منهج المقال فی تحقیق أحوال الرجال، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۲۲ق.
۲۰. اسفندیاری، مصطفی، حجت موجه: مهم ترین اختلاف نظرهای شیعه و اهل سنت در مهدویت، چاپ اول، تهران: بصیرت، ۱۳۸۶ش.
۲۱. اسنوی، عبدالرحیم بن حسن، طبقات الشافعیه (أسنوی)، بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۲۲هـ.
۲۲. بخاری، محمد بن اسماعیل، التاريخ الكبير، بیروت: دارالفکر، بی تا.



۲۳. بروکلیمان، کارل، تاریخ الأدب العربی، چاپ سوم، قاهره: دار المعارف، بی تا.
۲۴. تفرشی، مصطفی بن حسین، نقدالرجال، قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۳۷۷ش.
۲۵. تقی الدین حلی، حسن بن علی، الرجال، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ق.
۲۶. ثعالی، عبدالملک بن محمد، الاقتباس من القرآن الکریم، ۲ جلد، اردن - عمان: جدارا للکتاب العالمی، ۲۰۰۸م.
۲۷. ثقفی، ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال، الغارات، چاپ اول، تهران: (ط - الحدیثه)، ۱۳۹۵ش.
۲۸. حسینی حلی، حسین بن کمال الدین ابرز، زبده الأقوال فی خلاصه الرجال، چاپ اول، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، سازمان چاپ و نشر، ۱۴۲۸ق.
۲۹. حسینی، محمد بن علی، ۱۴۱۸هـ، التذکره بمعرفه رجال الکتب العشره، چاپ اول، قاهره: مکتبه الخانجی، ۱۴۱۸ق.
۳۰. حسینی زبیدی، محمد مرتضی، بیروت: تاج العروس من جواهر القاموس، ۱۴۱۴ق.
۳۱. حکیمی، محمد، عصر زندگی و چگونگی آینده انسان و اسلام (پژوهشی در انقلاب جهانی امام مهدی «عج»)، قم: حوزه علمیه قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴ش.
۳۲. حلی، حسن بن یوسف، ترتیب خلاصه الأقوال فی معرفه الرجال، چاپ اول، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۸۱ش.
۳۳. خزاز رازی، علی بن محمد، کفایه الأثر فی النص علی الأئمه الإثنی عشر، قم: نشر بیدار، ۱۴۰۱ق.
۳۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، چاپ دوم، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۴ش.
۳۵. رضوانی، علی اصغر، وظایف ما در عصر غیبت، چاپ سوم، قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۶ش.
۳۶. ززاری، احمد بن محمد، رساله ابی غالب الزراری إلی ابن ابنه فی ذکر آل أعین، قم: مرکز البحوث و التحقیقات الإسلامیه، ۱۴۱۱ق.
۳۷. سرگین، فواد، تاریخ التراث العربی، چاپ دوم، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، ۱۴۱۲ق.
۳۸. شوشتری، محمدتقی، قاموس الرجال، چاپ دوم، قم: جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۰ق.
۳۹. صدر، محمد، تاریخ پس از ظهور، تهران: انتشارات موعود عصر، ۱۳۸۴ش.
۴۰. صدیق حسن خان، محمد صدیق، فتح البیان فی مقاصد القرآن، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۲۰ق.
۴۱. صمدی، قنبرعلی، «آموزه انتظار و زمینه سازی ظهور»، مجله مشرق موعود، شماره ۱۱، ۱۳۸۸ش.
۴۲. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ش.
۴۳. طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم، دلائل الإمامه، قم: (ط - الحدیثه)، ۱۴۱۳ق.
۴۴. طوسی، محمد بن حسن، رجال الطوسی (جامعه مدرسین)، چاپ سوم، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۳۷۳ش.
۴۵. کشی، محمد بن عمر، اختیار معرفه الرجال، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، قم: لإحیاء التراث، ۱۴۰۴ق.
۴۶. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.

۴۷. مامقانی، عبدالله، تنقیح المقال فی علم الرجال، قم: موسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، ۱۴۳۱ق.
۴۸. مجلسی، محمد باقر بن محمدتقی، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، چاپ دوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴ق.
۴۹. محمدی منفرد بهروز، «مدرنیته و اندیشه مهدویت»، مشرق موعود، شماره ۱، تابستان ۱۳۸۵ش.
۵۰. مشار، خان بابا، فهرست کتاب‌های چاپی عربی: از آغاز چاپ تا کنون، سایر کشورها: بیشتر از سال ۱۳۴۰ ه به بعد، بی‌جا: بی‌نا، ۱۳۴۴ش.
۵۱. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: مرکز نشر آثار علامه المصطفوی، ۱۳۶۸ش.
۵۲. مفید، محمد بن محمد، کتاب المزار- مناسک المزار، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۵۳. مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن، چاپ نهم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶ش.
۵۴. نجار، محمد علی، تصحیح تراثنا الرجالی مع التعریف بالمجهولین من رواته، قم: موسسه دارالهجره، ۱۴۱۰ق.
۵۵. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، چاپ ششم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۵ش.
۵۶. واحدی، علی بن احمد، اسباب النزول واحدی (ترجمه ذکاوتی)، ۱ جلد، چاپ اول، تهران: نشر نی، ۱۳۸۳ش.

پیروشناسی احمد الحسن

زهره سعیدزاده^۱

چکیده:

یکی از مؤثرترین عواملی که می‌تواند فردی را مشهور و تبدیل به چهره‌ای شناخته‌شده کند، طرفداران او هستند. شناخت هر نمونه‌ای از افراد یک جامعه، در ابعادی مانند فرهنگی، اعتقادی، سیاسی و ... باعث به دست آوردن قدرت تسلط بر آن نمونه افراد می‌شود که با استفاده از این قدرت، می‌توان یا آن جامعه را بیش‌ازپیش رشد داد یا به نابودی کشاند؛ از این‌رو شناخت طرفداران یک شخصیت، باعث کسب توانایی تسلط بر آن افراد، در جهت رشد یا نابودی جامعه می‌شود. امروزه اغلب مردمی که دغدغه دین دارند با نام احمد الحسن و دعاوی او آشنا هستند. وی نیز مانند سایر افراد صاحب‌نام منفی یا مثبت در تاریخ، پس از اعلام دعوت خود، پیروانی به دست آورده و این پیروان که خود را انصار احمد الحسن می‌نامند، دعوتش را از طریق تبلیغ، گسترش می‌دهند. محتوای مقاله، شامل اطلاعاتی درباره پیروان احمد الحسن که حاصل یک سال برخورد مستقیم با انصار در فضای مجازی، به صورت فردی و جمعی، از طریق همکاری با گروهی که علیه تبلیغات مجازی انصار فعالیت می‌کردند و مطالعه کتب جریان احمد الحسن و کتب نقد آن جریان است. اکثر پیروان احمد الحسن، از طریق شبکه‌های مجازی پرمخاطب مانند تلگرام و فیس‌بوک، با این مسلک آشنا شده و پس از قبول دعوت یا به قول مبلغان آن، توبه از گمراهی، به جرگه آنان می‌پیوندند. مهم‌ترین وظیفه برای انصار احمد الحسن، تبلیغ و جذب افراد است.

واژگان کلیدی: احمد الحسن بصری، انصار احمد الحسن، شبکه‌های مجازی، تبلیغ، انصار مکتب

مقدمه:

احمد اسماعیل صالح السلمی البصری (۱۹۶۸ م.) یا احمد بن اسماعیل بن صالح بن حسین بن سلمان بن داوود بن هنبوش، (احمد، ۲۰۱۵، ص ۱۲۱) معروف به «احمد الحسن یمانی»، در سال ۲۰۰۵، (رک. محمدی هوشیار، ۱۳۹۵، ص ۲۵ تا ۲۷) طی بیانیه‌ای خود را وصی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و یمان‌ی موعود در روایات، معرفی و مردم را به سوی خود دعوت کرد. پیروان احمد الحسن خود را انصار احمد الحسن می‌نامند. از آنجایی که این پیروان، مهم‌ترین وظیفه خود را تبلیغ دعوت احمد الحسن می‌دانند، به صورت گسترده در حال تبلیغ و ترویج عقاید خود در جامعه و خصوصاً فضای مجازی هستند که امروزه بخش بسیار زیادی از فضای ارتباطات مردم را در بر گرفته است.

احمد الحسن با همراهی عبدالزهره الکرعاوی در سال ۱۴۲۸ هـ. قمری، مصادف با ۲۰۰۸ م، پادگانی را در منطقه الزرکه (بین نجف و کربلا) تأسیس و قیام مسلحانه‌ای را علیه علمای شیعه آغاز کرد تا در روز تاسوعا به نجف اشرف حمله کرده و همه آنان را قتل عام کند. این اقدام، با مداخله نیروهای امنیتی عراق، با شکست مواجه شد. در این درگیری، ۳۴۳ نفر کشته و ۱۰۸۹ نفر دستگیر شدند که ۲۰۰ نفر از کشته شدگان، مربوط به پیروان احمد الحسن بودند. کرعاوی در این درگیری کشته شد و احمد الحسن نیز پس از آن، مفقود گردید. (بنک المعلومات الوطني، ۲۰۰۷، ص ۶۴؛ روزنامه الشرق الاوسط، معد فیاض بغداد، جمعه ۱۴ محرم ۱۴۲۸)

مجهول الحال شدن وضعیت احمد الحسن، نقطه آغازی برای گسترده‌تر شدن فعالیت‌های پیروانش شد؛ زیرا از این زمان به بعد با نبود احمد الحسن، افرادی که به عقیده خود پایبند بودند، احساس مسئولیت نموده و اندک‌اندک، گستره تبلیغی خود را برای نشر دعوت احمد الحسن توسعه دادند. همچنین غیبت احمد الحسن، باعث بروز اختلافاتی در میان انصار و دسته‌دسته شدن آنان گردید و هر گروه، برای اثبات عقیده خود و به دست آوردن منصبی در تشکیلات احمد الحسن، همچنان می‌جنگد و تنور جریان احمد الحسن را داغ می‌کند. فرقه‌ای که بیشترین آتش را در این تنور می‌دمد، فرقه انصار مکتب است.

قبل از نگارش این مقاله، از آنجایی که بخشی از منابع اطلاعاتی مربوط به محتوای مقاله، عکس و فیلم‌هایی در فضای مجازی است؛ یکی از دغدغه‌های من این بود که چطور این منابع

را در مقاله ذکر کنیم. از این رو کانالی در نرم افزار تلگرام با عنوان «پیشروشناسی احمد الحسن» ایجاد کرده و منابع را در این کانال جمع آوری نمودم که شیوه استفاده از آن، در مقاله شرح داده شده است. در این پژوهش، سعی بر آن است تا عقاید، احکام انصار و عملکرد آنان، شامل نحوه تبلیغ و جذب افراد، سیستم تشکیلاتی و فعالیت‌هایی که ضد آنها هم‌اکنون انجام می‌شود، مورد بررسی قرار گیرد. در واقع هدف این مقاله، نقد یا تشویق جریان احمد الحسن نیست؛ هرچند که در بخش‌هایی از مقاله، به تأثیرات اجتماعی جریان نیز پرداخته می‌شود.

۱. عقاید

لزوم بحث درباره عقاید انصار احمد الحسن، از آن جهت است که بنای هر گروه یا فرقه‌ای، بر عقاید آنان است و تا زمانی که نتوانیم عقاید آنان را بشناسیم، مطمئناً ابعاد دیگر مسئله مورد نظر، قابل کنکاش نخواهد بود. کتاب عقاید اسلام که انصار ادعا دارند، نویسنده آن احمد الحسن است، کتابی است که در آن، مجموع عقاید اسلام از دیدگاه احمد الحسن بیان شده است. در این کتاب، ابتدا اصل دین تعریف شده و سپس اصول سه‌گانه‌ای معرفی می‌شود که به نظر می‌آید زیرشاخه‌های همان اصل دین تعریف شده است:

«اصل دین یا عقیده الهی در این زمین، همان استخلاف (خلافت الهی) است. از آن هنگامی که خداوند حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَام، اولین انسان زمینی را آفرید، او را خلیفه خود در زمین قرار داد.» (احمد الحسن، ۱۴۳۷ ق، ص ۷)

بعد از بیان اصول مهم این فرقه، عقاید اصلی آنها در ابعاد مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱.۱ اصول سه‌گانه:

اصول سه‌گانه دین از منظر احمد الحسن چنین است:

الف) اصل اول: مستخلف (خدا)

مستخلف، خدای سبحان یا همان حقیقت است. دو طریق برای تصدیق به وجود آن حقیقت غایب شاهی که این عالم را خلق کرده است وجود دارد: اول، طریق حق و دوم، طریق عقلی. (همان، ص ۱۲)

ب) اصل دوم: خلیفه

اینکه خداوند در هر زمانی خلیفه یا رسولی برگزیند و اینکه او داناترین مردم است و همه مکلفان، مأمور به اطاعتش هستند، امری حتمی در هر زمانی است؛ بنابراین برگزیدن خلیفه در هر زمان، لازم است. (همان، ص ۴۴)

ج) اصل سوم: رسالت

هدف از آفرینش، بندگی و شناخت است و برای محقق شدن این هدف، باید دانش و شناخت نسبت به خواست آفریننده یا رسالت حاصل شود؛ به این ترتیب افراد مکلف، به شناخت می‌رسند و هدف از آفرینش محقق می‌شود. در غیر این صورت، حرکت فرد فقط موجب دورتر شدن از هدف می‌شود. (همان، ص ۲۱۶).

۱،۲. رجعت:

در باور انصار، تعریف رجعت بدین گونه است: رجعت، عالمی است که خداوند در آن، برخی از اشخاص را بار دیگر باز می‌گرداند و آنان را مورد امتحان قرار می‌دهد و آنان در عالم رجعت، از عوالم پیشین که خداوند آنان را با آن امتحان نموده است، غافل هستند؛ به این خاطر که به واسطه آن عالم، از عوالم غیر آن در حجاب و پرده هستند؛ همان طور که مردم در این عالم جسمانی با اجسام در پرده و حجاب قرار دارند و خداوند، امتحان آنان در عالم ذر را از یادشان برده است. (همان، ص ۳۱۳)

۱،۳. تحریف در قرآن:

انصار با توجه به آموزه‌های احمد الحسن، قائل بر تحریف قرآن هستند. در جلد دوم کتاب گوساله، در این باره آمده است:

«روایات بسیاری از اهل بیت پیامبر ﷺ دال بر تحریف قرآن وارد شده است... و منظور از تحریف اینک قرآنی که هم اکنون در دستمان است کامل نیست و اینکه برخی از کلمات آن تغییر یافته یا به عمد تغییر داده شده‌اند. برخی از علمای مسلمین، واقع شدن تحریف را تأیید و برخی دیگر رد کرده‌اند.» (احمد الحسن، ۱۳۹۵ ش، ج ۲، ص ۲۵ و ۲۶)

او در این کتاب، دلایلی را که عده‌ای برای تحریف قرآن مطرح کرده‌اند، بیان نموده که یکی از این دلایل، از باب نمونه ذکر می‌شود:

«قرآنی که امروزه در اختیار ما است در زمان ابوبکر و عمر جمع‌آوری شده است و روایاتی از اهل سنت و شیعه بر چنین مطالبی دلالت دارند؛ حتی این موضوع، واقعه‌ای است که به تواتر در تاریخ موجود است و اینکه چندین مصحف وجود داشت که عثمان، همگی آنها را سوزانید و مردم را بر یک مصحف گرد آورد؛ اما قرآنی که پیامبر ﷺ جمع کرد، نزد علی علیه السلام بود که او آن را بر قوم عرضه داشت؛ ولی آنان نپذیرفتند و هم‌اکنون نزد امام دوازدهم رحمته الله علیه می‌باشد. روایات بسیاری از اهل بیت علیهم السلام بر این مطلب دلالت می‌نمایند... این ادعا که قرآنی که هم‌اکنون در اختیار ما است، همان قرآنی است که در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله جمع‌آوری شده است، ادعایی است گراف و بیهوده که هیچ دلیلی بر آن وجود ندارد و حتی طبق آنچه پیش‌تر ارائه گردید، مردود می‌باشد.» (همان، ج ۲، ص ۳۴ و ۳۵ و ۳۶)

وی در انتهای بحث، نظر خود را در رابطه با تحریف قرآن، این‌گونه مطرح می‌کند:

«بحث و گفت‌وگو درباره تحریف، از وجود نقصان یا تغییر برخی از کلمات آن هم با توجه به روایاتی از معصومین و برخی از صحابه وارد شده است، فراتر نمی‌رود. هر دوی این موارد - وجود نقصان یا تغییر برخی کلمات - در اعتبار قرآنی که هم‌اکنون در اختیار ما است، قسمتی از قرآن است و اشکالی در اینکه از سوی خداوند سبحان است، وارد نمی‌کند؛ اما صحبت در خصوص تغییر برخی از کلمات همانند «امه» به جای «ائمه» و «اجعلنا» به جای «اجعل لنا» و «طلح» به «طلع»، شبیه به پایینند بودن به قرائت‌های هفت‌گانه یا ده‌گانه‌ای است که مورد قبول همه مسلمانان امروزی است و هرکسی که به یکی از این قرائت‌ها بخواند را - با اینکه برخی کلمات در یک قرائت نسبت به دیگری متفاوت می‌باشد، چه در لفظ و چه در معنی - خطا محسوب نمی‌کنند.» (همان، ج ۲، ص ۴۰)

۱،۴. رؤیابینی:

رؤیابینی در طریق احمد الحسن، یکی از دلایل حجت بر خلیفه الهی است. او این چنین می‌گوید:

«رؤیایها دلیل برای تشخیص مصداق خلیفه خدا هستند و دلیل قرآنی استوار این مطلب، آن است که رؤیاهای صادق همان وحی و نص الهی برای خلق هستند که به وسیله آنها خلیفه خود را به مردم معرفی می‌کنند و از آن جهت این رؤیا وحی الهی محسوب می‌شود، دلیل خلافت شخص هستند.» (احمد الحسن، ۱۴۳۷ ق، ص ۱۲۰)

۱،۵. اراده الهی و افعال انسان:

پیرو عقاید کلامی انصار احمد الحسن در بحث ارتباط اراده الهی به انسان و کارهایش، این چنین آمده است:

«خداوند سبحان وقوع افعال بندگانش را امضا می‌کند؛ چه به انجام آنها اراده داشته باشند و چه نداشته باشند، بر اساس قانون و سنت الهی عمومی وجود؛ ولی امضا و تأیید خداوند سبحان، نسبت به افعالی از بندگان که او آن را اراده نفرموده است، طبق اراده بندگان است و به این معنا نیست که او امور را به بندگان واگذار کرده است؛ به این دلیل که خداوند سبحان یک قانون تکوینی عمومی قرار داده است که بر مبنای آن انسان می‌تواند فعل خوب و بدی را که می‌خواهد انجام دهد، بدون اینکه خداوند او را از آن بازدارد. مگر اینکه حکمت، موجب شکستن این قانون شود و خداوند مانع انجام فعلی توسط بنده‌ای شود، همان طور که در معجزه اتفاق می‌افتد.» (همان، ص ۲۴۳)

۱،۶. سهو و نسیان معصوم:

احمد الحسن معتقد به سهو و نسیان معصوم است. وی در کتاب عقاید اسلام، ابتدا تعریف خود از سهو و نسیان را بیان کرده (همان، ص ۲۶۹) و سپس به دلایل آن از نظر بیولوژیکی در انسان می‌پردازد (همان، ص ۲۷۳) و ارتباط خلیفه خدا با سهو و نسیان را در چندین فرض بیان می‌کند. او در نتیجه‌گیری نهایی، چهار احتمال در مورد سهو و نسیان خلیفه خداوند بیان می‌کند که عبارت‌اند از:

۱. خلیفه خداوند مطلقاً و از ذات خود، نسیان و سهو ندارد.

۲. خلیفه خداوند، به خاطر یادآوری‌کننده خارجی، مطلقاً نسیان و سهو ندارد.
 ۳. خلیفه خداوند، مانند هر انسان دیگری، نسیان و سهو دارد.
 ۴. خلیفه خداوند مانند هر انسان دیگری، می‌تواند در مواردی نسیان و سهو داشته باشد و در مواردی دیگر، به خاطر حکمتی، امکان نسیان و سهو برایش وجود نداشته باشد و در آن وارد از نسیان و سهو معصوم باشد. (همان، ص ۲۷۹ و ۲۸۰)
- وی در ادامه، برای اثبات ادعای خود، آیات و روایاتی را مبنی بر سهو پیامبر ﷺ و امامان علیهم‌السلام ذکر می‌کند (همان، ص ۲۸۸) و در آخرین بحث می‌گوید:

«حتی اگر همه این دلایل، برای استدلال نسبت به امکان سهو معصوم در مسائل زندگی و عبادی کافی نباشد، لازم است که مخالفان ثابت کنند که نداشتن دلیل، می‌تواند عدم سهو معصوم را به صورت مطلق یا در عبادت، نتیجه دهد؛ چراکه آنان بدون هیچ دلیلی، چه یک آیه محکم، چه روایتی قطعی الصدور و دارای دلالت قطعی و چه دلیل عقلی تام و کامل، به این عقیده پایبند هستند.» (همان، ص ۳۱۲)

۲. احکام

انصار احمد الحسن در طریقه انجام برخی احکام شرعی واجب و مستحب، با آنچه علمای شیعه فتوا داده‌اند، تفاوت قائل‌اند که در ذیل به اهم آنها پرداخته می‌شود.

احمد الحسن در کتاب «گوساله» خود، احکام را این‌گونه تعریف می‌کند:

«احکام، مجموعه تشریح‌هایی است که پیامبران و فرستادگان از سوی خداوند سبحان آورده و بندگان، مکلف به اجرای آنها بوده‌اند و چه بسا برخی از آنها منسوخ شده یا با گذشت زمان، مطابق با علم حکیم خبیر، با توجه به آنچه به صلاح بندگان و سرزمین‌ها در هر زمانی بوده است، تشریحات و قوانین جدیدی به آن افزوده شده باشد. هیچ نسخ کردن، تغییر یا افزون‌کردنی صحیح نیست؛ مگر با بعثت انذاردهنده معصوم که از طرف خداوند صحبت و به فرمان او عمل می‌کند و هر کس که جز این راهی را در پیش گیرد، به گمراهی دور و درازی گرفتار شده است.»

او در ادامه همین بحث، منبع احکام را فقط معصومان علیهم‌السلام معرفی می‌کند و احکام غیرمنقول از

اهل بیت علیهم السلام را شرک به خداوند می‌داند و به نوعی، شبهه‌ای به فتاوی‌ای علما وارد می‌سازد. احمد الحسن می‌نویسد:

«بنابراین هر عقیده‌ای که انسان به آن اعتقاد دارد، اگر آن را از معصومی که آن را از سوی خداوند، نگرفته باشد، عبادت و پرستشی غیر از خداوند محسوب می‌گردد و هر حکم شرعی که انسان به آن پایبند باشد، اگر از معصومی که آن را از جانب خداوند آورده نباشد، پرستش و عبادتی برای آن شخص فتوا دهنده و قانون‌گذار می‌باشد؛ زیرا بدین ترتیب او ادعای الوهیت نموده است؛ در حالی که معصومین از خود چیزی نمی‌گویند و صرفاً نقل‌کننده حکم شرعی از طرف خداوند می‌باشند.»
(احمد الحسن، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۴۲ و ۴۳)

انصار، احکام خود را از کتاب شرایع الاسلام که منسوب به احمد الحسن است، استخراج می‌کنند. در مقدمه این کتاب، به قلم احمد الحسن آمده است:

«(شرایع الاسلام فی المسائل الحلال و الحرام) نوشته دانشمند فاضل و دوستدار دلسوز و خیرخواه آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم ابوالقاسم، نجم‌الدین جعفر بن حسن است. او برای شناخت احکام شریعت اسلام از طریق روایات پیامبر و ائمه علیهم السلام آنچه در توان داشت، انجام داده است، اما در بعضی موارد، به خطا رفته و در مواردی نیز مردد شده است؛ البته این خطاها، نه از روی عمد، بلکه به دلیل کوتاهی (فکر) بوده و راهی برای دفع آن نداشته است. این کتاب را به دستور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و بر اساس آنچه از ایشان آموختم، تصحیح و احکام شریعت اسلام را بیان نمودم. ایشان مرا امر فرمودند تا علوم را که اهلش موجود و زمانش رسیده است، بیان کنم و آنچه وقتش نرسیده به وقتش موکول کنم و هر کس با این احکام مخالفت کند با امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مخالفت کرده است.» (احمد الحسن، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۱۵)

اکثر احکامی که در این کتاب بیان شده است به جز مواردی، با فتاوی‌ای علمای تشیع مطابقت دارد که در اینجا به تعدادی از آن موارد اختلافی اشاره می‌شود:

- در باب تعداد نمازهای واجب، با دیدگاه علمای شیعه تفاوت دارند. احمد الحسن، تعداد نمازهای واجب را ۹ مورد می‌داند که شامل نمازهای شب و روز،

نماز جمعه، نماز عید قربان و عید فطر، نماز کسوف، نماز آیات، نماز طواف، نماز میت و نمازی می‌شود که انسان با نذر و شبیه آن، بر خود واجب می‌کند و غیر از این، بقیه نمازها مستحب است. (همان، ج ۱، ص ۷۳)

- کیفیت اذان انصار با فتاوی علمای تشیع، متفاوت است. بخش‌های اذان از منظر احمد الحسن، عبارت‌اند از: چهار تکبیر (الله اکبر)، شهادت به توحید (اشهد ان لا اله الا الله)، بعد شهادت به رسالت (اشهد ان محمداً رسول الله) و بعد شهادت به ولایت (اشهد ان علیاً و الائمه من ولده حجج الله) و بعد شهادت به هدایت (اشهد ان المهدي و المهديين من ولده حجج الله)، سپس بگوید: (حی علی الصلاه)، (حی علی الفلاح) بعد (حی علی خیر العمل) و تکبیر (الله اکبر) و تهلیل (لا اله الا الله) و هرکدام از این بخش‌ها را دو بار تکرار می‌کند. (همان، ج ۱، ص ۹۲)
- در ارکان نماز نیز تفاوتی است. پیروان این فرقه معتقدند، تکبیره الاحرام در نماز رکن است و نماز بدون آن صحیح نیست و اگر به سبب فراموشی در آن خللی ایجاد شود، نماز باطل است. شکل آن، گفتن «الله اکبر» است... واجب است بعد از تکبیره الاحرام، شش تکبیر بگوید که در مجموع هفت تکبیر می‌گردد. تکبیر اول، تکبیر آغاز نماز است. (همان، ج ۱، ص ۹۶)

۳. فرقه‌ها و اختلافات درونی:

پیروان جریان احمد الحسن پس از چند سال، دچار اختلافاتی در بین خود شدند. نقطه آغاز اختلافات، از زمانی است که احمد الحسن با همراهی عبدالزهره الکرعاوی در سال (۱۴۲۸ ه. ق) پادگانی را در منطقه الزرکه (بین نجف و کربلا) تأسیس و قیام مسلحانه‌ای را علیه علما شیعه آغاز کرد تا در روز تاسوعا به نجف اشرف حمله کرده و همه آنان را قتل عام کند. این اقدام با مداخله نیروهای امنیتی عراق، با شکست مواجه شد. در این درگیری، ۳۴۳ نفر کشته و ۱۰۸۹ نفر دستگیر شدند که ۲۰۰ نفر از کشته شدگان، مربوط به پیروان احمد الحسن بودند. کرعاوی در این درگیری کشته و احمد الحسن نیز پس از آن مفقود گردید (بنک المعلومات الوطنی، ۲۰۰۷، ص ۶۴؛ روزنامه الشرق الاوسط، معد فیاض بغداد، جمعه ۱۴ محرم ۱۴۲۸). مجهول الحال شدن احمد الحسن پس از آن سال،

باعث شد تا گروه‌های مختلفی از انصار به وجود آید که بر سر مسئله وضعیت احمد الحسن مانند زنده یا مرده بودن یا طریقه ارتباط وی با مردم، دچار اختلاف شوند. اختلافات، همچنان روزه‌روز در حال گسترش است تا جایی که هم‌اکنون می‌توان حداقل ۵ شاخه، شامل مکتب نجف، رایات سود، احلاس، جیش الغضب و تلگرام را برای پیروان احمد الحسن نام برد.

۳،۱. انصار مکتب

در باور انصار مکتب، بر اساس روایات موجود، فردی به نام احمد که فرزند و فرستاده امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریع است، وجود داشته و با هدف آماده‌سازی قیام حضرت، ظهور کرده است و در حال حاضر، از طریق فیس‌بوک و پالتاک با مردم در ارتباط است. این فرقه از دیگر فرقه‌ها، پرتعدادتر بوده و در شهرهای نجف، کربلا، ناصریه و بصره، مراکزی برای مدیریت فعالیت‌های خود دارد که تشکیلات و تبلیغات گسترده‌ای انجام می‌دهند. اصلی‌ترین جبهه مقابل آنان، فرقه رایات سود است که بیشترین تیرا از میان فرقه‌ها به سمت مکتب نجف، پرتاب می‌کند. احمد الحسنی‌های شاخه مکتب هم با همدیگر به اختلاف افتاده و دو دسته شده‌اند. به ادعای یکی از کانال‌ها، دعوا بر سر ریاست و تصدی‌گری دعوت احمد الحسن است و نتیجه اختلاف این است که علیه همدیگر افشاگری می‌کنند.^۱ این دو فرقه برای افشاگری، در قالب دو مؤسسه ظهور یافتند که عبارت‌اند از:

۱- مؤسسه وارثین ملکوت؛

این مؤسسه که سه سال است فعالیت خود را آغاز کرده، رسالت خود را رساندن خبر دعوت یمانی به مردم دنیا می‌داند. کانالی مدعی است شخصی به نام محمد زمانی، مسئولیت این مؤسسه را بر عهده دارد.

۱. بانک اطلاعات فضای مجازی، شماره ۷ (در محتوای مقاله هرکجا سند مطلب، عکسی از فضای مجازی بوده است؛ در پاورقی، آدرس عکس در کانال «پیروشناسی احمد الحسن» آمده است و برای مثال به صورت: (بانک اطلاعات فضای مجازی، شماره ۵) در پاورقی نشان داده می‌شود. برای دست یافتن عکس باید در نرم‌افزار تلگرام وارد کانال با ای دی (@bankmajazimaghale) شوید سپس در قسمت جست‌وجو در کانال شماره ذکر شده در پاورقی را تایپ کرده و با انجام دستور جست‌وجو به صورت خودکار به عکس یا فیلم مورد نظر دست پیدا می‌کنید.)

۲. بانک اطلاعات فضای مجازی، شماره ۱۰.

۲- مؤسسه آخرالزمان^۱:

این مؤسسه که خود را علمی و رسانه‌ای معرفی می‌کند کانالی در تلگرام برای تبلیغات خود، با رویکرد غالباً فرهنگی، دارد. کانالی مدعی است احمد کهن دل، مسئولیت این مؤسسه را بر عهده دارد. شخصی که خود را وابسته به مؤسسه آخرالزمان معرفی می‌کند کانالی به نام «کرکس‌های دعوت» تأسیس کرده و اقدام به افشاگری‌های بی سابقه مالی و اخلاقی از افراد مؤسسه وارثین ملکوت نموده است.

۳,۲. رایات سود

پیروان رایات سود، انصار و شخصی را که مکتب نجف به عنوان احمد الحسن معرفی می‌کند، قبول نداشته و از وی و انصارش، تبری می‌جویند. به‌طور کلی، باورهای انصار پرچم در موارد زیر خلاصه می‌گردد که اساس اختلافات ایشان را با انصار مکتب رقم می‌زند:

۱. رایات سود، بر اساس مجموعه‌ای از روایات، مدعی غیبت احمد بصری است. آنان بر این باورند که احمد الحسن بصری از سال (۲۰۰۸ م) و هم‌زمان با قیام احمد الحسن و درگیری پادگان الزرکه، در غیبت به سر می‌برد. یکی از ادعاهای این گروه، آن است که در روز مرگ ملک عبدالله، پادشاه عربستان، احمد الحسن، ۱۲ نفر از اتباع رایات سود را انتخاب کرده و به دیدار با امام مهدی عجله الله تعالی فرجه الشریف برده و امام مهدی عجله الله تعالی فرجه الشریف، از خیانت مکتب نجف، ابراز ناراحتی کرده است.
۲. رایات سود بر این باورند که احمد الحسن، در کتب اولیه خود، به خیانت و ارتداد بعضی از انصار (همچون شیوخ مکتب نجف) هشدار داده و آنها به خاطر جمع‌آوری اموال به کذب‌گویی مرتکب شده‌اند.
۳. رایات سود معتقدند کتبی که بعد از غیبت احمد الحسن بصری، به اسم او منتشر شده است (همان کتبی که در این مقاله برای بررسی عقاید انصار استفاده می‌شود) دارای اشکالات علمی فراوان بوده و هیچ‌کدام از آنان نوشته وی نیست.
۴. رایات سود ادعان دارند که مکتب نجف، قوانین و کلمات احمد الحسن و قانون حاکمیت

۱. بانک اطلاعات فضای مجازی، شماره ۹.

الله را نقض کرده است؛ چراکه از دولت و حکومت عراق درخواست نماینده در مجلس استان بصره عراق نموده و این مطلب، علاوه بر تأیید حکومت عراق، به منزله خیانت و نقض قانون حاکمیت الله به شما می‌رود.

۵. در باور رایات سود، عبدالله هاشم (مستندساز)، پس از احمد الحسن، همان مهدی دوم، در حدیث وصیت شیخ طوسی است.^۱ عبدالله هاشم، مسئولیت‌های مهمی در بخش تبلیغاتی و مستندسازی و راه‌اندازی شبکه‌های تبلیغی در فضای مجازی برای احمد بصری داشته است. وی با اسناد و شواهد متعددی اثبات می‌نماید که مطالب صفحه فیس‌بوکی که به نام احمد الحسن است، توسط واثق الحسینی و توفیق مغربی و مدیران مکتب نجف نگاشته می‌شود نه احمد بصری. در این میان، علی القریفی و عبدالله هاشم، از جمله کسانی هستند که پیرو پرچم بوده و با مکتب، مخالفت و درگیری آشکاری دارند و آن سوی دعوا نیز افرادی همچون ناظم العقیلی، سید قاسم حسینی، عبدالرحیم ابومعاض، علاء سالم و حسن حمامی به عنوان پیرو مکتب بوده و مدیریت علمی و نظامی آن را بر عهده دارند. (محمدی هوشیار، ۱۳۹۵، ص ۲۹ و ۳۰)

این فرقه، تبلیغات خود را در فضای مجازی خصوصاً تلگرام دنبال می‌کند. کانال اصلی رایات سود در تلگرام، توسط شخصی با اکانت سلمان ناصرالمهدی اداره می‌شود که فعال‌ترین شان در زمینه مجازی است. اخیراً شبکه ماهواره‌ای به نام رایات سود فعالیت خود را آغاز کرده است که در این بین، برنامه‌هایی به زبان فارسی نیز اجرا می‌کنند.^۲

۳.۳. احلاس

اخیراً انصار رایات سود نیز دچار اختلاف شده و عده‌ای از آنان با استناد به روایت «فکونوا احلاس بیوتکم» (ابن‌ابی‌زینب، ۱۳۹۷، ص ۱۹۴) خود را انصار احلاس نامیده و با هرگونه قیام و مبارزه مسلحانه مخالفت می‌کنند و معتقدند تا ظهور باید سکوت کرد. آنان، مکتب نجف و رایات سود

۱. آن دسته از رایات سود که معتقد به مهدی دوم بودن عبدالله هاشم هستند خود را گرایش زلیخا از رایات سود می‌نامند.
(بانک اطلاعات فضای مجازی، شماره ۸)
۲. بانک اطلاعات فضای مجازی، شماره ۱.

را قبول نداشته و ادعا دارند هر دو دروغین هستند. این گروه، توسط فردی ایرانی - آلمانی به نام مهدی رحیمی که مقیم آلمان است، اداره شده و عمده کار وی در مسنجر و میان ایرانیان است.^۱

۳،۴. جیش الغضب

برخی دیگر از انصار، به روایت «احبنا ان نکون من جیش الغضب» (همان، ص ۳۱۲) استناد نموده و خود را جیش الغضب نام‌گذاری کرده‌اند. (محمدی هوشیار، ۱۳۹۶، ص ۱۶) این گروه که تعداد محدودی هستند و بیشتر در عراق سکونت دارند، تفکراتشان بیشتر به شاخه احلاس نزدیک است. آنان نیز مکتب نجف را دروغ‌گو می‌دانند.^۲

۳،۵. احمد الحسن تلگرام

کانالی در تلگرام هست که ادعا می‌کند اداره‌کننده آن، شخص احمد الحسن است و وی از طریق این کانال با پیروان خود ارتباط برقرار کرده و پیامش را به ایشان می‌رساند. احمد الحسن در این کانال، به شدت، مخالف مکتب و اعمال ایشان است و همواره آنان را نفرین می‌کند. وی برخی اوقات، در خصوصی، جواب پیروان خود را می‌دهد.^۳

۴. عملکرد انصار

مهم‌ترین فعالیت انصار در حیطة عملکرد، تبلیغ و اشاعه دعوت احمد الحسن است. طریقه تبلیغ انصار در برابر افرادی که برای اولین بار با دعوت آشنا می‌شوند را به صورت تجربی، با بیان جریانی که برای خودم اتفاق افتاده است بررسی می‌کنیم.

سال ۱۳۹۵ بود که پس از هفته‌ها مناظره و بحث با آنتیست‌ها در فضای مجازی، به صورت اتفاقی، لینک تبلیغ گروهی را دیدم که به علت علاقه‌ام به مسائل مهدوی، توجه‌ام را برانگیخت. متن این تبلیغ به این صورت بود که «یمانی موعود، ظهور کرد به یاری او بشتابید.» پس از وارد

۱. بانک اطلاعات فضای مجازی، شماره ۱۱ و ۱۲.

۲. بانک اطلاعات فضای مجازی، شماره ۱۱.

۳. بانک اطلاعات فضای مجازی، شماره ۹.

شدن به گروه، شروع به سؤال و جواب از ادمین‌ها کردم و سؤالات ابتدایی پرسیدم؛ مثل یمانی کیست؟ کجا و کی ظهور کرده است؟ عکسی از او موجود است؟ چطور ثابت می‌کنید این شخص، همان یمانی است؟ این گروه با عنوان «ظهور کرد!» که نزدیک به هزار عضو داشت؛ ۵ ادمین پاسخگو، هم‌زمان به سؤالات کاربران، یک‌به‌یک، پاسخ می‌دادند. شخصی که سؤالات من را پاسخ می‌داد اکثراً به صورت صوت جواب را می‌گفت. آنها جواب من را با روایات و احادیث می‌دادند و من از آنجا که هنوز وارد دروس طلبگی نشده بودم، جذب روش‌های پاسخگویی آنان شده بودم و اینکه با حدیث و مدرک، جوابم را می‌دادند، توجه‌ام را جلب کرد. از همین‌جا، من تحقیقم را برای بررسی صحت این موضوع شروع کردم. هم‌زمان با فعالیت من در گروه، برای رسیدن به پاسخ سؤال‌هایم، عده‌ای در خصوصیه من پیام می‌دادند که برخی موافق دعوت و اکثراً مخالف دعوت بودند که سعی داشتند من را از گرایش به دعوت بازدارند و موافقان هم بی‌دی‌اف یا ویس‌هایی برای تبلیغ دعوت می‌فرستادند. انصار به من گفتند که استخاره بگیرم و ذکر را به من دادند تا با خواندن آن، رؤیای صادقه^۱ ببینم؛ بلکه حجت بر من آشکار شود. استخاره من خوب بود. ذکر برای خواب نگفتم؛ اما فکر می‌کنم به دلیل درگیری ذهنی که آن روزها داشتم، خواب دیدم در دادگاهی هستم که متهم آن احمد الحسن است و عکس احمد الحسن (یکی از عکس‌هایی که در آن زمان، منصوب به احمد الحسن بود؛ اما الآن مشخص شده او نیست؛ ولی عکس‌های دیگری از احمد الحسن در دسترس هست) در کنار عکس آیت‌الله خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای قرار دارد. این خواب را که برای یکی از انصار که در آن مدت، برای سؤالاتی که در این زمینه برایم پیش می‌آمد با او در ارتباط بودم، در میان گذاشتم و او گفت پس این خواب، یعنی احمد الحسن هم در مقامی مانند این افراد است؛ درحالی‌که انصار، این دو شخص را از جهت جایگاه دینی قبول ندارند. در آن مدت که به شدت دچار بحران فکری برای پذیرش یا عدم پذیرش دعوت شده بودم، پس از یک هفته سؤال و جواب در فضای مجازی، تصمیم گرفتم دعوت را قبول کنم؛ اما فردای آن روزی که دعوت را پذیرفتم، تعدادی سؤال به ذهنم خطور کرد که در گروه مطرح کردم. شخصی که با ویس جواب سؤال‌هایم را می‌داد تصور کرد من با پرسش سؤال‌های

۱. انصار در تلگرام کانالی به اسم رؤیای صادقه دارند. در این کانال خواب‌هایی که انصار درباره احمد الحسن می‌بینند در آن آرشیو می‌شود (بانک اطلاعات فضای مجازی، شماره ۱۳)

متعدد، قصد اختلال و شبهه‌افکنی در گروه را دارم؛ برای همین پس از برخورد با من و چسباندن صفت مشرک، بنده را از گروه خارج کرد. این رفتار ایشان، باعث برگشت من از دعوت، بعد از تنها ۲۴ ساعت و شروع فعالیت من، علیه آنان شد. از آن پس تحقیق و مطالعه‌ام را درباره این عقیده افزایش دادم و نظرات مخالف و موافق را بررسی کردم. کم‌کم با عضویت در گروه و کانال‌هایی که ضد احمد الحسن و طرفدارانش فعالیت می‌کردند، با افراد زیادی آشنا و دوست شدم و بعدها با کمک آنها، گروه‌هایی را علیه طرفداران احمد الحسن، در فضای مجازی تشکیل دادیم. فعالیت من تا آنجا اوج گرفت که پس از دو تا سه ماه، به‌عنوان یکی از مخالفان احمد الحسن در تلگرام با نام کاربری ZS شناخته شدم و انصار در کانال‌هایی که اکانت مخالفان خود را برای بلاک و ریبورت کردن دسته‌جمعی لیست می‌کردند، اکانت من را قرار دادند و من دیگر نمی‌توانستم وارد اکثر گروه‌های متعلق به انصار شوم یا در خصوصی انصار، پیام بگذارم. یکی از مؤثرترین گروه‌هایی که برای فعالیت ضد انصار تشکیل دادیم، گروهی ۵ نفره با هدف اختلاف‌افکنی میان انصار بود. برنامه این گروه به این صورت بود که به انصار اعلام کنیم ما از عقاید خود توبه کرده و جزو پیروان احمد الحسن شده‌ایم؛ سپس از این طریق میان انصار نفوذ کرده و با اطلاعات به‌دست‌آمده و اعتماد جلب شده، ضربه‌ای هرچند کوچک، به فعالان مجازی انصار وارد کنیم. با گذشت ۶ ماه از ابتدای آشنا شدنم با جریان، به‌صورت نمایشی، در یکی از گروه‌ها اصطلاحاً توبه کردم؛ پس از تبریک به من گفتند که آداب توبه مثل غسل و شهادتین را به طریق انصار بجا آورم و از این پس مانند انصار نماز بخوانم و سایر اعمال را به‌جا آورم. همچنین مهم‌ترین وظیفه من به‌عنوان یک انصار، بعد از قبول دعوت، تبلیغ و نشر دعوت در درجه اول میان دوستان و فامیل بود.

مدیر این تیم نفوذی، توانسته بود با جلب اعتماد ادمن‌های گروه‌های مشهور انصار، گروهی را به نام «محبان احد» تأسیس کند که علاوه بر خود او، از انصار هم در آن ادمن بودند. وی با تشکیل مناظرات مجازی میان سران اصلی انصار، مانند احمد کهن‌دل و مخالفان فعال مجازی احمد الحسن، عده بسیاری را به گروه جذب کرد. طی یکی از این مناظرات، با اعلام شکست انصار در مناظره و آن هم در گروهی ظاهراً متعلق به انصار، او این شکست را مفتضحانه و موجب بازگشت او از احمد الحسن دانست و خود را ضد انصار و گروه را متعلق به شیعیان اعلام کرد که

از آن پس در گروه، فعالیت‌های ضد احمد الحسن آغاز شد. هدف از این کار، تضعیف روحیه و ایجاد این نگرش در انصار بود که نمی‌توانند به هم اعتماد کنند. من نیز پس از مدتی، با جلب اعتماد انصار، توانستم وارد گروه آموزش مجازی انصار شوم که در آن، طی یک برنامه هفتگی، آموزش‌هایی مانند ادبیات عربی، مکالمه عربی، آموزش مباحث حاکمیت الله، کتاب توهّم الحاد، منطق، فن مناظره و ادله شیعه و سنی، توسط اساتیدی از خود انصار، به یک سری انصار معتمد، داده می‌شد. بعد از تغییر نوع فعالیت گروه محبان احمد، رهبر تیم نفوذ به من گفت اعلام کنم انصار نیستیم و از گروه خارج شوم. من ابتدا مخالفت کردم؛ چون تازه اطلاعات خوبی به دست آورده بودم؛ اما در نهایت، فعالیت خود را بدون اینکه اعلام کنم غیرانصاری هستم، قطع کردم؛ چراکه یکی از هم‌گروهی‌ها، عملی انجام داد که نفوذی بودن من آشکار شد و من را از گروه‌های انصار، حذف و بلاک کردند.

یکی دیگر از هم‌گروهی‌ها، وارد گروهی از انصار شده بود که فعالیت‌های تبلیغی خود را هماهنگ می‌کردند و برنامه‌ای به این صورت داشتند که در ساعات خاصی، دو نفر وارد گروه‌هایی با موضوعات مختلف و با اعضای زیاد می‌شدند و بین خود بحثی را راجع به احمد الحسن ایجاد می‌کردند تا توجه اعضای آن گروه جلب شود و به فکر پرسش و جو درباره موضوع مورد بحث آن دو نفر بیفتند. هم‌تیمی نفوذی ما، در گروه هماهنگی فعالیت انصار، ساعات و لینک گروه‌هایی را که انصار به آن وارد می‌شدند به ما اعلام می‌کرد و تیم ما به صورت نوبتی و با اکانت‌های گوناگون، برای جلوگیری از شک انصار به این موضوع، هم‌زمان با آن دو انصاری وارد گروه می‌شد و اجازه نمی‌داد بحث انصار بالا بگیرد تا بتواند جو موضوعی گروه را در دست بگیرد. برای این کار، وقتی من وارد گروه می‌شدم، میان صحبت دو انصاری، بحثی را باز می‌کردم که ذهن خواننده را بیشتر از بحث انصار، تحریک می‌کرد و توجه مخاطب را آن قدر جلب می‌کردم تا که دو انصاری از ادامه بحث خود ناامید و از گروه خارج می‌شدند. بعد از مدتی، به دلیل تک‌روی و فعالیت‌های بدون هماهنگی یکی از اعضای تیم نفوذ، امنیت اعضای تیم به خطر افتاد و اطلاعات شخصی از اعضای تیم درز پیدا کرد که باعث از هم پاشیدن گروه و تعطیل شدن گروه نفوذ شد. من نیز پس از یک سال فعالیت در فضای مجازی علیه انصار، از این فضا خارج و وارد دروس حوزوی شدم. در این مدت، فحش‌های بسیاری از عده‌ای انصار خوردم و تهدیدهایی حتی به مرگ شدم. در ابتدای

آشنایی‌ام با دعوت یکی از انصار، او به من گفت دل خوشی از انصار ندارد ولی از تهدیدهایشان می‌ترسد و نمی‌تواند از دعوت بازگردد. انصار زیادی هم هستند که با خوش اخلاقی، رفتار و از سر دلسوزی با مخالفان صحبت می‌کنند. اخیراً وارد هر گروه متعلق به انصار بشوید و از احمد الحسن برای اولین بار بپرسید صوت‌های ضبط‌شده کوتاه درباره دعوت و احمد الحسن ارائه می‌دهند که گوینده آن اکثراً عباس فتحیه است و این صوت‌ها، نوعی اسکلت‌بندی برای پذیرش دعوت، در ذهن شنونده به وجود می‌آورد.

۵. تشکیلات

اگر بخواهیم تشکیلات و منابع مالی جریان را بررسی کنیم، بیشترین اطلاعات در دست، مربوط به اولین فرقه یعنی انصار مکتب می‌شود و از تشکیلات و منابع مالی سایر فرقه‌ها، در حال حاضر اطلاعات چندانی در دست نیست؛ چون انصار مکتب که مرکز اصلی آن در نجف است، هم تاریخچه طولانی‌تر و هم اقدامات سازماندهی شده بیشتری دارد. از این رو اطلاعاتی که در ذیل از تشکیلات پیروان احمد الحسن ذکر می‌شود، مربوط به انصار مکتب است؛ مگر آنکه استثناً ذکر شود.

۵٫۱. لجنه‌های تشکیلات مکتب

۵٫۱٫۱. لجنه علمی

مأموریت اصلی این گروه، تألیف کتب و تنظیم آثار احمد بصری است که تاکنون ۴۷ جلد کتاب توسط احمد الحسن^۱ و تعداد ۱۲۴ عنوان کتاب از سوی انصار احمد الحسن^۲ به رشته تحریر درآمده است.

۱. برخی کتاب‌های نوشته شده توسط احمد الحسن عبارت‌اند از: حاکمیه الله لا حاکمیه الناس، الحوار الثالث عشر، الاجوبه الفقهية، العجل، بیان الحق و السداد من الاعداد، الجهاد باب الجنة، شرایع الاسلام، عقاید الاسلام، گوساله، توهّم الحاد، رسالة الهدایة و...

۲. برخی از کتاب‌های نوشته شده توسط انصار احمد الحسن عبارت‌اند از: المهدي ولی الله، دحض تقولات المعاندين، حجة الوصي و اوهام المدعى، الافحام فى رؤيا ام الامام، انتصار اللوصيه، قانون معرفة الحجة، المعتضون على خلفا الله، دابة الارض طالع الشمس، الوصية و الوصى احمد الحسن، البلاغ المبين، بحث فى العصمه، اليماني موعود حجة الله و...

۵.۱.۲. لجنه دینی

وظایف این گروه، عبارت است از: تعیین ائمه جمعه و جماعات در شهرها و استان‌ها، تدوین بانک اطلاعات مبلغان حوزوی احمد الحسن، اداره حوزه‌های علمیه احمد الحسن، تعیین قاضی برای حل مشکلات و دعاوی انصار، تبلیغ و نشر دعوت احمد الحسن، تعیین پاسخگویان و مناظره‌کنندگان رسمی دعوت.

۵.۱.۳. لجنه امنیتی

مأموریت این گروه، تأمین امنیت جانی و مالی انصار احمد الحسن در شهرها و همچنین تأمین امنیت مراسم و موکب‌های مناسبتی احمد الحسن است.

۵.۱.۴. لجنه اطلاع‌رسانی

مسئولیت این گروه، انتشار بیانیه‌ها و سخنرانی‌های احمد الحسن است. علاوه بر آن، مدیریت سایت و فضای مجازی نیز به عهده این گروه است.

۵.۱.۵. لجنه مالی

این گروه، علاوه بر دریافت وجوهات شرعی و نذورات و هدایا، مسئولیت هزینه این مبالغ را بر عهده دارد. این مبالغ در سه بخش مورد استفاده قرار می‌گیرد که عبارت‌اند از:
الف) شهریه طلاب و مبلغان (برای طلاب متأهل، ۵۰ هزار دینار و به ازای هر فرزندشان، ۱۰ هزار دینار) به صورت ماهانه پرداخت می‌شود. (محمدی هوشیار، ۱۳۹۵ ش، ص ۲۹)
ب) چاپ و نشر کتب انصار و همچنین تجهیز کتابخانه‌های انصار و حسینیه‌ها؛
ج) خرید تسلیحات و مهمات جنگی و آموزش‌های نظامی انصار.

۵.۱.۶. لجنه نظامی

این گروه، با هدف جذب و آموزش نظامی انصار و خرید تسلیحات و فرماندهی عملیات نظامی، تشکیل شده است که با عنوان «سرایا القائم» فعالیت می‌کنند. (حسینی، ۲۰۰۶ م، ص ۶) در کتاب «پرسش‌ها و پاسخ‌ها»، پیرامون دعوت انحرافی احمد اسماعیل گاطع، در پاسخ به این پرسش که جریان احمد الحسن بصری با حمایت کدام سیستم مالی تأمین می‌شود، چنین پاسخ داده شد:

«هرچند که سودآوری از طریق شبکه ماهواره‌ای المنقذ العامی و شبکه رایات السود

المشرقیه^۱ و همچنین دریافت وجوهات و نذورات شرعی، بخشی از هزینه‌های جریان را تأمین می‌کند؛ اما هزینه‌های کلان و هنگفتی که برای نشر دعوت انحرافی احمد بصری می‌شود، حاکی از منابع غنی مالی و بدون حساب و کتاب است که این قبیل سودآوری‌ها، در برابر آن، اندک و ناچیز می‌باشد.^۲ (محمدی هوشیار، ۱۳۹۵، ص ۱۹)

فرقه رایات سود که معتقد به کذاب بودن سران مکتب نجف است و احمد الحسن در فیس‌بوک را قبول ندارد، در کانال خود، اسنادی را مبنی بر فسادهای مالی مکتب نجف ارائه می‌دهد.^۲

یکی از مهم‌ترین مؤسسات تبلیغی مکتب نجف مؤسسه علمی فرهنگی وارثین ملکوت است. این مؤسسه که زیر نظر و مطابق عقاید مکتب نجف، فعالیت می‌کند، شامل کارگروه‌های متعددی مانند کارگروه‌های پاسخ به سؤالات شرعی، هنری، حقوقی، امورات فضای مجازی، برنامه‌نویسی، اداری، تحدی و مناظره، پژوهشی و غیره است. همچنین نشریه زمان ظهور و شبکه رادیویی و تلویزیونی منجی بشریت، زیرمجموعه مؤسسه وارثین ملکوت و وابسته به مکتب هستند. استاد شهبازیان در کتاب «ره/فسانه»، درباره ساخت برنامه‌های تبلیغاتی، برنامه‌های رادیویی و نشریات، این‌گونه گفته است:

«این گروه در حال حاضر، چند برنامه تصویری را در قالب CD و نیز ارائه در شبکه‌های تصویری اینترنتی، عرضه نموده و به تبلیغ ادله دعوت خود پرداخته‌اند. مهم‌ترین فعالیت آنان در این زمینه، ساخته مستندی به‌وسیله گروه «هاشم فیلم» می‌باشد. (مربوط به فرقه رایات سود) متأسفانه این گروه با ساخت مستندی با عنوان «a rivalls» یا «ظهور» که در آن، گزاره‌هایی غلط و افراطی نیز به چشم می‌خورد و با حرکت غیرعلمی یکی از سایت‌های داخلی گسترش یافت، در میان جوانان ما نفوذ کرد.» (شهبازیان، ۱۳۹۳، ش، ص ۲۲)

۵٫۲. تأسیس رادیو

نمونه‌ای از تبلیغات افتتاح رادیو در سایت رسمی انصار مکتب چنین است:

۱. المنقذ العامی متعلق به انصار مکتب و رایات سود متعلق به انصار رایات سود است.

۲. بانک اطلاعات فضای مجازی، شماره ۱۴.

«به فضل الله تبارک و تعالی، صبح امروز، چهارشنبه ۱۳۹۱/۸/۳ برابر با اکتبر ۲۰۱۲ ساعت ۶ بامداد، کانال رادیویی انصار امام مهدی به مشارکت و کمک انصار امام مهدی در آمریکا و کانادا افتتاح شد.» (همان، ص ۲۳)

اگر بخواهیم درباره تشکیلات سایر فرقه‌های انصار مانند رایات سود، احلاس یا جیش الغضب سخن بگویم، تنها می‌توان به این نکته اشاره کرد که هرکدام از فرقه‌ها، متشکل از گروه‌های کوچک‌تری هستند که اقدامات تبلیغی را بین خود تقسیم کرده و هرکدام در راستای نشر عقاید فرقه خود، چه در فضای مجازی و چه در فضای حقیقی، تلاش می‌کنند.

۶. اقدامات مخالفین احمد الحسن و انصار

در فضای مجازی، خصوصاً تلگرام که بیشترین تنش‌ها بین انصار و مخالفانشان در آن اتفاق می‌افتد، گروه‌ها و کانال‌های متعددی هستند که علیه انصار و عقاید ایشان فعالیت می‌کنند. برخی از این کانال و گروه‌ها به صورت اختصاصی، روی مسائل مربوط به جریان، نقد یا تشکیل مناظره با انصار کار می‌کنند. کانال‌هایی به اسم اشخاص که فرد صاحب کانال، به صورت شخصی با این جریان برخورد می‌کند و نظرات خصوصی یا غیرخصوصی خود را قرار می‌دهد و جریان‌ها مناظره خود با انصار را در کانال به اشتراک می‌گذارد. برخی از این افراد که تا قبل از مواجهه با این جریان شناخته شده نبودند، پس ورود به این مباحث و گسترش فعالیت‌های خود و در خلال مقابله با انصار، توانستند صاحب‌نام در این بحث، در فضای مجازی شوند. در واقع فعالیت در این زمینه برای برخی شهرت به همراه داشته و باعث فعالیت علیه احمد الحسن برای کسب شهرت نیز گشته است. تاکنون ۳۷ عنوان کتاب به زبان عربی، ۱۹ عنوان به زبان فارسی و بیش از ۴۶ عنوان مقالات و سایر متون درباره نقد جریان احمد الحسن بصری تألیف شده است.^۱

برخی افراد، پس از آشنایی با انصار در فضای مجازی، به سراغ آنها در فضای جامعه می‌روند. یکی از بهترین زمان‌هایی که فعالیت انصار را در جامعه می‌توان دید، هنگام اربعین و تشکیل موكب در یکی از عمودهای مسیر پیاده‌روی اربعین است. در اربعین سال ۹۷، یکی از مخالفان ایرانی احمد الحسن، به سراغ مکان این موكب رفته و پرچم سبزی را که روی آن «بیعه الله»

۱. نسخه پی‌دی‌اف تمام این کتب در کانال با ای دی kotobenaghdedajal موجود است.

نوشته شده بود را به پایین کشیده و با خود به همراه برده است. بعدها، عکس و فیلم پاره شده این پرچم در دست افراد مختلف که مخالف جریان هستند در فضای مجازی دست به دست چرخید. این پرچم، نشانه جریان احمد الحسن است.

گزارش‌هایی در کانال‌های انصار مکتب، مبنی بر دستگیری افراد مختلفی از پیروان جریان در شهرهایی مانند قم^۲، تربت حیدریه^۳ دست به دست می‌شود. این افراد دستگیر شده، اکثراً از سران جریان در ایران هستند. انصار، مانور زیادی روی این قضیه داده و از طرفی این دستگیری‌ها، باعث جلب توجه مردم عادی نسبت به انصار و عقاید آنان شده است. همچنان که در یکی از کانال‌های خبری مشهور تلگرام، خبر و فیلم دستگیری تعدادی از انصار در تربت حیدریه منتشر شده است.

نتیجه‌گیری:

- ۱- عمده عقاید انصار، در باب عقاید مبنایی اسلام، با عقاید شیعه، مگر در تعریف برخی مفاهیم و برداشت‌ها، یکسان است.
- ۲- عمده احکام انجام اعمال شرعی انصار احمد الحسن، مگر در جزئیاتی از واجبات و مستحبات، با اکثر فتاوی علمای شیعه مطابقت دارد.
- ۳- مجهول‌ال‌حال بودن احمد الحسن، باعث اختلاف میان انصار و تقسیم شدن آنها به ۵ فرقه تاکنون شده است.
- ۴- مهم‌ترین وظیفه انصار در حیطه عملکرد، تبلیغ و نشر دعوت احمد الحسن است که از راه‌های گوناگون و بیشتر در فضای مجازی انجام می‌شود.
- ۵- تبلیغ در فضای مجازی، از طریق نرم‌افزار و سایت‌های مختلف، به روش‌هایی مانند جذب مخاطب به گروه‌های متعلق به انصار، مناظره یا کنفرانس انجام می‌شود.

۱ بانک اطلاعات فضای مجازی، شماره ۱۵.

۲. این ماجرا که در میان انصار با عنوان فاجعه تاریخی تاسوعا یاد می‌شود به گفته یکی از کانال‌های انصار در پی دستگیری تعدادی از انصار در تاریخ ۶ آبان ۱۳۹۶ در یک مجلس عزاداری متعلق به انصار رخ داده است.

۳. این ماجرا که در میان انصار با عنوان واقعه تاریخی تربت حیدریه یاد می‌شود به گفته یکی از کانال‌های انصار در تاریخ ۲۸ مرداد ۱۳۹۷ اتفاق افتاده است.

- ۶- آموزش‌های لازم به انصار ایرانی که علاوه بر عدم علم به زبان عربی، دسترسی به کلاس‌های حضوری در عراق ندارند یا نمی‌توانند در ایران، این کلاس‌ها را تشکیل دهند، در فضای مجازی داده می‌شود که شامل عقاید، احکام یا شیوه تبلیغ و مناظره است.
- ۷- سازماندهی شده‌ترین فرقه انصار یعنی انصار مکتب، در جهت اهداف خود، لجنه‌هایی مانند لجنه علمی، دینی، امنیتی و... دارند.
- ۸- فضای مجازی، خصوصاً تلگرام که محیط بیشترین تنش‌ها بین انصار و مخالفانشان است، گروه‌ها و کانال‌های متعددی هستند که علیه انصار و عقاید ایشان فعالیت می‌کنند.
- ۹- فعالیت در زمینه مقابله با جریان احمد الحسن، چه در فضای مجازی و چه در فضای حقیقی، برای عده‌ای شهرت به همراه داشته است و باعث تغییر نیت در فعالیت مخالفان احمد الحسن شده است.

فهرست منابع

۱. ابن ابی‌زینب، محمد بن ابراهیم، الغیبه النعمانی، ترجمه علی اکبر غفاری، تهران: صدوق، ۱۳۹۷ ق.
۲. احمد الحسن، شرایع الاسلام، گروه مترجمان انتشارات انصار مهدی، ۱۳۹۶ ش.
۳. احمد الحسن، عقاید الاسلام، گروه مترجمان انتشارات انصار مهدی، ۱۴۳۷ ق.
۴. احمد الحسن، گوساله، جلد ۱ و ۲، گروه مترجمان انتشارات انصار مهدی، ۱۳۹۵ ش.
۵. احمد، فرج‌الله، أذعیاء المهدویه، المركز الاسلامی للدراسات الاستراتیجیه، ۲۰۱۵ م.
۶. بنک المعلومات الوطنی، محاضر التحقیق الخاصه بأحداث الزکة، بغداد: ۲۰۰۷ م.
۷. حسنی، مدعی المهدویه احمد الحسن، بنک المعلومات الوطنیه، بغداد: ۲۰۰۶ م.
۸. ذوالفقار علی، ذوالفقار، الحركات المهدویه، مرکز بانقیا للابحاث و الدراسات، ۲۰۰۵ م.
۹. روزنامه الشرق الاوسط، معد فیاض بغداد، جمعه ۱۴ محرم ۱۴۲۸.
۱۰. شهبازیان، محمد، ره افسانه، قم: حوزه علمیه قم، مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۹۳ ش.
۱۱. ع.س، درسه تحلیلیه حول الحركات المهدویه، بنک المعلومات الوطنیه، ۲۰۰۵ م.
۱۲. محمدی هوشیار، علی، پرسش‌ها و پاسخ‌ها پیرامون دعوت انحرافی احمد اسماعیل گاطع، قم: تولی، ۱۳۹۶ ش.
۱۳. محمدی هوشیار، علی، درس‌نامه نقد و بررسی جریان احمد الحسن بصری، قم: تولی، مصاف، ۱۳۹۵ ش.



تحقق عبادت خالصانه در مجتمع عصر ظهور با تأکید بر تفسیر المیزان

معصومه کاشفی زاده^۱

چکیده

خدای متعال در کلام وحی، به کسانی که دارای دو ویژگی «ایمان» و «عمل صالح» هستند، وعده تکوین جامعه‌ای به تمام معنا صالح داده است؛ جامعه‌ای که بر عقاید و اعمال افراد آن، جز دین حق، حاکم نباشد و در آن «عبادت خالصانه» تحقق یابد. چنین مجتمعی تاکنون در دنیا ایجاد نشده و تنها در عصر ظهور حضرت حجت عجل الله فرجه مصادق خواهد یافت. مقاله حاضر درصدد است با تأکید بر تفسیر المیزان، با روش تحلیلی-توصیفی، ترسیمی از تحقق عبادت خالصانه در عصر ظهور ارائه نماید. از اهم نتایج این پژوهش، دستیابی به «غلبه حق بر مطلق باطل و نبودن کفر و کافر در روی زمین» و «عمومیت یافتن عبادت خالصانه» در مجتمعی با آن قداست است که زمینه‌های تحقق آن، در عصر غیبت، توسط مؤمنان فراهم می‌شود. راهکارهای پیشنهادی تحقق آن نیز، ایجاد زمینه‌های فردی و اجتماعی است.

واژگان کلیدی: عبادت، عبادت خالصانه، شرک، عصر ظهور، المیزان.

مقدمه

عصر ظهور با بحث از «مهدی موعود» رابطه تنگاتنگ دارد. در مورد آن حضرت، بین دیدگاه عامه و بیشتر فرقه‌های شیعه و امامیه (شیعه دوازده‌امامی) اختلاف وجود دارد. در دیدگاه غیرامامیه، «مهدی موعود» کارکرد اجتماعی دارد؛ حال آنکه از دیدگاه امامیه، ایشان «نجات‌بخش معنوی - اجتماعی» است. او با ظهور و قیام خود، علاوه بر آنکه عدل، امن و رفاه را ایجاد می‌کند، «حق» را نیز آشکار خواهد ساخت و به نوعی، شرایط دین‌داری و زندگی موحدانه، فراهم خواهد شد (ر.ک: نجارزادگان، ۱۳۹۰، ص ۱۳-۱۴).

بررسی پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد در عرصه «مهدویت» به‌طور عام، پژوهش‌های بسیاری انجام گرفته است که در حیطه مذاهب اسلامی، می‌توان آن را به سه گروه کلی منابع حدیثی، منابع کلامی و منابع تفسیری تقسیم نمود. (ر.ک: همان، ص ۱۹-۲۰) البته در بحث مهدویت با محوریت پژوهش قرآنی، کار گسترده‌ای صورت نگرفته است و عمده تحقیقات موجود، با رویکرد تاریخی و روایی بوده است. با وجود این، در تفاسیر روایی (عام و خاص)^۱ و تفاسیر اجتهادی، ذیل برخی آیات مانند آیه «اظهار دین» (توبه: ۳۲؛ فتح: ۲۸؛ صف: ۷) و آیه «وعد» (نور: ۵۵) در خصوص عصر ظهور، مطالبی آمده است. (ر.ک: همان، ص ۲۷-۲۹) غیر از تفاسیر، کتب و مقالاتی با رویکرد تفسیری در زمینه عصر ظهور به رشته تحریر درآمده است؛ همچون «حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه قرآن و عترت» که محمود شریعت‌زاده خراسانی آن را تدوین نموده است. علاوه بر آن، اخیراً فتح‌الله نجارزادگان، کتابی با عنوان «بررسی تطبیقی تفسیر آیات مهدویت و شخصیت‌شناسی امام مهدی علیه السلام از دیدگاه فریقین» نوشته است که در آن با رویکرد تطبیقی، دیدگاه‌های مفسران را در خصوص عصر ظهور بررسی کرده است. نویسنده، در مبانی نظری این کتاب، ذیل پیشینه تحقیق، منابع متعددی که در زمینه عصر ظهور، با رویکرد قرآنی و تفسیری انجام شده را نیز مورد توجه قرار داده و فهرست جامعی از آنها گرد آورده است (همان، ص ۱۹-۳۲)، با وجود این، تحقیق نظام‌مندی از عبودیت خالصانه در عصر ظهور با تأکید بر تفسیر المیزان،

۱. منظور از تفاسیر روایی عام، تفاسیری است که برای درک مفاد آیات، روایات را جمع‌آوری و در خلال آن، روایات مهدویت نیز نقل شده است. مراد از تفاسیر روایی خاص، تفاسیری هستند که در ضمن روایات مربوط به اهل بیت علیهم السلام، روایات مربوط به حضرت حجت علیه السلام نیز درج شده است (ر.ک: نجارزادگان، ۱۳۹۰، ص ۲۷-۲۸).

انجام نگرفته است؛ از این رو، در این مقاله سعی می‌شود به این پرسش پاسخ داده شود: «تحقق عبادت خالصانه در مجتمع عصر ظهور، با تأکید بر تفسیر المیزان، چگونه است؟» برای پاسخ به این پرسش، چهار محور «مفهوم شناسی»، «تحلیلی بر آیه و عد»، «مقصود از عبادت خالصانه» و «زمینه‌سازی تحقق عبادت خالصانه» بررسی می‌شود.

۱. مفهوم‌شناسی

شناخت واژگان در هر پژوهشی، امری اجتناب‌ناپذیر است؛ از این رو در ادامه به مفهوم‌شناسی واژگان «عبادت» و «شُرک» از منظر دو کتاب مهم لغوی پرداخته می‌شود:

۱.۱. عبادت

کلمه عبادت، از ریشه «ع ب د» است که از منظر دینی، به معنای فروتنی در مقابل خالق آمده است. در دو کتاب لغوی، عبادت بدین صورت معنا شده است: (أ) معجم المقاییس فی اللغه: این فارس در این کتاب در تعریف واژه «عبد» می‌نویسد: عبد، از ریشه (ع ب د) دارای دو اصل صحیح است که آن دو متضاد هستند: ۱. دلالت بر نرمی و فروتنی می‌کند؛ ۲. بر شدت و غلظت دلالت دارد. عبد به معنای اول، همان مملوک است (ابن فارس، ۱۴۱۸، ص ۷۲۸).

(ب) مفردات الفاظ قرآن: راغب در این کتاب، ابتدا کلمات «عبودیت» و «عبادت» را معنا نموده سپس اقسام عبد را ذیل مثال‌های قرآنی، توضیح و تبیین می‌کند. در این لغت‌نامه آمده است: «عبودیت»، یعنی اظهار فروتنی و «عبادت»، بلیغ‌تر از عبودیت است؛ چرا که نهایت فروتنی، عبادت است؛ از این رو شایستگی پرستش ندارد، مگر کسی که نهایت فضیلت از آن اوست و او خدای متعال است؛ از این جهت، فرمود: ﴿الَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ﴾ (اسراء: ۲۳) ... عبادت دو گونه است: ۱. عبادت قهری و بدون اختیار؛ ۲. عبادت با اختیار؛ که به صاحبان نطق اختصاص دارد و آنها مأمور به آن هستند؛ مانند آیات ﴿اعْبُدُوا رَبَّكُمْ﴾ (بقره: ۲۱) و ﴿اعْبُدُوا اللَّهَ﴾ (نساء: ۳۶).

راغب در ادامه بررسی‌های خود، «عبد» را بر چهار گروه اطلاق نموده و می‌نویسد:

«عبد» بر چهار قسم است: اول، بنده‌ای که به حکم شرع، انسانی است که خرید و فروش او صحیح است؛ دوم، بنده‌ای که با آفریده شدن، بنده خداست و جزای سوی خدا نیست؛ سوم، عبد بودن به واسطه عبادت و خدمت. مردم در این‌گونه عبد بودن دو قسم هستند: عبدی که برای خدا مخلص است؛ مانند ﴿نزل الفرقان علی عبده﴾ (فرقان: ۱)؛ بنده دنیا و اعراض دنیا که همواره غرق در دنیاست (راغب، ۱۴۲۶، ص ۵۴۲-۵۴۳).

۱.۲. شرک

واژه شرک در لغت به چند معنا آمده است. در ادامه، ابتدا نظر این فارس و سپس دیدگاه راغب در واژه‌شناسی کلمه شرک بیان می‌شود:

أ) ابن فارس، کلمه شرک را از ریشه (ش ر ک) و بر دو معنا اطلاق نموده است: ۱. دلالت بر همراهی (مقارنه) کرده و خلاف انفراد است (شِرْکَه)؛ ۲. بر امتداد و استقامت دلالت دارد (شَرک) (ابن فارس، ۱۴۱۸، ص ۵۵۷).

ب) راغب اصفهانی در کتاب خود، ابتدا به واژه‌شناسی و تبیین دو کلمه شرک و مشارکت پرداخته و سپس دو وجه شرک؛ یعنی شرک عظیم و شرک صغیر را با ذکر مصادیقی از آیات قرآن، ذکر نموده است؛ او می‌نویسد:

«الشِّرْکَةُ وَالْمِشَارَاةُ» به معنای آمیختن در دو ملک است. شرک انسان در دین، دو گونه است: اول، شرک عظیم: آن اثبات شریک برای خدای متعال است، مانند آیه ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا یَغْفِرُ أَنْ یُشْرَکَ بِهِ﴾ (نساء: ۴۸)؛ دوم، شرک صغیر: آن مراعات غیر خدای متعال با او در بعضی از امور است، مانند ریا و نفاق و در آیات ﴿... شُرْکَاءَ فِی مَا آتَاهُمَا فَتَعَالَى اللَّهُ عَمَّا یُشْرِکُونَ﴾ (اعراف: ۱۹۰) و ﴿وَمَا یُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِکُونَ﴾ (یوسف: ۱۰۶) به این‌گونه از شرک اشاره شده است. گفته‌اند لفظ شرک، از واژگان مشترک است و در بعضی موارد، بر هر دو گونه شرک (شرک عظیم و شرک صغیر) حمل شده است، مانند آیه ۱۱۰ سوره کهف ﴿وَلَا یُشْرِکُ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾ (راغب، ۱۴۲۶، ص ۴۵۱-۴۵۳).

۲. تحلیلی بر آیه وعده

پیش از بررسی تحلیلی آیه در خصوص عصر ظهور، ابتدا آیه مزبور و معنای آن بیان می‌شود. خداوند در آیه ۵۵ سوره نور می‌فرماید:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يُعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ (نور: ۵۵)

خداوند به کسانی که شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که آنان را در زمین، جانشین امت‌های شایسته گذشته کند؛ چنان‌که شایستگان امت‌های پیشین را در زمین جانشین دیگران قرار داد و نیز نوید داده که آیین آنان را که بر پایه فطرت استوار است و خدا آن را برایشان پسندیده، پابرجا سازد، به‌گونه‌ای که جامعه بر اساس آن شکل یابد و وعده داده که آنان را پس از اینکه پیوسته از سوی دشمنان داخلی و خارجی بیمناک بودند، ایمنی بخشد. در حالی به امنیت می‌رسند که مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من قرار نمی‌دهند و هرکس پس از تحقق این وعده، به وسیله کفر، نفاق و ارتکاب گناهان، ناسپاسی کند، اینانند که از راه خدا بیرون رفته‌اند (صفوی، ۱۳۸۸، ص ۳۵۷).

طبق این آیه، خداوند به ﴿الَّذِينَ آمَنُوا﴾ وعده خلافت زمین را می‌دهد؛ البته نه به همه آنها؛ بلکه بر اساس واژه «مِنكُمْ» این وعده، شامل برخی از مؤمنان می‌شود؛ بنابراین معنای آیه چنین است: ای کسانی که ایمان آوردید، به «مِنكُمْ» شما وعده داده‌ایم که شما را خلیفه در زمین قرار دهیم. کلمه ارض در این آیه، اطلاق داشته و شامل مطلق زمین، یعنی خلافت کل زمین است. این آیه، به مؤمنان دارای عمل صالح، وعده می‌دهد به زودی جامعه صالحی مخصوص به خودشان ایجاد شده و خلافت زمین در اختیار آنان قرار خواهد گرفت؛ بدین ترتیب، دین در زمین، متمکن گردیده و امنیت، جایگزین ترسی که داشته‌اند، می‌شود تا بدین وسیله عبادتی خالصانه در محضر خدای تعالی داشته باشند و چیزی را شریک او قرار ندهند.

توضیح: در خصوص این آیه، گفتگوها و دیدگاه‌های مختلفی از سوی مفسران مطرح شده^۱ که در ادامه، ابتدا به اختصار، دیدگاه کلی مفسران بیان شده و سپس نظر علامه طباطبایی تقریر و تبیین می‌گردد.

در دیدگاه اکثر مفسران شیعه، این آیه، ناظر به عصر ظهور است و منظور از وعده‌های آن، جامعه مهدوی و حکومتی است که در آن عصر ایجاد می‌شود. به عبارت دیگر، این وعده، فقط در عصر ظهور تحقق خواهد یافت. برخی از مفسران عامه، این آیه را ناظر به عصر خلفای راشدین یا خلفای ثلاثه می‌دانند و آن عصر را تنها مصداق آن وعده عنوان می‌کنند؛ اما در مقابل این دیدگاه، عده‌ای از مفسران شیعه و عامه، قائل به تحقق وعده با مصادیق متعدد هستند. آنها معتقدند این آیه عام بوده و شامل هر عصری می‌تواند باشد؛ بنابراین هر وقت مسلمانان، ایمان خود را مستحکم نمایند، خدا چنین حکومتی را برای آنها محقق خواهد ساخت. این مفسران، برای دیدگاه خود مصادیقی در طول تاریخ ذکر می‌کنند که یکی از آنها، عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و زمانی است که ایشان در مدینه حکومت تشکیل دادند. مصداق دیگر آنها، عصر خلفای راشدین است. از نظر آنان، این وعده تا روز قیامت، مصادیق متعددی پیدا خواهد کرد (ر.ک: دیدگاه مفسران فریقین^۲ ذیل آیه وعد).

در میان سه دیدگاه ذکر شده، علامه طباطبایی قدس سره، نظر اول را می‌پذیرد که طبق آن، وعده آیه مذکور تنها در عصر ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام تحقق می‌یابد. در حقیقت، اساس تفسیر علامه از این آیه، مبتنی بر اطلاق موجود در آیه است؛ یعنی واژگانی که در آیه به کاررفته، اطلاق دارند و باید به همان نحو مطلق، معنا شوند. علاوه بر آن، نظر ایشان، مبتنی بر مبنای زبان شناختی نیز هست که طبق آن، قرآن در بیان حقایق و معارف، از مسامحات عرفیه به دور است و در کلام الهی، چنین مسامحه‌هایی وجود ندارد. علامه با این رویکرد زبان شناختی به این نتیجه می‌رسد که اگرچه خطاب آیه، عام بوده و شامل همه مؤمنان می‌شود؛ اما یک مصداق خارجی بیشتر ندارد که تاکنون محقق نشده و تنها در عصر ظهور، امکان وقوع آن هست. روایات بیان شده در کتب

۱. با استفاده از تقریرات درس استاد تاج‌آبادی در کلاس سطح چهار جامعه الزهراء علیها السلام، سال ۱۳۹۴ش، و مراجعه به منابع تفسیری موردنیاز.

۲. مراد از مفسران فریقین (شیعه و عامه) غالب مفسران مشهور است که در فهرست منابع، نام برخی و مشخصات تفسیر از آنها آمده است.

شیعی را نیز می‌توان مؤید دیدگاه تفسیری علامه دانست. از منظر ایشان، این آیه از خطاب‌های اجتماعی به شمار می‌رود. در این‌گونه از خطاب‌ها که معطوف به جامعه بیان شده است وجود مخاطبان بالفعل آن ضرورت نداشته و می‌تواند شامل عصر غیرحضور آنان باشد. در مجموع می‌توان نظر تفسیری علامه از این آیه را در چند مقدمه تبیین نمود:

۱- «من» در این آیه، بعضیه است نه بیانیه، و خطاب آن نیز به همه مسلمانان است؛ با وجود این، تحقق وعده، مختص برخی از آنان، یعنی مؤمنان صالح است؛ بنابراین باید گفت کل جامعه مخاطب آیه دانسته می‌شوند؛ اما تحقق وعده به بعضی از آنها، یعنی فقط به مؤمنان صالح اختصاص دارد.

۲- در مراد از استخلاف، دو احتمال وجود دارد:

أ) مراد، اعطاء خلافت الهی است. بدین ترتیب، معنای آن با آیه «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره: ۳۰) و «يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ» (ص: ۲۶) مشترک است. مقصود از «الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ»، خلفای الهی مانند پیامبران و اوصیای پیامبران هستند.

ب) مراد، وراثت زمین و تسلط بر زمین است. بدین ترتیب، این آیه با آیه «أَنَّ الْأَرْضَ يَرثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء: ۱۰۵) هم‌معنا است و مراد از «الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ»، مؤمنان امتهای پیشین می‌شود.

در هر دو صورت، مقصود از «الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» بنی اسرائیل نیست؛ درحالی‌که برخی مفسران آن را به بنی اسرائیل نسبت داده‌اند.

۳- منظور از «وَلِيْمَكِنَّهُمْ دِيْنَهُمْ»؛ یعنی دین، چنان‌که در جامعه پیدا می‌کند که همه آثار خود را در جامعه بروز می‌دهد.

۴- مراد از دین در عبارت «دِيْنَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ»، اسلام است.

۵- دو کلمه «خَوْفِهِمْ» و «أَمْنًا» در آیه اطلاق دارد و شامل هر خوفی می‌شود.

توضیح: جامعه‌ای که از شر دشمنان خارجی در امان باشد، اما نزاع و اختلاف در درون جامعه وجود داشته باشد، نمی‌توان آن را جامعه‌ای امن دانست؛ بلکه زمانی می‌توان از جامعه امن سخن گفت که هم امنیت درونی و هم امنیت از ناحیه دشمنان خارجی داشته باشد؛ بنابراین مقید کردن امنیت به امنیت خارجی، برخلاف ظاهر آیه و برخلاف اطلاق است.

۶- عبارت «يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا» نیز اطلاق دارد، آن جامعه، جامعه‌ای است که در آن فقط خدا پرستش می‌شود (پرستش بدون شرک)، عبادت خالصانه در آن فراگیر است. توضیح: در جامعه‌ای که «وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ» (یوسف: ۱۰۶) باشد، چنین ایمان و عبادتی از نظر قرآن خالصانه نیست. آیه، در تبیین جامعه مورد نظر می‌فرماید «لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا»؛ یعنی مردم این جامعه نباید هیچ نوع شرکی، اعم از شرک اعتقادی، شرک اخلاقی و شرک عملی داشته باشند؛ چراکه تنها در این جامعه، عبادتی کامل و با خلوص حاکم خواهد شد و همه کرامت‌ها و شرافت‌ها در جامعه، بر مبنای دین و تقوا و نه بر مبنای کرامت‌های اعتباری، قراردادی، دنیوی و ... سنجیده خواهد شد.

۷- این آیه از نوع خطاب‌های اجتماعی است و به تحقق جامعه با ویژگی‌های یادشده در آیه وعده می‌دهد.

۸- تفسیر آیه مبتنی بر رویکرد زبان‌شناختی است. علامه قائل است که نگاه به الفاظ قرآن باید خالی از مسامحه‌های عرفی باشد. به‌عنوان مثال، عبارت «يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا» در آیه به صورت نکره و در سیاق نفی آمده است؛ یعنی هر شرکی از این جامعه زدوده شده است و این‌گونه نیست که شرک‌های مهم همچون شرک اعتقادی از بین رفته باشد و برخی مصادیق شرک همچنان باقی باشد. در حقیقت باید دید قرآن، کدام عبادت را عبادت محض خدا می‌داند؛ عبادتی که در آن شرک وجود دارد یا در آن محرمات هم صورت می‌گیرد یا در کنار این عبادت، دیگر واجبات نادیده گرفته می‌شوند، آیا عبادت محض دانسته می‌شود؟ (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۵، ص ۱۵۰-۱۵۷).

علامه طباطبایی، بعد از توضیح و تفسیر عبارات آیه، در تطبیق وعده آیه با جامعه مورد نظر، معتقد است اگر کسی از اطلاق جملات و واژگان این آیه، اغماض نکرده و آیه را طبق دلالت ظاهرش تفسیر نماید، چنین جامعه‌ای، نه در عصر پیامبر اکرم ﷺ، نه در عصر خلفا، نه در عصر امام علی علیه السلام و نه بعد از آن، هرگز محقق نشده است؛ زیرا در عصر پیامبر اکرم ﷺ، منافقین، یهود و نصارا و همچنین برخی مؤمنان مریض‌القلب و ضعیف‌الایمان، در جامعه حضور داشته‌اند؛ در زمان خلفا و در عصر امیرالمؤمنین علیه السلام هم دین، تمکین نشده بود؛ بنابراین مصداق این آیه، فقط عصر مهدویت است و روایات ائمه اطهار علیهم السلام نیز این تفسیر را تأیید می‌کنند؛ زیرا از منظر

روایات، این آیه فقط در عصر مهدویت، تحقق می‌یابد (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۵، ص ۱۵۸-۱۶۰) حال از علامه سوال می‌شود که روایاتِ ائمه علیهم‌السلام چگونه در تفسیر آیات به ما کمک می‌کند؟ علامه طباطبایی در پاسخ این سؤال می‌فرماید:

ائمه علیهم‌السلام در روایاتشان، «شیوه تفسیر» را آموخته‌اند. کسی که تدبر متوالی و مستمر در مجامعِ روایی اهل بیت علیهم‌السلام داشته، بارها در روایاتِ ائمه علیهم‌السلام غور کرده باشد، به مرور زمان، یک ذوق صحیح تفسیری پیدا می‌کند. این ذوق که پدید آمد خودش می‌تواند قرآن را به قرآن تفسیر کند (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷، مقدمه المیزان). علامه طباطبایی نیز از این شیوه، در تفسیر گران سنگ المیزان بهره بردند. آنچه تاکنون بیان شد خلاصه‌ای از تفسیر علامه طباطبایی و تبیین ایشان از آیه وعد بود. در ادامه سعی می‌شود تا معنای عبادت خالصانه بیان شود.

۳. مقصود از عبادت خالصانه

در این مجال، به معنا و مصداق عبادت و عبادت خالصانه اشاره می‌شود. آیات بسیاری همچون حمد: ۵؛ زمر: ۲-۳؛ ۱۱-۱۵؛ ۱۷-۱۸؛ رحمن: ۴۶؛ به این مطلب تصریح دارند. در ادامه، فقط به خلاصه‌ای از دو آیه و ذکر یک روایت اکتفا می‌شود. در آیه پنجم سوره حمد، عبارت **﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾** آمده است که علامه در تفسیر آن می‌نویسد:

«عبد» یعنی هر مملوکی، اعم از انسان یا غیر او و «عبادت» آن است که بنده خود را در مقام مملوکیّت ربّ خود قرار دهد و به همین جهت، عبادت با استکبار و تکبر کردن منافات دارد، آیه می‌فرماید: **﴿إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾** (غافر: ۶۰)؛ اما عبادت با شرک منافات ندارد؛ چون گاه محقق می‌شود که بیش از یک نفر در مالکیت بنده‌ای یا عبادت عبدی مشارکت داشته باشند، همان‌طور که شایع است انسان چند خدای متعدّد را عبادت کند که این همان شرک است و خدای متعال، شریک ورزیدن را ممکن دیده؛ ولی آن‌جا که می‌فرماید: **﴿وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾** (کهف: ۱۱۰) از آن نهی کرده است. یکی از

مصادیق شرک، آن است که انسان، خدای متعال را بپرستد اما اوامر غیر خدا را به طور جزئی یا کلی در مقام عبودیت به جای آورد و به همین جهت، خدای متعال می‌فرماید: ﴿وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ﴾ (یوسف: ۱۰۶)؛ عبودیت حق، مطلق؛ یعنی بدون هیچ قید و شرطی است. در عبارت ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ﴾ عبادت، مطلق است؛ زیرا هدف عبادت، تنها خداست و نه غیر او و نباید عبادت خدا با نظر به غیر خدا باشد؛ اما اینکه خدای متعال را به طمع بهشت یا برای ترس از دوزخ، عبادت کنند، اگرچه عبادت در ذات خودش امر پسندیده‌ای است؛ اما این نوع از عبادت، با اخلاص و مقام انقطاع از غیر خدا، منافات دارد. انسان هنگام عبادت، باید خود را در آن مقام، فانی ببیند و بیان تعین و تشخص و فردیت در این مقام، مستلزم خودبینی و استقلال است؛ عبارت ﴿وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ یعنی در همین عبادت هم از تو نیرو می‌گیریم و از خودمان استقلالی نداریم؛ پس ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ روی هم یک معنا را می‌رساند و آن عبادت خالصانه است که هیچ‌گونه شائبه‌ای در آن نیست (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۲۴-۲۷).

در سوره زمر نیز آیاتی به عبادت خالصانه تصریح دارند؛ مانند این آیه که می‌فرماید: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصاً لَهُ الدِّينَ﴾ (زمر: ۲)؛ ای رسول، ما این قرآن را دفعتم بر تو نازل کردیم درحالی‌که متلبس به جامه حق بود و در هر جای آن که امر به عبادت خدای واحد شده، به حق است، پس تو خدا را عبادت کن در حالی که دین را برای او خالص کرده باشی.

مراد از «دین» در این آیه، طبق سیاق آن، «عبادت» است. البته ممکن است به معنای سنت حیات هم باشد. مراد از «عبادت»، «عبودیت» است؛ همان اعمالی که خضوع قلبی و پرستش درونی را مجسم و ملموس می‌کند. این، طریقه‌ای است که خدای سبحان، آن را تشریح کرده است؛ بنابراین معنای آیه این است که حال که قرآن به حق نازل شده است، پس عبودیت قلبی خود را برای خدا در تمامی شئون زندگی‌ات با پیروی کردن از آنچه برای تو تشریح نموده، اظهار کن؛ در حالی که دین خود را برای او خالص می‌سازی و از غیر آنچه خدا برای تو تشریح کرده است، پیروی مکن. این، همان طریقه مورد سلوک در زندگی و جامعه انسانی است. در آیه بعد

می‌فرماید: ﴿أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ...﴾ (زمر: ۳)؛ منظور از این آیه، یعنی آنچه به تو وحی کردیم که دین را برای خدا خالص کنی، مخصوص به شخص شما نیست؛ بلکه وظیفه‌ای است برای هر کسی که این ندا را می‌شنود. معنای خالص بودن دین برای خدا، این است که خدا عبادت آن کسی را که فقط برای او عبادت نمی‌کند، نمی‌پذیرد؛ چه اینکه هم خدا و هم غیر خدا را بپرستند یا فقط غیر خدا را بپرستند (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۷، ص ۲۳۲-۲۳۳).

علامه رحمته‌الله بعد از تفسیر آیات، مباحثی را با عنوان «بحث روایی» مطرح می‌کند. در یکی از آن مباحث، در ذیل آیه امانت، روایتی را از کتاب کافی نقل کرده است که در ذیل کلام خدای عزوجل ﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ...﴾ (احزاب: ۷۲)، امام صادق علیه السلام فرمود: این امانت، «ولایت امیر مؤمنین علیه السلام» است (اصول کافی، ج ۱، ص ۴۱۳، ح ۲)؛ علامه طباطبایی در توضیح این روایت ذیل آیه مذکور، می‌نویسد:

منظور از ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام، آن ولایتی است که اولین نفر از این امت که بدان رسید علی علیه السلام بود، عبارت است از اینکه انسان به مرحله‌ای از تکامل برسد که «خدای سبحان عهده‌دار امور او شود» و این از راه مجاهده و عبادت خالصانه به دست می‌آید (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۶، ص ۳۵۴).

در حقیقت علامه معتقد است منظور از ولایت در این روایت، ولایت به معنای محبت یا امامت نیست؛ هرچند که از ظاهر برخی روایات، معنای محبت یا ولایت به دست می‌آید؛ اما با وجود این، علامه قائل است که آن روایات، در پی تطبیق کلی بر مصادیق (جری و تطبیق) هستند؛ درحالی‌که محبت و امامت، هر دو از مصادیق ولایت دانسته می‌شوند (ر.ک: همان).

آنچه مطرح گردید معنا و مصداقی از عبادت و عبادت خالصانه بود. حال برای تحقق چنین عبادت خالصانه در عصر ظهور، چه وظیفه‌ای به عهده مؤمنان است؟

۴. زمینه‌سازی تحقق عبادت خالصانه

علامه، ذیل آیات ۱۹۵-۱۹۰ سوره بقره، با عنوان «جهادی که قرآن بدان فرمان داده»، مباحثی را مطرح می‌کند و ضمن توجه دادن به اینکه اساس اسلام و دین توحید، فطرت است که می‌تواند انسانیت را در زندگی‌اش به صلاح بکشد، به مسئله وعده‌های الهی، مبنی بر اینکه مؤمنان

حکومت بر زمین را در اختیار می‌گیرند و قادر به عبادت مخلصانه خدا می‌شوند، اشاره می‌کند و در نهایت، چنین نتیجه می‌گیرد که رسیدن به چنین جایگاهی، بدون جهاد، قابل تصور نیست. خلاصه مطالب صاحب‌المیزان در چند بند قابل بیان است:

۱- قرآن کریم، خاطرنشان می‌سازد که اساس اسلام و دین توحید، فطرت است؛ از این رو می‌تواند انسانیت را در زندگی‌اش به صلاح بکشد؛ همان‌طور که در سوره روم آمده است: ﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا﴾ (روم: ۳۱)؛ به همین دلیل، اقامه دین و نگهداری آن، مهم‌ترین حقوق قانونی انسان به شمار می‌رود؛ همچنان که در سوره شوری آمده است: ﴿شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ ... أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ﴾ (شوری: ۱۳). آنگاه قرآن حکم می‌کند به اینکه دفاع از این حق فطری و مشروع، حقی دیگر است که آن نیز فطری است؛ خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ هُدَّيْتُمْ ... وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾ (حج: ۴۰)؛ در حقیقت، به حکم این آیه، ایستادگی دین توحید به روی پای خود و زنده ماندن یاد خدا در زمین، منوط به این است که خدا به دست مؤمنان، دشمنان خود را دفع نماید؛ همان‌طور که در سوره بقره آمده است: ﴿وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ﴾ (بقره: ۲۵۱).

۲- از سوی دیگر، در ضمن آیات قتال در سوره انفال، جمله ﴿لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ﴾ (انفال: ۸) آمده است؛ یعنی تا خدا حق را محقق و باطل را نابود کند؛ آنگاه در آیه ۲۴ آن می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ﴾؛ در این آیه، جهادی که مؤمنان بدان فراخوانده شده‌اند به معنای زنده‌کننده مؤمنان است. منظور آیه این است که قتال در راه خدا (چه به‌عنوان دفاع و چه قتال ابتدایی)، در حقیقت، دفاع از حق انسانیت است؛ بنابراین شرک به خدای سبحان، به معنی هلاک انسانیت و مرگ فطرت و خاموش شدن چراغ، در میان دل‌هاست و قتال که همان دفاع از حق انسانیت است، این حیات را برمی‌گرداند و بعد از مردن آن حق، دوباره زنده‌اش می‌سازد.

۳- اسلام، به منظور تطهیر زمین از لوث مطلق شرک و خالص ساختن ایمان به خدای سبحان، باید «حکمی دفاعی» داشته باشد؛ چون قتال در آیات مذکور، قتال برای از بین بردن شرک‌های علنی و وثنیت است و شامل شرک‌های پنهانی نمی‌شود؛ زیرا در خود این آیات، از

شرک‌های در لفافه سخن به میان آمده که می‌فرماید: «اهل کتاب به خدا و رسولش ایمان ندارند و به دین حق نمی‌گروند»؛ پس معلوم می‌شود هرچند به خیال خود دارای دین توحید هستند؛ لیکن در حقیقت مشرک‌اند و شرک خود را پنهان می‌دارند؛ از این رو دفاع از حق فطری انسانیت، ایجاب می‌کند آنان به دین حق وادار شوند.

۴- هرچند قرآن کریم به طور صریح، حکمی درباره این دفاع بیان نکرده است؛ اما وعده داده که مؤمنان علیه دشمنانشان، روزی را در پیش خواهند داشت که حکومت را در اختیار می‌گیرند. طبق این وعده، باید دانست که آن، جز به قتل علیه شرک‌های در لفافه محقق نمی‌شود؛ بنابراین می‌توان گفت که خدای متعال، این مرتبه از قتل را که همان «قتال برای اقامه اخلاص در توحید» است، تشریح نموده است.

آیاتی که وعده مذکور را می‌دهند عبارت است از:

۱. آیه اظهار دین: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ، لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (صف: ۹).

۲. آیه وارث شدن بندگان صالح: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء: ۱۰۵).

۳. آیه وعده؛ صریح‌تر از آیه قبل، آیه‌ای است که می‌فرماید: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ ... يَعْبُدُونِي، لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا» (نور: ۵۵).

در این آیه از جمله «يَعْبُدُونِي» به قرینه جمله «لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا» فهمیده می‌شود منظور از عبادت، عبادت با اخلاص و با حقیقت ایمان است. در آیه دیگر، بعضی از ایمان‌ها، شرک دانسته می‌شود؛ خداوند می‌فرماید: «وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ» (یوسف: ۱۰۶)؛ پس معلوم می‌شود خدا، روزی را وعده داده که در آن روز، زمین، تصفیه شده و خالص در اختیار مؤمنان قرار می‌گیرد، روزی که در آن، غیر خدا پرستش نشود و خدای متعال به طور حقیقت، پرستش گردد. توهّم: شاید گفته شود این وعده الهی، مستلزم تشریح حکم دفاع نیست؛ چون ممکن است بدون توسل به این‌گونه اسباب ظاهری، بلکه به وسیله مصلحی غیبی، این غرض حاصل گردد. پاسخ: این سخن، با جمله «لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ ...» منافات دارد؛ زیرا زمانی استخلاف

تحقق می‌یابد که عده‌ای از بین رفته یا از مکانی که بودند، کوچ نمایند و عده‌ای دیگر جای آنان را بگیرند؛ پس مسئله قتال، از این جمله در آیه به دست می‌آید.

۵- خدای متعال در سوره مائده می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَزِدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ» (مائده: ۵۴)؛ آیه مذکور به این معنا اشاره دارد که به‌زودی به امر خدا، دعوتی حقه و نهضتی دینی به پا خواهد شد و معلوم است که چنین دعوت و نهضتی بدون جهاد و خونریزی قابل تصور نخواهد بود (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۶۴-۶۸)؛ توضیح این آیه به‌زودی می‌آید.

تاکنون نظر علامه در خصوص آیه و وعد و بحث عبادت خالصانه و همچنین جهاد مورد امر قرآن، بررسی شد و در ادامه، به بررسی این مسئله از منظر نویسندگان و بحث منابع و تقریرات موجود پرداخته می‌شود.

در آیات متعددی از قرآن کریم، به حکومت اهل تقوا و صالحان روی زمین، تصریح شده، عباراتی مثل «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» (توبه: ۳۳؛ فتح: ۲۸؛ صف: ۹)، «أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء: ۱۰۵)، «وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (اعراف: ۱۲۸؛ هود: ۴۹؛ قصص: ۸۳)، «وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى» (طه: ۱۳۲) بر این نوع حکومت اذعان دارند. باز به تصریح آیات قرآن، مثل آیه «وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا» (نساء: ۱۲۲)، وعده الهی، حق است و آیاتی مانند «وَعَدَ اللَّهُ لَا يَخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ» (روم: ۶)، بیانگر آن است که خلف وعده الهی، ممکن نیست؛ همان‌طور که از تفسیر المیزان مطرح شد خدای متعال در آیه ۵۵ سوره نور، به کسانی که دارای دو ویژگی «ایمان» و «عمل صالح» هستند وعده داده که به‌زودی برای آنان جامعه‌ای تشکیل می‌کند که به تمام معنا صالح بوده و در عقاید و اعمال افراد آن جامعه، جز دین حق، چیزی حاکم نباشد. از خصوصیات چنین جامعه‌ای، «عبادت خالصانه» است. چنین مجتمعی تاکنون در دنیا منعقد نشده است و تنها مصداق آن نیز در عصر ظهور حضرت حجت علیه السلام خواهد بود. حال باید دید آیا مؤمنان باید منتظر تحقق وعده خدای متعال باشند یا وظیفه دارند برای تحقق چنین جامعه‌ای، زمینه‌سازی داشته و تلاش نمایند؟

در معارف دینی آمده که مؤمنان نباید تنها منتظر تحقق وعده خدای متعال بمانند (انتظار مذموم) بلکه در عصر غیبت وظیفه دارند برای عصر ظهور، زمینه‌سازی نمایند. از جمله این زمینه‌سازی‌ها، فراهم کردن موقعیتی برای تحقق عبادت خالصانه است که یکی از وظایف مؤمنان

به شمار می‌رود. هرچند خدای متعال اراده کرده است که عبادت خالصانه را در آن زمان محقق نماید؛ اما باید دانست که زمینه‌های آن، باید از قبل فراهم گردد. زمینه‌سازی تحقق عبادت خالصانه، در قالب زمینه‌های فردی و زمینه‌های اجتماعی، قابل انجام است. در این مجال، به اختصار، این دو قالب، تبیین می‌شود.

۱.۱.۴. زمینه‌سازی فردی

زمینه‌های فردی، در دو عنوان «معرفت افزایی فردی» و «ارتقاء کیفیت عمل فردی» قابل طرح است.

۱.۱.۴.۱. معرفت‌افزایی

مؤمن، دارای معرفت بوده و اصول و فروع دین را به خوبی می‌شناسد و همیشه باید تلاش نماید تا شناخت خود را افزایش دهد. در ذیل به زیرمجموعه‌های متعدد معرفت‌افزایی پرداخته می‌شود.

ا) معرفت‌افزایی نسبت به شناخت بیشتر خالق، رسول او، اولی الامر و به دستور آن بزرگواران در زمان غیبت شناخت کامل ترویجی امر؛ به تبع، منظور از این معرفت‌افزایی، اطاعت از آنان است. برای دستیابی به این معرفت، می‌توان از دعا بهره برد؛ مانند دعایی که در زمان غیبت امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَجَّاهُ الْوَعْدِ خوانده می‌شود: «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي» (کلینی، ۱۳۶۵، باب فی الغیبه، ح ۵ و ۲۹).

ب) شناخت جایگاه عبادت در میان معارف دینی؛ مؤمن می‌داند که به تصریح قرآن، هدف از خلقت بشر، «عبادت» است (ذاریات: ۵۶) اما دستورات دینی، تک‌بُعدی نیست و همه برنامه‌های اسلام، در عبادت ظاهری خلاصه نمی‌شود؛ بلکه طبق کریمه الهی (فتح: ۲۹)، علاوه بر عبادت ظاهری (نماز، ذکر، دعا، زیارت و ...)، امور دیگری مانند اصول دین و اخلاق نیز باید لحاظ شود و همان‌طور که رابطه با خدا لازم است، رابطه با خلق نیز باید حفظ گردد و همه موارد باهم لحاظ شوند. در حقیقت، «نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنُكْفِرُ بِبَعْضٍ» (نساء: ۱۵۰) در اسلام جایگاهی ندارد.

ج) شناخت نوع عبادت؛ منظور این است که آیا عبادت، مانند نماز، از نوع ارتباط با خداست



یا مانند پرداخت زکات از نوع ارتباط با مردم یا از نوع دیگر است؟

د) شناخت کیفیت شرعی عبادت و عملی کردن آن در زندگی؛ به عنوان مثال اگر کسی قصد اقامه نماز دارد، باید کیفیت شرعی انجام آن را بداند و شناخت خود از آن را افزایش دهد تا علاوه بر خواندن نماز صحیح، بتواند از سویی، آن را همیشه بر پا داشته و از سوی دیگر، نماز، او را از فحشاء و منکر باز دارد؛ همان طور که خدای متعال می فرماید: ﴿إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ...﴾ (عنکبوت: ۴۵) یا مثلاً اگر مؤمن، حجتی به جای می آورد باید درصدد انجام حجتی طبق دستور دین باشد؛ حجتی که در آن، برائت از مشرکین لحاظ شود (توبه: ۱).

۲.۱.۴. ارتقاء کیفیت عمل فردی

مؤمن، علاوه بر معرفت افزایی، نیازمند زندگی ای است که در آن مغبون نگردد؛ یعنی به نوعی زندگی نماید که دو روز آن یکسان نباشد و برای این امر، نیازمند انجام اموری است که کیفیت زندگی معنوی او را افزایش دهد که در این زمینه، می توان به دو مورد ذیل اشاره کرد:

ا) ارتقاء روزافزون در شناخت احکام شرعی و عمل به آنها؛ به عنوان نمونه برای خواندن نماز، علاوه بر انتخاب صحیح مرجع تقلید، به رساله او مراجعه نموده و احکام فراوان نماز را فرا گیرد تا بتواند در عمل به کار بندد.

ب) اگر زمانی فقط به شرایط ظاهری عمل عبادی شرعی و صحیح بودن آن توجه می کرد، لازم است زمانی را برای درک شرایط و جوب آن نیز اختصاص دهد؛ به عنوان مثال، تفکر نماید که چه زمانی، حج بر او واجب خواهد شد. همین طور در مرحله بعدی، به شرایط قبولی و کمال عمل عبادی شرعی، اهتمام ورزد.

۲.۴. زمینه سازی اجتماعی

زمینه های اجتماعی در شش عنوان «معرفت افزایی جامعه»، «شناخت چهره جامعه ایمانی»، «اقامه عمل عبادی در جامعه»، «پیروی کامل از ولایت»، «شناخت سنت های الهی» و «شناختن و شناساندن مشخصات افراد مجتمع مهدوی» قابل توصیف است.

۱.۲.۴. معرفت افزایی جامعه

مؤمن علاوه بر وظایف فردی، نسبت به خانواده و جامعه خود نیز وظایفی بر عهده دارد و در

مرحله بالاتر، نسبت به جوامع دیگر نیز وظایفی دارد تا بتواند دین را به دیگران منتقل نموده و موجب گسترش آن شود. از این رو، همان طور که موظف به افزایش معرفت خود است، نسبت به افزایش معرفت اعضای خانواده و جوامع هم وظایفی دارد. البته افرادی که در جوامع اسلامی، مسئولیتی مانند اداره حکومت را دارند، وظایف سنگین تری نسبت به معرفت‌افزایی دینی مردم، بر عهده آنهاست.

۲.۲.۴. شناخت چهره جامعه ایمانی

آیه ۲۹ سوره فتح، مؤلفه‌های جامعه اسلامی را ترسیم می‌کند؛ برای این اساس، جامعه ایمانی، دارای چهار مؤلفه است که هر یک مکمل دیگری است و چنانچه هر یک از مؤلفه‌ها، کنار گذاشته شود، نمی‌توان عنوان جامعه ایمانی را بر آن نهاد. اجمال مؤلفه‌ها، با عنایت به آیه مذکور، چنین است:

۱. «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ»؛ همراهی با پیامبر و در زمان‌های بعد، همراهی با نایبان ایشان؛

۲. «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ»؛ نیرومندی در مقابل بیگانگان؛

۳. «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»؛ مهربانی در بین مؤمنان؛ در خصوص این دو مؤلفه، آیات دیگری نیز در قرآن آمده است؛ همچون آیه ۵۴ سوره مائده که در ذیل مقاله، به آن اشاره خواهد شد.

۴. «تَرَاهُمْ رُكْعًا سَجِدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا»؛ اهل عبادت و دعا بودن؛ این حالت در سیمای آنها مشاهده می‌شود: «سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ».

۳.۲.۴. اقامه عمل عبادی در جامعه

اقامه شعائر دینی، به خصوص نماز جماعت، یکی از وظایف جامعه اسلامی است؛ علاوه بر انجام شعائر دینی در جامعه، نیازمند اقامه آنها در جامعه نیز هستیم؛ یعنی، نه تنها عمل عبادی «انجام» شود؛ بلکه زمینه‌ای برای «برپایی» آن فراهم گردد. همان طور که هرگاه آیات قرآن، در مورد نماز مؤمنان سخن می‌گویند، بحث «اقامه» را نیز مطرح می‌نمایند؛ مانند «أَقَامُوا الصَّلَاةَ» (بقره: ۲۲۷؛ اعراف، ۱۷۰؛ و...؛ درحالی‌که درباره نماز منافقان، با عبارت «قَامُوا» (نساء: ۱۴۲) تعبیر می‌شود. شایان ذکر است در آیات الهی، معمولاً بعد از «أَقَامُوا الصَّلَاةَ»، بلافاصله «آتَوُا الزَّكَاةَ» به

کار رفته است (بقره: ۲۷۷؛ توبه: ۵؛ ۱۱؛ حج: ۴۱) و هدف آن این است که هم رابطه با خدای متعال و هم رابطه با بندگان او مورد توجه قرار گیرد.

۴.۲.۴. پیروی کامل از ولایت

قرآن کریم در آیات متعدد به مؤمنان فرمان می‌دهد تا از خدای متعال و رسول او اطاعت نمایند (آل عمران: ۱۳۲؛ انفال: ۱) و حتی در مواردی، سرپیچی کنندگان را تهدید کرده است (آل عمران: ۳۲؛ انفال: ...). همچنین خدای متعال در آیاتی مانند سوره نساء آیه ۵۹، پیروی از اولی الامر را هم دستور داده است. شایان ذکر است که مؤمنان طبق روایات معصومین علیهم‌السلام، در زمان غیبت امام معصوم، موظف هستند که به ولی فقیه رجوع نمایند «أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَأَقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۵۳، ص ۱۸۱) و هرچه این پیروی کامل‌تر باشد، زمینه برای عمل عبادی مؤمنان در جامعه، بیشتر فراهم خواهد شد.

۵.۲.۴. شناخت سنت‌های الهی

آیاتی از کلام الهی بر این دلالت دارد که «حق بر مطلق باطل غلبه می‌یابد» و باطل روزی کاملاً نابود می‌شود (انبیاء: ۱۸؛ اسراء: ۸۱؛ سبأ: ۴۹؛ شوری: ۲۴) و همچنین «روی زمین، کفر و کافر کاملاً نابود شده و ایمان فراگیر می‌شود» (آل عمران: ۱۴۰-۱۴۱؛ نساء: ۱۳۳؛ ابراهیم: ۱۹-۲۰؛ محمد: ۳۸) در ادامه، بخشی از آیات سوره آل عمران که مرتبط با این نوشتار است، بررسی می‌شود.

در این سوره آمده: «... وَ تِلْكَ الْآيَاتُ نُدَاوَاهَا بَيْنَ النَّاسِ وَ لِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ يَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ وَ لِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ يَمْحَقَ الْكٰفِرِينَ» (آل عمران: ۱۴۰-۱۴۱)؛ این، ایام است که ما آن را در میان مردمان می‌چرخانیم. «ایام» در اینجا، کنایه از «حکومت و سلطنت» یا همان دوران حکومت و سلطنت است. طبق این آیه، خدای متعال می‌فرماید گاهی به این گروه و گاهی به آن گروه، سلطنت و حکومت را می‌دهیم. ما، حکومت‌ها و سلطنت‌ها را دست‌به‌دست در میان مردمان و در میان اقوام می‌گردانیم. در این تغییرات، اهداف بسیاری نهفته است که قرآن کریم در این دو آیه، به چهار مورد از آن اهداف اشاره می‌کند:

۱. «لِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا»؛ طبق این آیه، موظفیم مؤمنان را از منافقان و کافران

بازشناسیم و آنها را از یکدیگر تفکیک نماییم. الآن معلوم نیست چه کسی مؤمن

واقعی، چه کسی کافر و چه کسی منافق است؛ چراکه آنها در جامعه با یکدیگر

مخلوط شده‌اند؛ حتی اگر بین مؤمنان و کافران مرز باشد، بین مؤمن و منافق و مریض‌القلب، مرزی وجود ندارد و شناخت آنان به مراتب سخت‌تر است. خدای متعال می‌فرماید این گردش را انجام می‌دهیم تا این افراد از یکدیگر جدا و شناخته شوند.

۲. ﴿وَيَتَّخِذُ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ﴾؛ تا گروهی از شما به مقام شهادت برسند. «شُهَدَاءَ» در نظر مفسران به دو گونه معنا شده است: «شهادت و کشته شدن در راه خدا» و «مقام شهود اعمال». علامه طباطبایی در میان این دو معنا، قسم دوم را قائل است. ۳. ﴿وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا﴾؛ تا خدای متعال، مؤمنان خالص را تمحیص کند. «تمحیص» در این آیه به معنی «تخلیص» است. در هدف اول، منظور این بود که گروه مؤمنان از گروه‌های دیگر جدا شوند؛ درحالی‌که در اینجا به مرحله بعد از جداسازی اشاره دارد؛ یعنی حال که این مؤمنان جدا شدند، ایمان آنها آمیخته به شرک‌های خفی و نفاق‌های خفی است؛ خدای متعال قصد دارد این نفاق و شرک خفی را پاک و آنها را خالص نماید؛ بنابراین هدف سوم از این گردش ایام، خلوص کامل مؤمنان است.

۴. ﴿وَيُحَقِّقَ الْكَاْفِرِيْنَ﴾؛ تا کافران دچار محق و نابودی شوند.

مجموع این چهار غایت، با فعل مضارع آمده که دلالت بر استمرار می‌کند؛ به‌عنوان مثال، تمحیص ذکرشده در آیه، بیانگر تمحیص مستمر است و منظور آن است که ایمان مؤمنان، باید مرتب و در گذر زمان، خالص‌تر شود تا به خلوص نهایی برسد؛ همچنین کفر و کافران، مستمراً محق پیدا می‌کنند؛ یعنی مرتب از کفر‌کننده می‌شود و کفر و کافر، کوچک و کوچک‌تر می‌شوند؛ به قدری که در نهایت به محق می‌رسند و از روی زمین محو می‌شوند.

در مجموع باید گفت این آیه، گزارش می‌دهد که سنت تکوینی خدای متعال بر این است که گردش ایام و جریان تاریخ به سمتی رود که پایانش، ایمان و مؤمنان خالص و زوال و نابودی کفر و کافراست. این امر، هنوز محقق نشده است؛ چون هنوز در دنیا، کفر و کافر وجود داشته و ایمان مؤمنان نیز اعم از خالص و غیرخالص را در برمی‌گیرد. همچنان این سنت‌های الهی ادامه می‌یابند تا این غایات محقق شوند. (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۳۷۹-۳۸۲)

۶.۲.۴. شناختن و شناساندن مشخصات افراد مجتمع مهدوی

یکی از کارهایی که مؤمنان می‌توانند در عصر غیبت انجام دهند دقت در آیات و روایات اسلامی و تمرکز بر تفسیر مفسران مؤمن، در شناخت مشخصات افراد عصر ظهور است تا بدین وسیله، بتوانند ویژگی‌های افراد آن عصر را در وجود خود و اجتماع، متبلور سازند؛ به‌عنوان نمونه، در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (مانده: ۵۴)، خطاب به مؤمنان، با چنین مضمونی آمده است که اگر شما از دینتان خارج شوید، ما به زودی قومی می‌آوریم که این قوم، چند ویژگی دارد: خدا آنها را دوست دارد؛ آنها هم خدا را دوست دارند؛ نسبت به مؤمنان، ذلت دارند (فروتن هستند)؛ نسبت به کافران، عزت دارند (صلابت دارند)؛ جهاد فی سبیل الله دارند؛ و از سرزنش سرزنش‌کنندگان هراسی نداشته و نمی‌ترسند.

گزیده مطلب: مفسران، دو رویکرد کلی در تفسیر این آیه دارند، عده‌ای، ارتداد را شخصی و فردی دانسته و برای این قوم هم مصادیقی ذکر کردند؛ گروه دیگری از مفسران، ارتداد را جمعی دانسته‌اند و در مورد قوم جایگزین نیز برخی به‌اجمال گذر کرده‌اند؛ اما علامه، با دلایلی می‌فرماید این آیه، عصر مهدویت را شرح می‌دهد. می‌توان دیدگاه ایشان را به‌طور خلاصه چنین بیان کرد:

أ) مراد از ارتداد، ارتداد ظاهری و شرعی است؛ یعنی کسی که مسلمان بوده اما یکی از ضرورت‌های دین را انکار می‌کند، او بی‌دین شناخته می‌شود. این دسته از مفسران، مصداقی برای آن ذکر کردند. به‌عنوان مثال، در عصر پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فردی از مسلمانان به یمن رفت و در آنجا کافر شد و ادعای نبوت هم کرد و این آیه درباره او بیان شده است. بعضی مفسران، مصداقی از دوران خلفا آوردند؛ مثلاً در عصر ابوبکر، بعضی افراد کافر و مرتد شدند و این آیه به آنها اشاره دارد. بعضی دیگر از مفسران، مصادیقی از عصر عثمان و... نیز بیان داشته‌اند.

مفسران، در مورد آن قومی که خدا می‌آورد، نیز نظرات مختلف دارند؛ مانند مؤمنان یمن، مهاجرین، انصار، قوم سلمان (فارس‌ها که در آینده مسلمان می‌شوند) و اصحاب علی عَلَيْهِ السَّلَام در جنگ صفین. این گروه از مفسران، ارتداد را شخصی و فردی در نظر گرفته‌اند و لذا برای این قوم

۱. این قسمت با استفاده از تقریرات درس استاد تاج‌آبادی نوشته شده است.

هم مصداق‌های این‌گونه ذکر کرده‌اند.

ب) بعضی از مفسران گفته‌اند این ارتداد، ارتداد جمعی و نه فردی است و منظورشان این است که جامعه اسلامی دچار ارتداد گردیده است. با وجود این، مباحث ارائه شده از سوی این مفسران، بسیار مجمل بیان شده است؛ اما مرحوم علامه می‌فرماید:

اولاً این ارتداد، ارتداد ظاهری و تشریحی نیست، ثانیاً این آیه از آیات اجتماعی قرآن است، مخاطب این آیه اجتماع و جامعه است نه افراد، یعنی مجموعه افراد جامعه مورد خطاب قرار گرفته‌اند؛ در نتیجه، مجموعه جامعه اسلامی دچار ارتداد می‌شود.

پس اگر مخاطب آیه، جامعه باشد و ارتداد هم اجتماعی، باید دانست که این ارتداد، ارتداد شرعی و ظاهری نیست؛ بلکه ارتداد باطنی و ارتداد معنوی خواهد بود؛ یعنی ظاهر جامعه، ظاهر اسلامی است و باطن آن، تبدیل به باطن غیر اسلامی گردیده است، (هم اسلام یک ظاهر و یک باطن دارد هم جامعه اسلامی ظاهر و باطن دارد) ظاهر اسلامی همین شعائر اسلامی است که در جامعه اجرا می‌شود؛ اما در این جامعه، اگر اخلاق، معنویت و قرب به سوی خدا نبود، این جامعه باطنش اسلامی نخواهد بود. از نظر علامه طباطبایی، این جامعه، دچار ارتداد شده است. ایشان، در تفسیر خود می‌نویسد:

اینکه یک قومی بیاید که این ویژگی‌ها را داشته باشند تا حالا نیامده، این قوم مربوط به آخرالزمان است و روایاتی که می‌گوید این آیه درباره اصحاب حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشريف هست، آن درست است؛ و روایاتی که می‌گوید این آیه درباره اصحاب امیرالمؤمنین عجل الله تعالی فرجه الشريف در جنگ صفین است و روایتی که می‌گوید مراد فارس‌ها، یا اصحاب سلمان، یا انصار و یا مهاجرین هستند درست نیست.

پس این آیه، عصر مهدویت را شرح می‌دهد؛ موقعی که عصر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف حاصل می‌شود، مردم اصحاب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف می‌آیند (نه همه مردم)؛ آن قومی که قوم مطلوب خداست و قوم آرمانی و جامعه آرمانی که در آینده محقق می‌شود، این جامعه، در عصر مهدویت است (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۶۴-۶۸).

نتیجه‌گیری

- با توجه به مطالب چهارگانه مندرج در مقاله، نتایج ذیل به دست می‌آید:
۱. آینده جهان، به نفع مؤمنان و شکست سلطه‌های بیگانگان خواهد بود؛ زیرا پیروزی نهایی اهل حق، یک سنت الهی است. در روزگاری، حق بر مطلق باطل، غلبه یافته و کفر و کافر در روی زمین باقی نخواهد ماند؛
 ۲. برای دستیابی به حکومت گسترده حق، دو مؤلفه ایمان و عمل صالح لازم است؛
 ۳. از دو عبارت «لیستخلفکم» و «یعبدوننی» استفاده می‌شود که حکومت مؤمنان، برای حفظ دین لازم است؛
 ۴. هدف نهایی وعده‌های الهی، «عبادت خالصانه» است و این هدف، زمانی کامل می‌شود که در جامعه، هیچ‌گونه شرکی نباشد و عبادت خالصانه در جامعه عمومیت یابد؛
 ۵. چنین جامعه‌ای به اراده الهی و در عصر ظهور محقق شده و در آن، زندگی موحدانه فراهم خواهد شد؛
 ۶. زمینه‌سازی آن، در عصر غیبت و به عهده مؤمنان است و این زمینه‌سازی بدون جهاد و آمادگی همه‌جانبه، امکان‌پذیر نیست؛
 ۷. برای زمینه‌سازی آن جامعه، دو راهکار فردی و اجتماعی، پیشنهاد می‌شود؛
 ۸. راهکارهای فردی در قالب «معرفت‌افزایی» و «ارتقاء کیفیت عمل» و برخی راهکارهای اجتماعی شامل «پیروی کامل از ولایت»، «شناخت سنت‌های الهی» و «شناختن مشخصات افراد مجتمعه مهدوی» است.

فهرست منابع

قرآن کریم

منابع فارسی

۱. صفوی، محمدرضا (۱۳۸۸ش)، ترجمه قرآن براساس المیزان، قم: آبنوس.
۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۳. نجارزادگان، فتح الله (۱۳۸۹ش)، بررسی تطبیقی تفسیر آیات مهدویت و شخصیت شناسی امام مهدی عج در دیدگاه فریقین، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تهران: سمت.

منابع عربی

۱. ابن فارس، احمد (۱۴۱۸ق)، معجم المقاییس فی اللغة، تحقیق: شهاب الدین ابو عمرو، ج: دوم، بیروت: دارالفکر.
۲. آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: علی عبدالباری عطیه، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳. راغب اصفهانی (۱۴۲۶ق)، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داوودی، دمشق: دار القلم، بیروت: الدارالشامیه.
۴. رشیدرضا، محمد (۱۴۱۴ق)، تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار، بیروت: دار المعرفه.
۵. زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، بیروت: دار الکتاب العربی.
۶. سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۴ق)، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۷. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۸. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، با مقدمه محمدجواد بلاغی، تهران: ناشر خسرو.
۹. فخرالدین رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر (فخر رازی) (۱۴۲۰ق)، تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۰. فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۸ق)، الأصفی فی تفسیر القرآن، تحقیق: محمدحسین درایتی و محمدرضا نعمتی، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵ش)، الکافی، ج: چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۲. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق)، بحار الانوار، بیروت: موسسه الوفاء.



مسئولیت‌گریزی منتظران؛ چرایی و درمان

بتول سادات امینی^۱
شهلا عیدی نجف‌آبادی^۲

چکیده

جامعه آرمانی مهدوی در اهداف و آرمان‌های تاریخ بشری، از جایگاه و ارزش فوق‌العاده‌ای برخوردار است. حقیقتی حتمی، روشن، فراگیر که بستری مطلوب، جهت تحقق غایت و هدف خلقت انسان را فراهم می‌کند. اعتقاد به این موضوع به‌مانند هر امر مهم دیگری، تحت تأثیر افکار بداندیشان و در معرض انحراف و تغییر معاندان قرار گرفته است. یکی از آفتهایی که جامعه منتظر آرمان‌شهر مهدوی را تهدید می‌کند، مسئولیت‌گریزی است. مسئولیت‌گریزی، علل و عوامل متعدد و متنوعی دارد که پرداختن به آن، امری ضروری است؛ چراکه بررسی، تبیین و ریشه‌یابی این معضل و ارائه راه‌کارها و درمان‌های اثربخش آن، می‌تواند مسیر تحقق و دستیابی به آن را روشن‌تر و سهل‌تر کند. در این نوشتار، به برخی از این عوامل، مانند عدم تبیین درست انتظار، تغییر سبک زندگی و فقدان بلوغ عاطفی اشاره شده است. این تحقیق، به روش اسنادی و جمع‌آوری فیش‌های کتابخانه‌ای و با شیوه توصیفی - تحلیلی تدوین گردیده است. واژگان کلیدی: مسئولیت، مسئولیت‌گریزی، منتظران، چرایی، درمان.

۱. دانش آموخته سطح ۳ رشته علوم قرآن جامعه الزهرا علیها السلام و دانشجوی دکتری مدرسه بنت الهدی

۲. طلبه سطح ۴ رشته تفسیر تطبیقی مدرسه علمیه معصومیه؛ batolsadatamini@gmail.com

مقدمه

چالش گریز از مسئولیت در دوران غیبت حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف، به طور گسترده، دامن گیر مسائل مربوط به منتظران است. مسئولیت‌گریزی، به عنوان آفت جامعه اسلامی در قرن حاضر، نقشه راه دشمن، در ممانعت از تجلی ظهور و آرمان مهدویت گردیده است. تجلی قدرت جامعه منتظر، با میزان شناخت و پذیرش مسئولیت، ارتباط تنگاتنگی دارد. اساساً رسیدن به هدف و آرمان پیش رو، جز در بستر مسئولیت و انجام وظایف، امکان پذیر نخواهد بود.

ارزش‌ها و اعتقادات تعریف شده در دین اسلام، همچون تار و پود بافت‌های، اساس یک جامعه اسلامی را تشکیل داده و تمام ابعاد زندگی یک فرد مسلمان منتظر را با تمام جزئیات مشخص می‌کند. این باورها در قالب باید‌ها و نباید‌ها، بیان دیگری از وظایف همه‌جانبه فردی و اجتماعی یک مسلمان است. گویی مسلمان بودن، منتظر ماندن، امید داشتن به ظهور منجی و رسیدن به آرمان نهایی، بدون تبیین و تعریف وظایف و مسئولیت‌ها، ادعایی باطل است. همچنین به جهت نقش حیاتی مسئولیت در وصول به اهداف پیش روی جامعه اسلامی، دشمن، تعریفی وارونه از مسئولیت به لایه‌های پنهان اجتماع منتظر، ارائه می‌دهد که چالش مورد بحث، آفتی جدی در راستای حقیقت مهدویت، به حساب می‌آید. این مسئولیت‌گریزی در حیطه مهدویت، دارای عواملی است که در این نوشتار به آن پرداخته می‌شود.

۱. عدم تبیین درست از انتظار

تحقق هر امر مهمی، بر پایه تعریف، تبیین و عملیاتی کردن مسئولیت‌ها در راستای اهداف آن امر است. تفکیک و اجرای مسئولیت‌ها، گام‌های زمینه‌ساز در جهت تحقق هر هدف مهمی محسوب می‌شود. انقلاب بزرگ حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، نوید جهانیای است که در زبان روایات، امید به تحقق آن، «انتظار فرج» خوانده و عبادت، بلکه افضل عبادت‌ها، (شیخ صدوق، ۱۳۶۳، ص ۶۴۴) شمرده شده است. (مطهری، ۱۳۶۸، ص ۶) این نوید جهانی، به لحاظ اهمیتی که دارد مورد هجوم اعتقادی و عملیاتی دشمن قرار گرفته و آن را در مسیر انحرافی قرار داده است. دشمن، با هجمه قرار دادن روایات، جعل و تحریف آنها و وارد کردن برخی اسرائیلیات، مفهوم انتظار را در راستای اهدافش، دچار انحراف کرده است. البته عواملی چون مراجعه به

متون تخصصی، بدون آگاهی لازم، استفاده از منابع غیر معتبر و ضعیف، مراجعه به شبهات بدون آگاهی قبلی و موارد دیگر، اثرگذاری انتظار را در زمینه‌سازی ظهور، مورد خدشه قرار داده است. (سلیمان، ۱۳۸۹، ص ۶۴) دیدگاه‌های این چنینی باعث شده است برداشت‌های انحرافی به گونه‌های مختلف، به بطن جامعه منتظران تزریق شود.

گروهی از آنها، تکلیف مردم در زمان غیبت را تنها دعا برای تعجیل فرج می‌دانند؛ لذا وظایف افراد در قبال جامعه مورد فراموشی قرار گرفته و منتظران در جامعه و نسبت به دیگران، مسئولیتی بر دوش ندارند. برداشت انحرافی دیگر این است که حضرت، زمانی ظهور می‌کند که دنیا پر از فساد و تباهی شود؛ پس نباید با مفاسدی که در جامعه وجود دارد مبارزه کرد تا زمینه ظهور فراهم شود؛ حتی در این باره، گروهی معتقدند باید به گناهان و ظلم در جامعه دامن زد و این در تسریع امر ظهور، مؤثر خواهد بود. (شفیعی سروستانی، ۱۳۶۷، ص ۷۵)

طبیعی است طرح و تثبیت این باور در فرد و جامعه، اجتماع منتظر را دچار یک رکود فکری و عملی خواهد کرد. این رکود، چیزی جز گریز از مسئولیت نخواهد بود؛ چراکه این تفکر، دیگر انگیزه‌ای برای بررسی اوضاع و فراهم کردن زمینه ظهور باقی نمی‌گذارد و لذا رغبتی برای طرح مسئولیت‌ها و پذیرش آنها وجود نخواهد داشت. در واقع در این نگرش، هر اصلاحی محکوم است؛ چون هر اقدام اصلاحی، یک نقطه روشن است و در صورت وجود نقاط روشن در جامعه، ظهوری رخ نمی‌دهد؛ بلکه هر گناه، فساد، ظلم، تبعیض، حق‌کشی و هر پلیدی به این دلیل که جامعه را به ظهور نزدیک‌تر می‌کند روا است. در این نوع انتظار، نگاه جامع و کاربردی در مقوله انتظار وجود ندارد و اراده، تلاش و خواست فردی و جمعی، هیچ نقشی در تسریع ظهور ندارد و زمینه‌سازی در این مسیر، بی‌معنا بوده و رضایت‌مندی از وضع موجود، انگیزه‌ای جهت تلاش برای تغییر وضعیت فعلی باقی نمی‌گذارد؛ لذا برای تکلیف‌مداری در بعد فردی و اجتماعی، جایگاهی تعریف نشده است.

بهترین پاسخ به نادرستی این باور، متن روشن روایات است که نحوه انتظار کشیدن در زمان غیبت حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریح به وضوح در آنها تبیین شده است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«مَنْ سَوَّهَ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لِيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مُحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ فَإِنْ مَاتَ وَ قَامَ الْقَائِمُ بَعْدَهُ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ أَدْرَكَهُ فَجَدَّو!»؛

«هر که دوست دارد در زمره یاران قائم قرار گیرد باید منتظر ظهورش باشد و در حال انتظار، مطابق تقوا و نیکی رفتار نماید. اگر قبل از قیام حضرت بمیرد، اجر و پاداش کسی را دارد که ظهور قائم را درک کرده است؛ پس کوشش کنید.» (مجلسی، ۱۴۵۲، ج ۵۲، ص ۴۳۷)

در روایت، از سویی، نفس منتظر بودن، به عنوان شرط اصلی ذکر شده است و از سوی دیگر، صراحتاً به نحوه انتظار، در قالب رعایت تقوا و رفتار نیک اشاره نموده که تمام ابعاد درونی و برونی یک فرد و اجتماع را در برمی‌گیرد. گویا در این بیان، سفارش به زمینه‌سازی، برنامه‌ریزی و یک کوشش مسئولیت‌مدار در جهت طلوع ظهور، شده است. این انتظاری تعهدآور، مسئولیت‌ساز، تحرک‌بخش و نیروآفرین است و قطعاً زمینه ظهور خواهد بود. مؤید این مطلب، بررسی لغوی و اصطلاحی انتظار است که تبیین درستی از منتظر را ارائه می‌دهد؛ از این رو می‌توان از آن به عنوان راهکار ریشه‌ای بهره برد.

«انتظار» در لغت به معنی «چشم داشتن» و «چشم به راه بودن» است. (دهخدا، ۱۳۳۹، ص ۲۴۹) انتظار به این معنا، مفهومی است که در جان همه انسان‌ها نهادینه شده و پاسخی به نیاز فطرت است. منتظر بودن جهت ظهور مصلح جهانی، بارزترین تجلی این نیاز فطری است؛ (شفیعی سروستانی، ۱۳۸۶، ص ۷) چراکه انتظار، ریشه در کمال‌جویی انسان دارد و دوران ظهور، وعده تحقق کمال انسانی، در همه ابعاد مادی و معنوی است. در بطن انتظار، امید به آینده همچون موتور متحرکه از درون، انسان را به حرکت و پویایی وامی‌دارد. هرچه نور این امید در دل منتظر بیشتر، انگیزه و توانش برای رسیدن به آن سوی انتظار، بیشتر خواهد شد.

در بسیاری از روایات، ضرورت انتظار و فضیلت آن بیان شده است. در خصوص ضرورت، به صراحت، حکم وجوب انتظار (شیخ صدوق، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۷۷) در زمان غیبت حضرت ذکر شده و این نشان از لزوم منتظر بودن در دوران غیبت دارد. مقام و جایگاه ویژه‌ای که روایات برای منتظر واقعی قائل شده است، اشاره به فضیلت منتظر بودن دارد؛ آنجا که منتظران، ظهور را برترین مردم در همه روزگاران می‌داند. (مجلسی، ۱۴۵۷، ج ۵۲، ص ۱۲۳) همچنین در روایات، منتظر بودن برای ظهور حضرت، تعبیر به انتظار فرج شده است و این، به معنای انتظار گشایش داشتن نیز هست. (همان) ضرورت، فضیلت و گشایشی که در روایات در خصوص انتظار بیان

می‌شود، حکایت از نقش ریشه‌ای و نتیجه‌بخش انتظار راستین، در تجلی ظهور موعود دارد. انتظار، همواره حلقه وصل بین امام، به‌عنوان ولی حاضر و شخص منتظر است که این پیوند، منشأ برکات مادی و معنوی و عاملی برای رشد ابعاد وجودی منتظر، در بستر زمان خواهد بود. گویا جهت حرکت زندگی منتظر، قله کمال وجود ولی حاضر است و رسیدن به قله کمال، با تمام قوا و به‌کارگیری امکانات، امکانپذیر است؛ پس هرچه منتظر، به وظایف خود آشنا تر شود و خود را در انجام این وظایف، مجهزتر کند امکان و زمان وعده ظهور حضرت، نزدیک تر خواهد شد و این تجهیز در عرصه فرهنگ، اجتماع، اقتصاد و سیاست، مدنظر است؛ (سلیمان، ۱۳۸۹، صص ۲۹ و ۳۰) بنابراین از مهم‌ترین عناصر زمینه‌ساز ظهور، تعیین استراتژی انتظار است. با بیان استراتژی، نقش مهم و کارساز افراد جامعه بشریت، در نحوه انتظار و رسیدن به هدف والا و کلان ظهور منجی، به دست می‌آید؛ لذا هرگونه طرح و برنامه مسئولیت‌گريزانه و انفعالی در تدوین استراتژی انتظار، چالشی جدی در ابعاد مختلف حقیقت‌مهدویت و تحقق زمینه‌های ظهور خواهد بود. (شفیعی سروستانی، ۱۳۷۶، صص ۷۴ و ۷۵)

۲. تغییر در سبک زندگی

احساس مسئولیت، جوهره اصلی انسانیت و مرز بین انسان و سایر موجودات است. انسان‌های بی‌مسئولیت که در برابر خدا، وجدان و جامعه، احساس مسئولیت نمی‌کنند در زبان قرآن، پست‌تر از هر حیوانی معرفی شده‌اند. (اعراف: ۱۰۱) (وطن‌دوست، ۱۳۸۸، صص ۸۹) مسئولیت‌گریزی در تار و پود جامعه اسلامی، نشان از استحاله گسترده‌ای دارد که دشمن در سبک زندگی مؤمنانه ایجاد کرده تا مانعی برای وصول به اهداف تعریف شده در دین و در نهایت تجلی آرمان مهدویت باشد. مهدویت، مصدر جعلی از کلمه «مهدی» است و بر همه مباحث، معارف، برنامه‌ها، رفتارها، باورها و گرایش‌های مرتبط با موعود شیعی دلالت دارد. بلندای این جایگاه و تأثیر آن در تحقق آرمان مهدویت، علت رصد مدام دشمن را مشخص می‌کند و تبیین درست سبک زندگی مؤمنانه و مهدوی که نقطه حیات‌بخش آن، رسیدن به قله فتح ظهور است، طراحی همه‌جانبه و شیوه اعمال نفوذ دشمن را روشن خواهد کرد. سبک زندگی، یکی از مهم‌ترین مسائلی است که در علوم مربوط به انسان، مطرح می‌شود (مهدوی کنی، ۱۳۸۷، صص ۱۳۲) و محدود به عرصه خاصی از زندگی

نیست و آن را در هر بحثی از زندگی، می‌توان بررسی نمود.

شیوه زندگی انسان در لغت، سبک زندگی نامیده می‌شود. این واژه، در اصطلاح، همان شیوه مواجهه با مهم‌ترین وظایف زندگی است. (معین، ۱۳۷۹، ص ۱۸۱۸) مسیر تمدن بشر، به سوی ظهور حضرت، ایده‌آل‌ترین نظام و سبک زندگی است که مقدمه ایجاد مدینه فاضله جهانی و بستر ساز بلوغ و رشد همه انسان‌ها است؛ به همین دلیل، مهدویت جایگاه مهمی در معارف و مباحث دینی داشته و عناوینی چون سبک زندگی مهدوی، ضرورت می‌یابد. (همان، ص ۳۲)

سبک زندگی با رویکرد دینی، اولین بار در کشور ما مطرح شده است که مجموعه‌ای از رفتارهای سازمان یافته و متأثر از باورها و ارزش‌های پذیرفته شده، است. عوامل سازنده در تبیین سبک زندگی عبارت است از: ۱- جهشها؛ ۲- گرایش‌ها؛ ۳- موقعیت زندگی. سبک زندگی، متأثر از این سه عامل بوده و عوامل نیز بر یکدیگر، تأثیر متقابل می‌گذارند.

هویت انسانی که دارای سبک زندگی است در سه لایه تعریف می‌شود:

۱. باورها و اعتقادات لایه زیرین؛

۲. ارزش‌های لایه میانی؛

۳. سبک زندگی که لایه رویین و بیرونی هویت انسانی است؛ به همین دلیل، سبک

زندگی می‌تواند به عنوان یک معیار برای آزمون کیفیت دین‌داری فرد و جامعه،

تلقی شود. (شریفی، ۱۳۹۲، ص ۳۶)

فرمایش امام علی علیه السلام، اشاره به این حقیقت دارد:

«فَبِالْإِيمَانِ يُسْتَدَلُّ عَلَى الصَّالِحَاتِ، وَبِالصَّالِحَاتِ يُسْتَدَلُّ عَلَى الْإِيمَانِ» (جعفری، خ

۱۵۶، ص ۴۵۱)؛ «ایمان را بر اعمال نیک دلیل توان ساخت و از اعمال نیک، ایمان

را توان شناخت.»

میل به هدف‌مندی و داشتن زندگی هدفمند، یکی از گرایش‌های انسان است. انسان در صورتی قادر به متحرک کردن نیروهای خود است که هدف‌های زندگی را بشناسد؛ وگرنه زندگی را خسته کننده و غیر قابل کنترل می‌کند. همچنین انسان برای رسیدن به هدف، تلاش می‌کند؛ لذا همه زندگی، تحت تأثیر رسیدن به آن هدف قرار می‌گیرد و مسیر اهدافی که انسان در زندگی تعریف می‌کند، یک هدف نهایی دارد که آرمان نامیده می‌شود. (کلینی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۴) آرمان، حقیقت

مطلوبی است که اشتیاق رسیدن به آن، محرک انسان بوده و باعث سوق دادن انسان به انجام کارها و انتخاب وسیله‌هایی می‌شود که او را به حقیقت می‌رساند. (جعفری تهریزی، ۱۳۶۲) آرمان، در هر جامعه‌ای، عامل هماهنگی سبک زندگی است و نیرومندترین عامل در تثبیت شخصیت مردم و هدف‌های آنان در سبک زندگی است؛ چون تنها آرمان است که می‌تواند اراده را تحریک کند و تمامی غرایز را سازمان دهد؛ (کلینی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۸) بنابراین سبک زندگی مؤمنانه، بستری هموار برای رسیدن به آرمان بلند مهدویت است. بررسی اصول و مبانی سبک زندگی، مؤید اهمیتی است که دشمن در تخریب و تغییر آن برای نائل شدن به اهداف دنیاگرانه خود دارد. تجلی توحید، باعث ایجاد وحدت میان جنبه‌های مختلف زندگی انسان می‌شود. (اولیایی، ۱۳۹۶، ص ۱۳۵؛ ایزدی، ۱۳۵۷، ص ۱۴۸)

۲.۱. اصول

هرجا سخن از وحدت، یکپارچگی و هماهنگی باشد شناخت مسئولیت، وظایف و مسئولیت‌پذیری، اصلی‌ترین نقش را ایفا می‌کند. اساساً تجلی وحدت و بهره‌مندی از اثرات آن در ظهور منجی و نجات جامعه اسلامی، جز در فضای مسئولیت‌پذیری همه‌جانبه، تحقق نخواهد یافت. ارتباط اصول سبک زندگی مؤمنانه با مسئولیت، از روایات زیادی قابل استنباط است. (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۵، ص ۶۳)

۲.۲. مبانی

اگر سبک زندگی، بر اساس مبنای الگوی مصرف باشد، همه جنبه‌های زندگی بشر، تحت تأثیر عوامل اقتصادی قرار می‌گیرد. در نتیجه آن، منزلت فرد، در بعد اقتصادی و مادی تعریف می‌شود که به مرور منجر به عادات رفتاری از این جنس خواهد شد؛ لذا اوج تلاش دشمن، در کم‌رنگ کردن و حذف اصول از سبک زندگی اسلامی خلاصه می‌شود. طرح دیگر دشمن، برنامه‌ریزی‌های بلندمدت، در تبدیل مبنای انسانی و معنوی به مبنای الگوی مصرف است. با بررسی نقاط قوت سبک زندگی یک مسلمان که در بستر بایدها و نبایدهای دین اسلام شکل گرفته، این نکته قابل بررسی است که در زندگی روزمره او و به تبع آن، یک جامعه اسلامی،

مظاهر فراوانی از باورها در ارزش‌های اخلاقی وجود دارد که در قالب عمل و رفتار فردی و اجتماعی، بروز می‌یابد. در بطن هرکدام از ارزش‌ها، شناخت مسئولیت، پذیرش و اجرای آن، یعنی مسئولیت‌پذیری نهفته است. ارزش‌هایی چون استحکام نهاد خانواده، آگاهی اجتماعی و سیاسی، توجه به حلال و حرام بودن رزق، ظلم‌ستیزی و حمایت از مظلوم، احترام به والدین، همسایه‌داری و ...، وقتی مورد تعریف و تبیین موشکافانه قرار می‌گیرند، چیزی جز احساس وظیفه متقابل و پذیرش مسئولیت‌های متعدد، نسبت به تک‌تک اعضاء خانواده و اجتماع، نخواهد بود. هرکدام از این ارزش‌ها در قالب عمل، تبدیل به وظایف و مسئولیت‌ها می‌شوند که فقط در بستر انجام آنها، ادعای رعایت آن ارزش اخلاقی روا خواهد بود. از آنجا که سبک زندگی مؤمنانه، غایت‌گرا و آرمان‌مدار است، همه این ارزش‌ها و اجرای مسئولیت‌های حاصل از آن، قدم‌های حیاتی در رسیدن به آن غایت و آرمان نهانی دانسته می‌شود.

کارآمدترین ابزار دست دشمن، برای ناکارآمد کردن سبک زندگی مؤمنانه، با هدف تخریب نتایج آن و ایجاد چالش در مسیر تجلی ظهور آرمان مهدویت، تغییر سبک زندگی اسلامی است. دشمن با استخدام هر آنچه در دست دارد تلاش می‌کند که سبک زندگی نامطلوب برای مردم، مطلوب جلوه کند و تمام سرمایه جامعه مسلمانان را با جابجایی ارزش‌ها، تخریب باورها و تزیین حس مسئولیت‌گریزی، نابود کرده و گام‌های پیشرو به سوی اهداف بلندتر را متوقف نماید. برچیده شدن بساط ظلم با ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه راه چاره‌ای برای دشمن باقی نگذاشته است؛ مگر اینکه مؤثرترین راه رسیدن به اهداف خود را در این بدانند که هر آنچه در سبک زندگی مسئولانه جامعه اسلامی، وجود دارد را مخدوش و محو سازند. از آنجا که حصول و تغییر سبک زندگی، تدریجی است؛ (شریفی، ۱۳۹۲، ص ۳۲) از این‌رو هدف دشمن از دیرباز، ویرانی این بنا در بزرگ‌ترین شکل ممکن بود. مهره اصلی در حرکت جامعه مهدوی، به سوی آرمان نهایی، حس مسئولیت است؛ لذا تخریب و حذف شاه‌کلید، هدف اصلی دشمن خواهد بود. دشمن با تزیین باورهای غلط، بی‌تفاوتی، سهل‌انگاری، بی‌مسئولیتی و بی‌ارزش جلوه دادن رفتارهای ارزشی جامعه اسلامی، نهایت تلاش خود را جهت بی‌خاصیت کردن این موتور محرک اعمال نموده و از هیچ‌گونه برنامه‌ریزی و فعالیتی برای تأخیر در امر ظهور، کوتاهی نمی‌کند. مهم‌ترین برنامه‌های دشمن در این جبهه، در سه حیطة عمده قابل بیان است:

۱. تلاش در جهت تغییر باورهای اصلی مردم، یعنی اعتقاد به توحید، معاد، نبوت و امامت؛

۲. تلاش در جهت تغییر ارزش‌ها و ایدئولوژی اسلامی، اعم از ارزش‌های اخلاقی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی؛

۳. تلاش در جهت تغییر سبک زندگی؛ از سبک معماری و موسیقی گرفته تا شیوه گذران اوقات فراغت و مدل شادی و تفریح و پوشش و آرایش حتی دگرگون کردن سلیقه و ذائقه خوراکی با هدف ورود طعام غیر حلال در سفره مسلمانان و بهره بردن از اثرات وضعی مخرب آن. (شریفی، ۱۳۹۲، ص ۵۷)

وقتی میل و ذائقه یک فرد، دگرگون شد متناسب با آن، رفتارش و همچنین ارزش‌ها و باورهایش هم دگرگون خواهد شد. این حقیقت در قرآن تبیین شده است:

﴿مَّمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ آسَأُوا السَّوْأَىٰ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ﴾؛

«سرانجام کسانی که اعمال بد مرتکب شوند (آرام آرام) به جایی رسیدند که آیات

خدا را تکذیب کردند و پیوسته آن را مسخره می‌نمودند.» (روم: ۱۰)

از آنجا که شریان اصلی زمینه‌ساز ظهور حضرت، جاری بودن حس مسئولیت‌پذیری افراد جامعه اسلامی است، نقطه پرگار فعالیت‌های دشمن نیز متمرکز بر تخریب حس مسئولیت و رواج مسئولیت‌گریزی است؛ لذا با تمام قوا، عوامل مؤثر در تقویت مسئولیت‌پذیری همچون ایمان، وجدان، عواطف، خودباوری، امانتداری، ارتقاء بینش و بصیرت را رصد کرده و برنامه‌های همه جانبه‌ای در بی‌ارزش جلوه دادن و حذف آنها از جامعه، طراحی می‌کند. برآیند این تلاش در بستر زمان، سایه سنگین مسئولیت‌گریزی است که حرکت رو به جلو و آرمانی جامعه مسلمان را کند و متوقف خواهد کرد. روند طبیعی در اجرای نقشه دشمن، بررسی عوامل زمینه‌ساز و مؤثر در ایجاد مسئولیت‌گریزی از جمله بی‌ایمانی، بی‌اعتقادی، جبرباوری، تحریف مسئولیت راحت‌طلبی، تن‌آسایی و ... در روح جامعه اسلامی است. (وطن‌دوست، ۱۳۸۸، ص ۸۹ تا ۱۰۵)

بی‌مبالاتی و بی‌مسئولیتی، با رسالت انسانی مغایر است و روح زنده و سازنده اسلام را از جامعه، سلب و چهره زندگی فردی و جمعی را کور می‌کند. نگاه مسئولیت‌گریزانه، غالباً ناشی از نفوذ فرهنگ غرب است. هر جا لذت و خوشی دنیوی حاکم باشد، بار سنگین مسئولیت انسانی

در بستر جامعه بر زمین خواهد ماند و مسلمانان، دچار ناهنجاری‌ها و در نهایت، دور ماندن از آرمان حیات‌بخش مهدویت خواهند شد. (صادقی، صص ۳۱ و ۳۳) احساس مسئولیت در برابر سبک زندگی مؤمنانه، کابوس وحشتناک دشمن در رسیدن به اهداف ظالمانه است. کوتاه کردن دست دشمن از این طریق و ایجاد مانع برای رسیدن به اهدافش، بهترین راه برای ایجاد امنیت و سلامت در جامعه بشری و پیمودن قدم بعدی، یعنی مهیا شدن برای رسیدن به ظهور آرمان جهانی، است. گویا در همه زوایای جامعه اسلامی، مسئولیت‌شناسی و مسئولیت‌پذیری، نقش حیاتی داشته و اجرای آن، رسیدن به گام‌های نهایی که ظهور انسان کامل است را امکان‌پذیر می‌سازد.

۳. فقدان بلوغ عاطفی

نگاه صحیح به دوران غیبت و وظایف منتظران، نشان می‌دهد که «قعود» و «بی‌تفاوتی» در دکنترین مهدویت جایگاهی نداشته و جامعه‌ای می‌تواند پذیرای مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الیه باشد که در آن، لیاقت و قابلیت موج بزند؛ بنابراین منتظر واقعی باید سراسر، تلاش، کوشش و آمادگی باشد. یکی از آمادگی‌ها در زمان غیبت، برخورداری از «بلوغ عاطفی» است. بلوغ عاطفی از این جهت مهم است که انسان را از بی‌تفاوتی و مسئولیت‌گریزی نسبت به حوادث و اتفاقات جهان و رشد و تعالی دیگران، بر حذر داشته و او را بیش از گذشته، جهت مجاهده و فعالیت آماده می‌کند.

۳.۱. چیستی بلوغ عاطفی

انسان مخلوقی با ابعاد متعدد و استعدادهای فراوان است و هر یک از توانایی‌هایش در دوره‌ای پس از دوره‌ای دیگر، آشکار می‌شود. یکی از توانمندیهای انسان از ابتدای زندگی، توان برقراری ارتباط با دیگران است که در هر دوره‌ای، کیفیت این تعاملات با دوره دیگر، متفاوت است. در ابتدای ورود به زندگی و در طفولیت، ارتباطات و تعاملات از روی اضطرار و بدون اختیار است. در دوره نوجوانی، ارتباطات، به شکل اختیاری و با نگاه به برطرف کردن نیازهای خود و از روی وظیفه و تکلیف و با شعاعی اندک و طیفی در حد ضرورت، وجود دارد. در دوره جوانی و با رسیدن به بلوغ عاطفی، روابط و تعاملات کاملاً آگاهانه و فراتر از وظیفه و از روی محبت قلبی

و در جهت گسترش حب الهی در میان اجتماع بروز می‌یابد. این دوره، برای انسان، دوره‌ای خاص بوده که در آن، غیر خود را به‌طور وضوح می‌بیند و می‌تواند به دوستی‌ها و دشمنی‌هایش، به‌عنوان تدبیر و برنامه‌ریزی مشخص و به‌عنوان سیر و سلوک الی الله، فکر کند. در این دوره است که دوستی‌ها، می‌توانند وسیله تقرب الهی قرار گیرند و بهانه‌ای برای تقویت محبت فرد به خدا شوند. سبقت گرفتن در دوست داشتن دیگری در این دوره، از وجوه ممتاز آن است.

«مَنْ اسْتَفَادَ أَخًا فِي اللَّهِ عَلَى إِيمَانٍ بِاللَّهِ وَوَفَاءٍ بِإِخَائِهِ طَلَبًا لِمَرْضَاةِ اللَّهِ فَقَدِ اسْتَفَادَ شُعَاعًا مِنْ نُورِ اللَّهِ وَ أَمَانًا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ وَ حُجَّةً يُفْلِحُ بِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ عَزًّا بَاقِيًا وَ ذِكْرًا نَامِيًّا لِأَنَّ الْمُؤْمِنَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَا مُؤْصِلَ وَ لَا مَفْصُولَ قِيلَ لَهُ عَ مَا مَعْنَى لَا مَفْصُولَ وَ لَا مُؤْصِلَ قَالَ لَا مُؤْصِلَ بِهِ أَنَّهُ هُوَ وَ لَا مَفْصُولَ مِنْهُ أَنَّهُ مِنْ غَيْرِهِ»؛

«هر که در راه خدا و برای ایمان به خدا دوستی یابد و برای خشنودی خداوند در دوستی با او پایداری کند، بی‌تردید پرتویی از نور خدا و پناهی از عذاب خدا و دلیلی که در روز رستاخیز کامیابش سازد و بزرگی پایدار و آوازه‌ای بلند، به دست آورد؛ چراکه مؤمن از خداوند نه جداست و نه پیوسته. پرسیده شد که معنی «نه جداست و نه پیوسته» چیست؟ فرمود: نه پیوسته به خداست که خود خدا باشد و نه جدای از اوست که جز او باشد.» (ابن شعبه حرانی، بیتا، ص ۲۹۵)

پس بلوغ عاطفی، یعنی قدرت مودت و تألیف در سطحی وسیع که انسان را از حصار منیت‌ها بیرون آورده و نه‌تنها می‌تواند به دیگران بیندیشد؛ بلکه می‌تواند آنها را عاقلانه بر خود ترجیح داده و بر اساس منطقی عقلایی، صفات اجتماعی را از خود بروز دهد و با داشتن این توان، مسیر زندگی را به سمت کمال مطلوب، سوق دهد. (اخوت، بی‌تا، ص ۲۴) جهت برخورداری از بلوغ عاطفی، باید به دو مؤلفه اصلی توجه ویژه نمود که در ذیل به آنها اشاره می‌شود.

۳،۱،۱. قوامیت

در نظر داشتن حکومت جهانی و آماده ساختن خود و دیگران برای اقامه چنین حکومتی، نیازمند بلوغ عاطفی است و قوامیت، یکی از محوری‌ترین مؤلفه‌ها در بلوغ عاطفی است. برای کسی که قصد حرکت در راه خدا و نیز تعمیم این حرکت به دیگران را دارد، داشتن قوامیت، ضروری‌ترین نیاز او محسوب می‌شود؛ چون انسان قوام، اهل حرکت در راه خداست و استفاده



از صفت قوامیت در زندگی، موجب می‌شود تا فرد بتواند سایرین را نیز به حرکت و فعالیت در راه خدا وادار سازد.

کلمه «قوام»، صیغه مبالغه و از ریشه «قوم» می‌آید و بر وزن فعال است. اگر از صیغه مبالغه آن را خارج کنیم و از آن اسم فاعل سازیم، به صورت کلمه قائم، یعنی ایستاده ساخته می‌شود و در اصطلاح مسائل اجتماعی، به کسی که کاری را بر عهده می‌گیرد و آن را به درستی انجام می‌دهد، القائم بالامر می‌گویند؛ پس قائم، کسی است که برای مسئولیت و کاری قیام می‌کند و می‌ایستد؛ حال کسی که مسئولیتی را قبول کند و توانایی این را دارد که بازوی دیگری را هم بگیرد و او را در کنار خودش بلند کند و ایستاده نگاه دارد، «قوام» خوانده می‌شود. (راغب اصفهانی، بی‌تا، ذیل واژه قوام)

انسانی که قوام نیست، توانایی ایجاد عطف و محبت بین انسان‌ها را نداشته و از کار و تلاش شانه خالی می‌کند و فعالیت‌های سازنده اجتماعی را رها می‌سازد. چنین فردی در اجتماع، فردی مسئولیت‌گریز شناخته می‌شود؛ چون به دلیل عدم آمادگی و سستی، در ادای حق دیگران، کوتاهی و کندی می‌کند. در واقع با قیامی که در راه خدا صورت می‌گیرد، زمینه هر حرکتی برای عطف و مودت انسان‌ها، با هم فراهم می‌شود و با فقدان آن عطف، انسان‌ها بر اساس استکبار و طاغوت عمل خواهند کرد. بی‌تفاوتی در جامعه، نوعی بیماری اجتماعی است که رشد آن می‌تواند بسیار نگران‌کننده باشد؛ چراکه آثار سوء آن، بی‌تعهدی نسبت به رشد و پیشرفت جامعه و اعتلای فرهنگی، علمی و اقتصادی خواهد بود؛ حال آنکه احساس تعلق فرد به کلیت جامعه و تعهد نسبت به سرنوشت جمعی، عمل مهمی در حفظ انسجام ملی یک کشور به شمار می‌رود. بی‌تفاوتی، یکی از آسیب‌های مهم در روابط انسانی است و از منظر جامعه‌شناسی، به‌عنوان پدیده‌ای آسیب‌شناختی، یاد می‌شود که مانعی مهم در برابر مشارکت سیاسی و اجتماعی و از پیامدهای شهرنشینی در این دوران است.

۳،۱،۲. ناتوانی در «عفو» «صفح» و «غفران»

برای پیدا کردن ظرفیت‌های راهبردی بلوغ عاطفی که تغییر آن به تغییری بزرگ در جهان منجر می‌شود، باید توجه ویژه به نقاط حساس در ارتباطات و تعاملات اجتماعی داشت. یکی از نقاط حساس در حرکت‌های اجتماعی، نمایان شدن عیوب افراد در تعامل با یکدیگر است؛ از همین

رو برخورد حسنه و نیکو در برابر این عیوب، از شاخصه‌های اصلی بلوغ عاطفی است. برخورداری از توانایی «عفو»، «صفح» و «غفران»، شرط پایداری حرکت‌های اجتماعی است. اگر همه در گرفتن حقوق خویش، دقیق و جدی باشند و از کوچک‌ترین لغزش دیگران چشم‌پوشی نکنند، قیام‌های اجتماعی در تنگناهای سختی گرفتار خواهد شد و روح صفا و صمیمیت به کلی رخت بر خواهد بست. آیت‌الله جوادی آملی در تعریف این واژه‌ها می‌گوید:

«عفو، گذشتن از مجازات و مؤاخذة خطاکار است. صفح، صفحه‌خاطرات را ورق‌زدن و صفحه دیگری گشودن است. صفح‌کننده بر اثر بزرگواری و کرامت نفسانی به مسائل دیگری می‌پردازد و اشتباه خطاکار را از یاد می‌برد. عفو، ترک پیگیری و رفع تعقیب را به دنبال دارد؛ اما غباری از عفوشدگان در دل عفوکننده می‌ماند؛ ولی گاهی با تمرین و ممارست می‌تواند بر خود مسلط شود و برخی خاطرات عفوشدگان را نیز از ذهن خود بزدايد که این محو نام دارد.» (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۲۲، ص ۱۶۵)

علامه طباطبایی در تمایز مفهوم عفو با صفح، تصریح می‌کند که در صفح، معنایی بالاتری از عفو، یعنی روی خوش نشان دادن به شخصی که مورد عفو قرار می‌گیرد، وجود دارد. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ق، ج ۱۲، ص ۱۹۰) علامه مصطفوی با بیان مراحل سه‌گانه عفو، صفح و غفر، در مقابله با مخالفت دیگران، معتقد است که عفو به معنای ترک مجازات است و به انصراف قلبی از مخالفت با طرف مقابل، صفح گفته می‌شود و معنای مغفرت، پوشاندن گناه و خطا است. (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۲، ۸۹) شهید مطهری با توضیح بیشتری چنین می‌گوید:

«وقتی کسی کار خطایی می‌کند هم استحقاق معاقبه و مجازات دارد و هم استحقاق ملامت. عفو، گذشت از مجازات است؛ ولی صفح یک درجه بالاتر است. صفح این است که انسان، نه تنها آن مجازات معمول را انجام نمی‌دهد؛ بلکه اصلاً نامش را هم نمی‌برد، به روی طرف هم نمی‌آورد و لهدا اولیاءالله، همیشه مقامی بالاتر از عفو دارند؛ یعنی عفو آنها به صورت صفح است و غفر به معنای پوشاندن است و «پوشاندن» درجه بالاتری است؛ یعنی روی (گناه) را با رحمت پوشاندن. چرا می‌گوییم «مغفرت» الهی؟ به این جهت که انسان، گناهی به درگاه

الهی مرتکب می‌شود که استحقاق مجازات دارد. خداوند متعال او را مجازات نمی‌کند و از او صفح می‌کند و به روی بنده‌اش هم نمی‌آورد و بالاتر اینکه روی آن را هم می‌پوشاند. این «روپوشی»، یکی از این جهت است که نمی‌گذارد دیگران از آن اطلاع پیدا کنند و دیگر اینکه از رحمت و فضل خودش هم چیزی اضافه به او می‌دهد.» (مطهری، بیتا، ص ۱۸۲-۱۸۰)

بنابراین از «مغفرت»، به‌عنوان آخرین مرحله واکنش در برابر خطا و رفتاری که جنبه دشمنی دارد، «فَإِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ»، استفاده می‌شود. این عبارت مبین آن است که «مغفرت»، رنگ خدایی به خود می‌گیرد و شخص هم ممکن است در موارد دیگری نیازمند غفران خطاهایش باشد. (همان)

آنچه در روابط اجتماعی منتظران و مجاهدان ظهور مهم است، داشتن عفو، صفح و غفران به‌صورت توأمان است. وقتی کسی را مورد عفو قرار می‌دهیم؛ یعنی فقط از گناه یا اشتباه او صرف‌نظر کرده و او را می‌بخشیم و دیگر کاری به او نداریم و لطف و محبت خود را از او دریغ می‌کنیم؛ درحالی‌که انسانی که به بلوغ عاطفی رسیده است از ظرفیت صفت غفران الهی، یعنی افاضات و رحمت‌هایی که به دنبال نادیده گرفتن لغزش‌ها و خطاها و عیوب، متوجه انسان می‌شود، استفاده کرده و تا جایی پیش می‌رود که نقایص رفتاری و خلقی او را جبران و آنها را تبدیل به خوبی‌ها و کمالات می‌کند؛ بنابراین اگر عفو و صفح در ارتباطات اجتماعی نباشد، حرکت‌های اجتماعی با شکست روبرو می‌شوند و اگر غفران نباشد، قیام‌های اجتماعی از پیشرفت، بازمانده و متوقف می‌گردند.

نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه گفته شد طولانی شدن غیبت، زمینه آسیب‌ها و چالش‌های فراوانی را برای جامعه منتظران ایجاد کرده است؛ چالش‌هایی که اگر به‌درستی تبیین و چاره‌سازی نشوند، جامعه منتظر را از شدت رخوت، قعود و انفعال، به‌گریز از وظایف و مسئولیت‌ها می‌کشانند. تبیین نادرست از انتظار، یکی از چالش‌های اصلی پیش روی جامعه آرمانی مهدوی است؛ اینکه انتظار، به معنی نشستن و حرکت نکردن به کار رود و تمام اصلاحات را منوط به ظهور

منجی موعود کند؛ درحالی که تعریف درست مقوله انتظار، مانند موتور متحرکه درون انسان است که او را به حرکت و پویایی وا می‌دارد و انگیزه و توان او را چندین برابر می‌کند تا جایی که قبول مسئولیت‌ها و دریافت حکم الهی، یکی از دغدغه‌های اصلی انسان منتظر می‌شود. هر مقصدی که انسان در زندگی فردی و اجتماعی خود دنبال می‌کند، برخاسته از سبک زندگی اوست. تبدیل سبک زندگی مهدوی که سبکی پویا، فعال و مسئولیت‌پذیر است به سبک زندگی غربی که بر پایه فردگرایی و اومانسیسم و لذت‌طلبی بنا شده است، جامعه منتظر را به فردگرایی، بی‌تفاوتی، بی‌تعهدی می‌کشاند و بیکره جامعه را از هم متلاشی و چندپاره خواهد کرد.

چالش بعدی، فقدان بلوغ عاطفی است. انسانی که بلوغ عاطفی را حس و درک نمی‌کند، نه تنها به اصلاح خود نمی‌پردازد؛ بلکه مسئولیتی هم در برابر اصلاح دیگران به نحو جدی نمی‌پذیرد. ورود او در شئون مختلف اجتماعی از سر خودخواهی و برتری‌طلبی است و استعدادها و توانمندی‌هایش در تنگنای منیت‌هایش، هزینه می‌شود. جامعه‌ای که دچار فقدان یا کمبود انسان‌های بالغ و رشید باشد، از انسجام و یکپارچگی کمتری برخوردار بوده و آحاد آن نیز در قیام‌های اجتماعی، کمتر شرکت می‌کنند.



فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین، بی تا.
۲. اخوت، احمد رضا، دوره های رشد تفکر رشد اجتماعی، چاپ سوم، تهران: انتشارات قرآن و اهل بیت، ۱۳۹۵ ش.
۳. جعفری، محمد تقی، نهج البلاغه، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۸۴ ش.
۴. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، قم: اسراء، ۱۳۸۷ ش.
۵. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران: سیروس، ۱۳۳۹ ش.
۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، دمشق، دارالاحیاء التراث العربی، بی تا
۷. سلیمیان، خدامراد، درس نامه مهدویت، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه، ۱۳۸۹ ش.
۸. شریفی، احمد حسین، سبک زندگی اسلامی و ایرانی، چاپ دوم، تهران: آفتاب توسعه، ۱۳۹۲ ش.
۹. شفیعی سروستانی، ابراهیم، انتظار؛ بایدها و نبایدها، چاپ ششم، قم: موعود عصر، ۱۳۸۶ ش.
۱۰. شفیعی سروستانی، ابراهیم، در انتظار موعود عجل الله تعالی فرجه، چاپ اول، قم: مؤسسه فرهنگی موعود، ۱۳۷۶ ش.
۱۱. شفیعی سروستانی، اسماعیل، استراتژی انتظار، تهران: موعود عصر، ۱۳۸۹ ش.
۱۲. شیخ صدوق، ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین، کمال الدین و تمام النعمه
۱۳. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۱۴. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، وفا، ۱۴۵۷ ق.
۱۵. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم: دار الحدیث ۱۳۷۵ ش.
۱۶. مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۸۰ ش.
۱۷. مطهری، مرتضی، آشنایی با قرآن، قم: صدرا، بی تا.
۱۸. مطهری، مرتضی، قیام و انقلاب اسلامی، تهران: صدرا، ۱۳۶۸ ش.
۱۹. معین، محمد، فرهنگ فارسی، چاپ شانزدهم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۹ ش.
۲۰. مهدوی کنی، محمد سعید، دین و سبک زندگی، چاپ دوم، تهران: دانشگاه، امام صادق علیه السلام، ۱۳۷۸ ش.
۲۱. وطن دوست، رضا، مسئولیت پذیری و مسئولیت گریزی، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۸ ش.

بررسی نهی از توقیت در روایات

مدینه امانی^۱

چکیده

آگاهی از زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه آرزوی مشتاقان ظهور است. «توقیت»، به معنای تعیین وقت ظهور، در روایات مورد نهی قرار گرفته و به تکذیب و قاتون نیز امر شده است. در این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به بررسی دلایل نهی از توقیت در روایات پرداخته شده است. تعیین وقت ظهور مانند اصل «غیبت»، از اسرار الهی و علم به آن، در انحصار خداوند است. شباهت‌های بین زمان ظهور با زمان وقوع قیامت مانند: «ناگهانی بودن» و «مخفی بودن»، از دلایل عدم امکان تعیین وقت ظهور از ناحیه بشر است. روایات نهی از تعیین ظهور، بر ندانستن زمان ظهور از ناحیه معصوم علیه السلام دلالت ندارند. ذکر نشانه‌های ظهور در روایات، با روایات نهی تعیین ظهور، منافات نداشته و تحقق آنها تنها بر نزدیک بودن زمان ظهور دلالت می‌کند. وجود آثار منفی مانند «قساوت قلب» و «ایجاد یأس و ناامیدی» در اثر عدم تحقق ظهور در وقت تعیین شده، دلیل دیگری بر نهی تعیین وقت ظهور است. واژگان کلیدی: تعیین وقت، غیبت، وقت ظهور، توقیت، و قاتون.

۱. عضو هیئت علمی مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، دکتری علوم قرآن و حدیث، پژوهشگر جامعه الزهرا Em.amani2468@gmail.com

مقدمه

یکی از دغدغه‌های مشتاقان حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، روشن نبودن زمان ظهور است و اینکه چرا در روایات، از توقیت (تعیین وقت ظهور) نهی شده است و تعیین‌کنندگان وقت ظهور تکذیب شده و حتی به تکذیب آنها (وقاتون) امر گردیده است؟ شیخ کلینی (۳۲۹ ق) در اصول کافی، بابی را به «کراهیه التوقیت» اختصاص داده است و در آن هفت روایت در این خصوص ذکر نموده که مضمون آن روایات، تکذیب و قاتون و مخالفت با آنهاست (ر.ک: کلینی، ۱۳۸۸ ق، ج ۱، ص ۳۰۰ و ۳۰۱). محمد بن ابراهیم نعمانی (۳۶۰ ق) در باب شانزدهم کتاب «الغیبه»، امر تعیین وقت ظهور را باطل اعلام نموده و برای ادعای خود، این روایت را ذکر می‌کند:

«هر کس برای شما تعیین وقتی را از ما روایت کند، هر کس که باشد، از تکذیب او پروا نداشته باشید؛ زیرا ما زمانی را (برای ظهور) تعیین نمی‌کنیم.» (نعمانی، ۱۳۶۲ ش، ص ۳۹۶)

با وجود این، برخی تلاش کرده‌اند که با استفاده از حروف ابجد، به رمزگشایی حروف مقطعه قرآن پرداخته و وقت ظهور را مشخص نمایند. علامه مجلسی (۱۱۱۰ ق) در کتاب «رجعت» بعد از بیان روایت وقت ظهور، می‌نویسد:

«این سخنی است برحسب احتمال در حل این حدیث و تعیین وقت ظهور آن حضرت، به غیر از جناب مقدّس نبوی الهی و محرمان اسرار حضرت رسالت پناهی، کسی نمی‌داند.» (مجلسی، ۱۳۸۶ ش، ص ۷۳)

البته ایشان بعد از بررسی این روایت و روایات نهی از توقیت که در کتاب‌هایی همچون اصول کافی ذکر گردیده، به این نتیجه رسیده است که می‌توان بین احادیث تجمیع نمود؛ بدین صورت که اگر کسی به طور قطع از وقت ظهور خبر دهد، کاذب است و اگر طوری خبر دهد که احتمال بداء و تغییر در آن وجود دارد، جایز است. (همان، ص ۷۴)

شیخ طوسی (۴۶۰ ق) در کتاب «الغیبه»، روایات نهی از توقیت و تکذیب و قاتون را ذکر کرده است. (شیخ طوسی، ص ۴۲۶-۴۲۷) علی اکبر نهانوندی در کتاب «العبقری الحسان فی احوال مولانا صاحب الزمان»، به ذکر و توضیح روایات نهی از تعیین وقت ظهور پرداخته است. (ر.ک: نهانوندی، ۱۳۸۶ ش، ج ۴، ص ۷۶۴-۷۶۹؛ همان، ج ۷، ص ۲۳-۲۷) ایشان در کتاب خود، به نمونه‌هایی از توقیت‌ها که

هرگز محقق نشده و مدعیان آن که از دنیا رفته‌اند، پرداخته است. (ر.ک: همان، ج ۷، ص ۳۶ و ۳۷). با وجود این، برخی با ذکر نشانه‌های ظهور، مدعی‌اند تا زمانی که آن نشانه‌ها تحقق نیابند، ظهور ممکن نخواهد بود و بدین ترتیب، به صورت غیرمستقیم، وقتی را برای ظهور، هرچند نامشخص، ادعا کرده‌اند؛ البته باید دانست در روایات، حوادث و علائم زیادی برای ظهور حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى بیان شده است؛ اما در آن روایات، نه تنها وقت ظهور تعیین نشده، بلکه تعیین‌کننده آن نیز دروغ‌گو شمرده شده است. (علی نوری، ۱۳۷۹، ش، ص ۱۱۴) در واقع تعیین وقت ظهور که در روایات از آن به «توقیت» تعبیر شده، یکی از آسیب‌های اندیشه مهدویت دانسته می‌شود و از این رو، کتب و مقالات متعددی در این باره به رشته تحریر درآمده است. (ر.ک: جعفری، ۱۳۸۷، ش، ص ۴۹) محمد سبحانی نیا در مقاله «تحلیل حدیث‌شناسانه تعیین وقت ظهور»، روایات مورد استناد وقت‌گزاران را در منابع حدیثی شناسایی و به واکاوی و مقصود آنها پرداخته و به این نتیجه رسیده است که در هیچ روایتی، به صراحت، برای ظهور وقتی تعیین نشده است. او همچنین، موارد توقیت‌های اجمالی و تفصیلی را مورد بررسی قرار داده و به نمونه‌هایی از آنها اشاره کرده است. (ر.ک: سبحانی نیا، ۱۳۹۵، ش، ص ۱۰۱) در تعدادی از مقالات، این موضوع، از جهت تاریخی مورد بررسی قرار گرفته (ر.ک: احمد رنجبری، ۱۳۹۲، ش، ص ۵۶-۲۲) و در برخی دیگر، به حکم تعیین وقت ظهور پرداخته شده است. (ر.ک: ولی زاده، ۱۳۹۱، ش، ص ۹۰-۶۷). در این پژوهش، سعی بر آن است تا به «روایات نهی از تعیین وقت»، «عدم امکان تعیین وقت ظهور»، «دلایل عدم امکان تعیین وقت ظهور»، «علل مخفی بودن زمان ظهور»، «آثار منفی تعیین وقت ظهور»، «عدم منافات ذکر نشانه‌های ظهور با روایات نهی از تعیین وقت» و «انگیزه‌های تعیین وقت ظهور» پرداخته شود.

۱. مفهوم‌شناسی

پیش از ورود به مباحث اصلی پژوهش، نخست به تعریف واژه‌های کلیدی و مهم تحقیق پرداخته می‌شود تا مراد دقیق آنها به دست آمده و ابهامی در آنها باقی نماند.

۱.۱. ظهور

«ظهور» در لغت به معنای آشکار شدن امر یا چیز پنهانی است. همچنین به معنای غلبه

و پیروزی نیز آمده است؛ (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۳۷؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۴۶۴) به عنوان مثال، وقتی گفته می‌شود: «أظهر الله المسلمين على الكافرين»؛ یعنی خداوند، مسلمانان را بر کافران برتری داده و مسلط نموده است. (ازهری، ۱۴۲۱، ج ۶، ص ۱۳۸) ابوهلال عسکری (۳۹۵ ق) در تفاوت «الظهور» و «البدؤ» (آشکار شدن) آورده است:

«(ظهور)، آشکار شدن همراه با قصد یا بدون قصد است. در آیه شریفه «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ»، ظهور به معنای حدوث و ایجاد است که با قصد یا بدون قصد ایجاد می‌شود؛ اما «البدؤ»، آشکار شدن بدون قصد است؛ مانند اینکه گفته می‌شود: «بدا البرق»، «بدا الصبح» یا «بَدَتِ الشَّمْسُ» که آشکار شدن برق، صبح و خورشید، پدیده‌های طبیعی و بدون قصد است.» (عسکری، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۲۸۱)

مراد از «ظهور» در اصطلاح مهدویت، ظاهر شدن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف پس از دوران غیبت کبرا و غلبه بردشمنان دین است.

۱.۲. توقیت

«توقیت»، مصدر باب تفعیل از «وقت»، به معنای بیان زمان (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۱۰۸) و تعیین کردن وقت مشخص برای چیزی است. (حمیری، ۱۴۲۰، ج ۱۱، ص ۷۲۶) این واژه مانند «میقات»، به معنی تعیین نمودن زمان به کار می‌رود. (فیروزآبادی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۱۶) کلمه «أقنت» در آیه شریفه «وَإِذَا الرُّسُلُ أُقِنَّتْ» (مرسلات: ۱۱)، فعل ماضی مجهول از مصدر «تأقیت» است که به معنای توقیت و تعیین وقت آمده است. دو معنا از این آیه قابل بیان است: یا منظور از آن، روزی است که زمان حضور انبیا برای شهادت علیه امت‌ها معین می‌شود یا منظور آیه، فرارسیدن زمانی است که رسولان علیه امت‌ها شهادت می‌دهند و ما منتظر رسیدن آن زمان هستیم. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۲۴۰) این کلمه در اصطلاح مهدوی، به معنای تعیین کردن زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف است که در روایات از آن نهی شده است. «توقیت»، یکی از آسیب‌های مهدویت شمرده شده است که انگیزه‌هایی مانند جهل، کوتاه‌نظری، طمع، سودجویی و شتاب‌زدگی را برای آن ذکر کرده‌اند. (رک: سبحانی‌نیا، ۱۳۹۵، ش، ص ۱۰۰ و ۱۰۱).

۱,۳. وقّاتون

«وقّات»، بروزن فعّال، صیغه مبالغه از «وقت» و به معنای کسی است که زمان را تعیین می‌کند. در بعضی روایات، این واژه به صورت جمع «وقّاتون» به کار رفته است. در اصطلاح مهدویت، وقّاتون، به افرادی اطلاق می‌شود که زمان ظهور حضرت عجل الله تعالی فرجه الیه را تعیین می‌کنند. از منظر روایات، چنین افرادی، دروغ‌گو به حساب می‌آیند و دستور تکذیب آنها داده شده است. (ر.ک: کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۰۰)

۲. روایات نهی از تعیین وقت ظهور

روایات نهی از تعیین وقت ظهور، به اندازه‌ای است که از نظر تاریخی قابل اثبات بوده و بر صحیح نبودن تعیین وقت ظهور دلالت می‌کند. در ادامه به چند نمونه از این روایات اشاره می‌شود:

(الف) عبدالرحمن بن کثیر می‌گوید: «كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عجل الله تعالی فرجه الیه إِذْ دَخَلَ عَلَيْهِ مِهْزَمٌ فَقَالَ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَخْبِرْنِي عَنْ هَذَا الْأَمْرِ الَّذِي نَنْتَظِرُ مَتَى هُوَ فَقَالَ يَا مِهْزَمُ كَذَبَ الْوَقَّاتُونَ وَ هَلَكَ الْمُسْتَعْجِلُونَ وَ نَجَا الْمُسْلِمُونَ»؛ نزد امام صادق عجل الله تعالی فرجه الیه بودم که مهزم وارد شد و درباره امری که منتظرش هستیم سؤال نمود که چه زمانی است؟ حضرت فرمود: «وقت تعیین‌کنندگان برای ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه دروغ می‌گویند و شتاب‌کنندگان در آن، به هلاکت می‌رسند و تنها تسلیم‌شوندگان به امر خدا، نجات می‌یابند.» (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۰۰)

(ب) ابوبصیر گوید: از امام صادق عجل الله تعالی فرجه الیه درباره امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه پرسیدم، فرمود: «كَذَبَ الْوَقَّاتُونَ إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ لَا نُوقِّتُ»؛ تعیین‌کنندگان وقت، دروغ می‌گویند. ما اهل بیت عجل الله تعالی فرجه الیه وقتی را معین نمی‌کنیم. (همان؛ نعمانی، ۱۳۶۲، ش، ص ۲۹۳)

(ج) امام صادق عجل الله تعالی فرجه الیه در روایت دیگری فرمودند: «كَذَبَ الْمُوقَّتُونَ، مَا وَقَّتْنَا فِيمَا مَضَى وَ لَا نُوقِّتُ فِيمَا يَسْتَقْبِلُ»؛ آن‌که برای آن (ظهور حضرت)، وقتی تعیین کند، دروغ گفته است. ما در گذشته وقتی تعیین نکرده‌ایم و در آینده نیز هرگز وقتی برای آن تعیین نخواهیم کرد. (طوسی، ۱۴۱۱، ق، ص ۴۲۶)

(د) امام باقر عجل الله تعالی فرجه الیه خطاب به محمد بن مسلم فرمود: «يَا مُحَمَّدُ، مَنْ أَخْبَرَكَ عَنَّا تَوْقِيئًا فَلَا تَهَابَنَّ أَنْ تُكَذِّبَهُ، فَإِنَّا لَا نُوقِّتُ لِأَحَدٍ وَقْتًا»؛ ای محمد، هرکس از جانب ما به تو خبر دهد که ما وقتی برای ظهور تعیین کرده‌ایم، بی‌مهابا و ترس، او را تکذیب کن؛ زیرا ما برای هیچ‌کس (حتی خواص) وقتی

تعیین نمی‌کنیم. (نعمانی، ۱۳۶۲، ش، ص ۲۸۹)

از این روایت استفاده می‌شود که ابهت و بزرگی افراد، نباید مانع تکذیب آنان باشد. اگر هر کسی، با هر مقام و جایگاهی، وقتی برای ظهور معین کند، باید تکذیب شود. (جعفری، ۱۳۸۷، ش، ص ۵۳) همان‌طور که مشاهده شد، در روایات ذکر شده، نه تنها از تعیین وقت صحبتی به میان نیامده است؛ بلکه تعیین‌کنندگان وقت ظهور، دروغ‌گو نیز دانسته شده‌اند. نکته قابل توجه آنکه در این روایات، نه تنها بر عدم تعیین وقت، بلکه بر ندانستن زمان ظهور، تأکید شده است. آیت‌الله جوادی آملی در این خصوص می‌فرماید:

«عدم تعیین وقت ظهور و تأکید بر استتار آن، هرگز به معنای لزوم عدم اطلاع انسان کامل از زمان ظهور نیست؛ بلکه انسان کامل که به اذن الهی بر تمام عوالم امکانی احاطه دارد، از نتایج علم ازلی و صحنه علم بدائی مطلع است و زمان ظهور نیز از این جمله، مستثنا نیست؛ اما مصلحت نامشخص بودن وقت ظهور برای جامعه بشری، اقتضای کتمان این راز را می‌کرده است؛ همان‌طور که امام صادق علیه السلام به ابابصیر نفرمود که ما از وقت آگاه نیستیم، بلکه فرمود: ما وقتی را معین نمی‌کنیم.»

(جوادی آملی، ۱۳۸۹، ش، ص ۲۳۴)

بنابراین روایات نهی از تعیین ظهور، دلالتی بر ندانستن زمان ظهور از ناحیه معصوم علیه السلام ندارند.

۳. عدم امکان تعیین وقت ظهور

با توجه به روایات نهی از توقیت، این سؤال به ذهن می‌رسد که آیا اساساً امکان تعیین وقت ظهور وجود دارد؟ و در صورت امکان، چرا از آن نهی شده است؟ از مضمون روایات نهی از تعیین وقت، چنین استنباط می‌شود که گویا امکان تعیین وقت ظهور وجود دارد؛ از همین رو برخی درصدد تعیین وقت ظهور برآمدند. مؤلف کتاب «العبقری الحسان»، تعدادی از تلاش‌ها در تعیین وقت را در کتاب خود ذکر کرده است. (ر.ک: نهاوندی، ۱۳۸۶، ش، ص ۴۲-۵۲) همچنین در برخی روایات، به معین بودن وقت ظهور، تصریح شده است که بنا به دلایلی، زمان ظهور تغییر کرده است؛ مانند روایتی که عمار صیرفی از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که حضرت فرمود:

«قد كان لهذا الأمر وقتٌ و كان في سنة أربعين و مائة، فحدثتم به و أذعنتموه، فأخّره الله

عزّوجل؛ زمان این امر (ظهور) مشخص بود و بنا بود در سال ۱۴۰ (هجری قمری) باشد؛ اما شما آن را نقل کرده و در میان مردم انتشار دادید و در نتیجه، خداوند هم آن را به تأخیر انداخت.» (نعمانی، ۱۳۶۲ ش، ص ۱۵۵)

در روایت دیگری، ابو حمزه ثمالی از امام باقر علیه السلام چنین نقل می‌کند:

«یا ثابت إنّ الله کان قد وقّت هذا الأمر فی سنة سبعین. فلما قتل الحسین علیه السلام اشتدّ غضب الله فأخّره إلى أربعین و مائة. فلما حدّثناکم بذلك أذعتم و کشفتم قناع السّتر، فلم يجعل الله لهذا الأمر بعد ذلك عندنا وقتا، یحو الله ما یشاء و یثبت و عنده أمّ الکتاب»؛ «ای ثابت! خداوند این امر را در سال ۷۰ (هجری قمری) قرار داده بود؛ اما وقتی حسین بن علی علیه السلام به شهادت رسید، غضب الهی شدت گرفت و آن را به سال ۱۴۰ (هجری قمری) موکول ساخت؛ ولی هنگامی که ما با شما در این باره سخن گفتیم، آن را پراکنده کردید و پرده را کنار زدید؛ در نتیجه پس از آن، خداوند برای این امر در نزد ما، وقتی را تعیین نکرده است. خداوند آنچه را بخواهد محو یا اثبات می‌کند و اصل کتاب نزد اوست.» (نعمانی، ۱۳۶۲ ش، ص ۱۵۷)

لازم به ذکر است که این روایت، از نظر آیت الله صافی گلپایگانی، ضعیف‌السند و نامعتبر دانسته شده است. (ر.ک: صافی گلپایگانی، ۱۳۸۵ ش، ص ۲۲۴)

۴. دلایل عدم امکان تعیین وقت ظهور

با تأمل در فلسفه غیبت و روایات صادر شده از معصومان علیهم السلام، می‌توان گفت اساساً امکان تعیین وقت ظهور برای بشر وجود ندارد. برای اثبات این ادعا، به ذکر دو دلیل اشاره می‌شود.

۴٫۱. شباهت ظهور با قیامت

در بعضی روایات، ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الیک به قیامت تشبیه شده است؛ مانند روایتی که شیخ صدوق در «کمال‌الدین» ذکر کرده است:

«مَثَلُهُ مَثَلُ السَّاعَةِ الَّتِي لَا يُحْلِمُهَا لَوْ قَتَمَهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ لَا يَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً»؛ یعنی ظهور او مانند قیامت است. تنها خداوند است که چون زمانش

فرارسد، آشکارش می‌سازد. فرا رسیدن آن بر آسمانیان و زمینیان پوشیده است و

جز به ناگهان بر شما نیاید. (شیخ صدوق، ۱۳۹۵، ق، ۲، ج، ۲، ص ۴۸۳)

به اعتقاد علامه طباطبایی، روز ظهور مهدی عجله الله تعالی فرجه الشریف و روز رجعت و روز قیامت، مراتب مختلف یک حقیقت هستند. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ق، ۲، ص ۱۶۳) واقعیت این است که با توجه به آیات قرآن و شباهتی که بین زمان ظهور و زمان قیامت وجود دارد، باید گفت اساساً امکان تعیین وقت برای بشر وجود ندارد و علم آن در انحصار خداوند است. جهت تکمیل بحث، لازم است وجوه شباهت ظهور با قیامت مورد بررسی قرار گرفته تا دلیل عدم امکان تعیین وقت ظهور از ناحیه بشر، تبیین شود. از وجوه شباهت زمان ظهور و زمان قیامت، می‌توان به «ناگهانی بودن، مخفی بودن، حتمی بودن و ذکر اوصاف و نشانه‌ها» اشاره کرد که می‌توان عدم امکان تعیین وقت ظهور را از آنها برداشت نمود. در ادامه، به اختصار، وجوه شباهت زمان ظهور و قیامت، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف) ناگهانی بودن

در آیاتی از قرآن کریم، با تعبیری مانند «بغته» به ناگهانی بودن قیامت تصریح شده است. از آیه شریفه «لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً» (اعراف: ۱۸۷)، وقوع ناگهانی قیامت استفاده می‌شود؛ چون «بغته» و «فجاء» به معنای پدید آمدن چیزی به طور ناگهانی، بدون اینکه قبل از پدید آمدن معلوم باشد، است. قیامت، به خاطر همان سنگینی و عظمتش، به طور ناگهانی پدید می‌آید؛ چون قبل از وقوع آن، هیچ وصف و علامتی نشان داده نمی‌شود و این طور نیست که ابتدا مقداری از آن ظاهر شود و سپس همه آن اتفاق افتد؛ از این رو، وقوع آن برای تمامی اشیاء، به طور ناگهانی خواهد بود. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ش، ۸، ج، ۸، ص ۴۸۳) وجه مشابهت ظهور مهدی عجله الله تعالی فرجه الشریف با قیامت نیز در ناگهانی بودن آن است که با تعیین وقت سازگاری ندارد.

ب) مخفی بودن

به نص صریح قرآن، علم به زمان وقوع قیامت، مختص به خدای تعالی است و کسی جز خدا، از آن اطلاعی ندارد. از ظهور مهدی عجله الله تعالی فرجه الشریف نیز هیچکس اطلاعی ندارد. ذیل آیه شریفه «أَكَادُ أَخْفِيهَا» (طه: ۱۵) از ابن عباس نقل شده است که جمله را به صورت «أَكَادُ أَخْفِيهَا عَنْ نَفْسِي» قرائت نمود که در این صورت، معنای آیه چنین می‌شود: «نزدیک است که وقت قیامت را از خودم هم پنهان بدارم»؛ این تعبیر، کنایه از شدت کتمان و مبالغه در آن است. (رک: طباطبایی، ۱۳۷۴، ش، ۱۴، ج، ۱۴،

ص ۱۹۶-۲۲) لازمه ناگهانی بودن، مخفی بودن آن از همگان است؛ همان طور که در آیه ﴿لَا يُخْلِيهَا لُوقْتِهَا إِلَّا هُوَ﴾ (اعراف: ۱۸۷) به آن تصریح شده که قیامت را فقط خداوند آشکار می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ج ۸، ص ۴۸۲) در آیه شریفه ﴿إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ مِّنْ يَّحْشَاهَا﴾ (نازعات: ۴۵)، شأن رسول خدا ﷺ و مسئولیت او به انداز منحصر گردیده است که بیانگر آن است حتی پیامبر ﷺ نیز نمی‌تواند از زمان وقوع قیامت، خبر دهد. در واقع روز قیامت، توقیت بردار نیست، نه اینکه تعیین وقت آن ممکن باشد و خدای تعالی، وقتش را معین نکرده باشد. (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ج ۲۰، ص ۳۱۸) در برخی روایات، آیه شریفه ﴿أَنَّىٰ أَمُرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ﴾ (نحل: ۱)، به ظهور مهدی عَلَيْهِ السَّلَام تفسیر شده است؛ (بحرانی، ۱۴۱۶ ق، ج ۳، ص ۴۰۴) بنابراین ظهور حضرت، از امور الهی و ناگهانی است و لازمه این ناگهانی، مخفی بودن آن از همگان است؛ از این رو، فقط خداوند از آن آگاهی دارد. در روایت مفضل بن عمر از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام، از امام سؤال شد:

« هَلْ لِلْمَأْمُورِ الْمُنْتَظَرِ الْمُهْدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَام مِنْ وَقْتٍ مُّوَقَّتٍ يَعْلَمُهُ النَّاسُ؟ أَيَا ظَهْرٍ حَضْرَتِ مَهْدِي عَلَيْهِ السَّلَام وَقْتٍ مَعِينِي دَارِدُ كَمَا رَأَى بَدَانَتَهُ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَام: حَاشَ لِلَّهِ أَنْ يُوَقَّتَ ظُهُورُهُ بِوَقْتٍ يَعْلَمُهُ شَيْعَتُنَا... فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَام: يَا مَفْضَلُ لَا أُوَقِّتُ لَهُ وَقْتًا وَلَا يُوَقِّتُ لَهُ وَقْتٌ إِنَّ مَنْ وَقَّتَ لِمُهْدِيَّتِنَا وَقْتًا فَقَدْ شَارَكَ اللَّهَ تَعَالَىٰ فِي عِلْمِهِ وَادَّعَىٰ أَنَّهُ ظَهَرَ عَلَيَّ سِرِّهِ...؛ امام عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند: این چنین نیست که خداوند برای آن وقتی تعیین کرده باشد که شیعیان ما آن را بدانند. ای مفضل، برای آن وقتی تعیین نمی‌کنم. وقتی هم نمی‌شود برای آن معین کرد. آنکه برای ظهور ما وقتی تعیین کند، خود را در علم خداوند شریک دانسته و مدعی شده که از اسرار خداوند آگاه گشته است...» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۵۳، ص ۲، باب ۲۸)

بنابراین ظهور مهدی عَلَيْهِ السَّلَام مانند قیامت، ناگهانی و مخفی است و امکان تعیین وقت برای آن، از ناحیه بشر، وجود ندارد. هر چند روایات و نکات فوق به خوبی، عدم امکان تعیین وقت ظهور را اثبات می‌کنند؛ اما برای مخفی بودن زمان ظهور، علت‌های دیگری نیز ذکر شده است که می‌تواند مؤید و متمم روایات ذکر شده در علت نهی از توقیت باشد. در حقیقت باید دانست علت مخفی بودن زمان ظهور، به علت و فلسفه غیبت بازمی‌گردد. در روایات، «غیبت» حضرت عَلَيْهِ السَّلَام حجت عَلَيْهِ السَّلَام، سَرِّی از اسرار الهی معرفی شده که خداوند قادر متعال، آن را از روی حکمت، برای مردم تقدیر

کرده است. در واقع زمان ظهور، مانند زمان قیامت، از اسرار الهی است و در ظرف علم و سرّ الهی قرار داده شده است. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است:

«یا بن الفضل! إنّ هذا الامر أمر من أمر الله تعالى و سرّ من سرّ الله و غیب من غیب الله و متی علمنا أنّه حکیم صدّقنا بأنّ أفعاله كلّها حکمة و إنّ کان وجهها غیر منکشف لنا؛ ای پسر فضل! این امری است از امر خدا و سرّی است از اسرار خدا و غیبی است از غیب خدا. وقتی می دانیم خداوند حکیم است تصدیق خواهیم کرد که همه افعال او حکیمانه است؛ هر چند علت آن بر ما پوشیده باشد.» (علامه مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲، ص ۹۱؛ شیخ صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۱۵۸)

همچنین در توقیعی که از ناحیه مقدسه حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه، در پاسخ به پرسش های اسحاق بن یعقوب صادر شده، چنین آمده است:

«و أمّا ظهور الفرج فإِنَّه إلى الله، تعالی ذکره، و کذب الوقّاتون؛ و اما آشکار شدن فرج، به اراده خداوند است و آنان که (برای ظهور) وقت تعیین می کنند، دروغ می گویند.» (شیخ صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۶۸)

در حقیقت ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه و تحقق وعده های خداوند به مؤمنان در پرتو حکومت آن حضرت، به نوعی ظهور رحمت حق، در جهان هستی است و چون همیشه ظهور رحمت حق، غیرمنتظره است، (طاهرزاده، ۱۳۸۹، ش، ص ۹۵) زمان ظهور نیز غیرمنتظره و غیرقابل تعیین است. علاوه بر دلیل فوق، دلایل دیگری نیز برای مخفی بودن زمان ظهور ذکر شده است که اهم آن چنین است:

الف) تعیین وقت و عدد، از امور پرمخاطره ای است که اگر کوچک ترین تغییری در آن پیدا شود، اعتماد طرف مقابل، به کلی سلب و تعیین کننده از اعتبار ساقط شده و سبب برگشت دل ها از او می شود. در تعیین وقت ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه، مسئله بسیار حسّاس و مهم خواهد بود؛ چرا که اگر به عنوان مثال، ۱۲۰۰ سال پیش، برای نگاه داشتن مردم در آستان ایمان، گفته می شد که قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه، ۵۰ یا ۱۰۰ سال بعد ظهور می کند و پس از انتظار بی صبرانه و گذر سال ها، خبرها و نویدها به وقوع نمی پیوست، دیگر از اسلام نشانی نمی ماند. همچنین، اگر مدّت واقعی، طولانی گفته می شد، باز یأس، اکثریت قریب به اتفاق مردم را فرا می گرفت و از دین برگشته و از ایمان دست برمی داشتند و به سراغ آن نمی رفتند؛ (امینی گلستانی، ۱۳۸۵، ش، ج ۱، ص ۲۶۷) بنابراین

بهترین راه، در حال انتظار و امیدوار نگاه داشتن مردم است. علاوه بر آن، معین نبودن وقت ظهور، اجازه نمی‌دهد که «انتظار فرج»، به‌عنوان ارزشمندترین سرمایه اعتقادی شیعه در عصر غیبت، بازیچه دست جاهلان یا شهرت‌طلبان گردد. (ر.ک: شفیعی سروستانی، ۱۳۸۷ ش، ص ۲۲۶)

ب) یکی از حکمت‌ها و اسرار غیبت و پنهان‌زیستی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، امتحان و آزمایش انسان‌ها است. حفظ ایمان در دوره غیبت، بسیار دشوار بوده و این امر، موجب آماده شدن طبع افراد جهان و جامعه، برای ظهور باشکوه حضرت خواهد شد و مؤمنان ثابت‌قدم، از بقیه افراد تمییز داده خواهند شد. (ر.ک: صافی گلپایگانی، ۱۳۸۵ ش، ص ۲۱۱) در این باره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «... کسانی که در دوره غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، بر اعتقاد به او استوار هستند،

از کبریت احمر نایاب‌ترند.» (شیخ حرّ عاملی، ج ۳، ص ۴۶۱، حدیث ۱۰۷)

ج) در صورت معین بودن ظهور، دشمنان حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف، در صدد تدارک برآمده و با حضرت، در همان زمان ظهور، به مقابله برخوانند خواست؛ لذا در روایات اسلامی، از عنصر «ناگهانی بودن ظهور»، به‌عنوان عنصر اساسی در پیروزی حضرت یاد شده است.

د) حالت انقطاع، توجه و تضرّع خاصی که به خاطر دوری از امام معصوم عجل الله تعالی فرجه الشریف بر انسان‌ها حاکم خواهد شد، دلیل دیگری بر عدم تعیین وقت و ناگهانی بودن ظهور دانسته می‌شود؛ چه بسا این امر، سبب تعجیل در فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌شود. (ر.ک: رضوانی، ۱۳۸۸ ش، ص ۵۵۰)

ه) جلوگیری از هرگونه سوءاستفاده، از جمله علل عدم تعیین وقت از جانب ائمه اطهار عجل الله تعالی فرجه الشریف است. در واقع این به معنای امکان وقت خاص و معین برای ظهور است؛ اما ائمه اطهار عجل الله تعالی فرجه الشریف آن را جهت جلوگیری از سوءاستفاده‌ها، بیان نفرمودند؛ بنابراین اگر در روایتی، وقت ظهور تعیین شده باشد، باید توجیه و تأویل نمود و الاً باید مسکوت یا تکذیب شود. (ر.ک: امینی، ابراهیم، ۱۳۸۰ ش، ص ۲۱۸)

و) زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به اراده الهی و فراهم شدن زمینه‌های آن بستگی دارد؛ بنابراین ممکن است ظهور حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف به طول انجامد؛ از این رو وقت آن معین نشده تا مردم مأیوس نشوند و با احتمال ظهور حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف در هر لحظه، حالت انتظار مثبت را از دست ندهند. (ر.ک: رضوانی، ۱۳۸۸ ش، ص ۵۵۰)

ز) از منظر روایات، «انتظار فرج»، افضل اعمال در دوران غیبت شمرده شده است؛ بنابراین بدیهی است با مشخص بودن زمان ظهور، انتظار بی‌معنا خواهد بود و اگر مردم بدانند که ظهور

حضرت، سال‌ها بعد از حیاتشان محقق خواهد شد، بی‌شک انگیزه و شوقی برای درخواست ظهور نخواهند داشت و لذا به وضع موجود و غیبت حضرت، راضی شده و برای فراهم کردن مقدمات ظهور، تلاش خواهند کرد.

نکته حائز اهمیت آنکه، هرچند ظهور در عدم تعیین وقت و ناگهانی بودن مانند روز قیامت است؛ اما در جهاتی با آن تفاوت دارد؛ مانند اینکه ساعت قیامت نزد خداوند کاملاً مشخص است و هیچ رویداد و پدیده‌ای آن را تغییر نمی‌دهد. ساعت قیامت از روز ازل معین شده است و با آمدن آن ساعت، قیامت برپا خواهد شد؛ اما وقت ظهور ثابت نیست. وقت ظهور، متأثر از پدیده‌های محیط اطراف است؛ از این رو وقتی سفارش می‌شود که برای تعجیل ظهور دعا کنیم، خود حکایت از متغیر بودن وقت ظهور دارد. اگر وقت ظهور ثابت بود و تغییر در آن امکان نداشت، دعا برای تعجیل آن بی‌معنا بود؛ همچنان که دعا برای تعجیل ساعت قیامت بی‌معنا است. (رک: نودهی، ۱۳۸۵ ش، ص ۲۲) برخلاف قیامت، وقت ظهور بستگی به عوامل و زمینه‌های ظهور دارد. تعجیل و تأخیر در تحقق مقدمات ظهور، باعث تعجیل و تأخیر در وقت ظهور می‌شود.

۴،۲. آثار منفی تعیین وقت ظهور

از دیگر دلایل نهدی تعیین وقت ظهور، وجود آثار منفی آن است که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود.

الف) در روایتی از امام جواد علیه السلام آمده است:

«لَوْ عَيَّنَ لِهَذَا الْأَمْرِ وَقْتُ لَقَسَّتِ الْقُلُوبُ وَ لَرَجَعَ عَامَّةُ النَّاسِ عَنِ الْإِسْلَامِ وَ لَكِنْ قَالُوا:

ما اسرعه! ما اقربه! تَأَلَّفُوا لِقُلُوبِ النَّاسِ وَ تَقَرَّبُوا لِلْفَرَجِ؛ اگر برای این امر وقتی تعیین

شود، دل‌ها را قساوت می‌گیرد و توده مردم، از اسلام برمی‌گردند. بگوئید: چه زود

است! چقدر نزدیک است! تا دل مردم آرام گیرد و فرج نزدیک شود.» (کلینی، ۱۳۸۸

ق، ج ۱، ص ۳۰۱)

بدیهی است در اثر محقق نشدن ظهور در زمان تعیین شده، مردم از دین‌گریزان می‌شوند و در اثر ارتکاب گناهان، به قساوت قلب مبتلا خواهند شد؛ همان‌طور که در روایت به آن اشاره شده است. ب) به واسطه عدم تحقق ظهور در وقت تعیین شده، مردم، دچار یأس و ناامیدی می‌شوند و

نسبت به اصل ظهور، بدبین خواهند گردید و بدین ترتیب، اعتقاد خود نسبت به اصل اندیشه مهدویت و ظهور منجی را از دست خواهند داد.

ج) در اثر عدم تحقق ظهور، مردم نسبت به شخصیت امام دچار انحراف خواهند شد. در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده است که علت گوساله پرست شدن قوم موسی و برگشتن آنها از دین، تعیین وقتی بود که حضرت موسی برای میقات خود بیان کرد:

«عَنِ الْفُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: قُلْتُ هَذَا الْأَمْرُ وَقْتُتُ فَقَالَ كَذَبَ الْوَقَاتُونَ كَذَبَ الْوَقَاتُونَ كَذَبَ الْوَقَاتُونَ كَذَبَ الْوَقَاتُونَ إِنَّ مُوسَى علیه السلام لَمَّا خَرَجَ وَافِدًا إِلَى رَبِّهِ وَعَادَهُمْ ثَلَاثِينَ يَوْمًا فَلَمَّا زَادَهُ اللَّهُ عَلَى الثَّلَاثِينَ عَشْرًا قَالَ قَوْمُهُ قَدْ أَخْلَفْنَا مُوسَى فَصَنَعُوا مَا صَنَعُوا؛ فضیل بن یسار می گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: برای این امر وقتی هست؟ فرمود وقت گزاران دروغ گویند؛ وقت گزاران دروغ گویند؛ وقت گزاران دروغ گویند. همانا موسی علیه السلام چون (در طور سینا) به پروردگار خود برای پیغام بردن وارد شد، قومش را وعده سی روز داد و چون خدا ده روز بر سی روز افزود، قومش گفتند: موسی با ما خلف وعده کرد و کردند آنچه کردند؛ یعنی گوساله پرست شدند.» (کلینی، ۱۳۸۸ ق، ج ۱، ص ۳۰۱)

و) معلوم بودن زمان ظهور، اصلی ترین عامل شکست انقلاب جهانی خواهد بود؛ زیرا کافی است دشمنان، زمان ظهور امام عَلَيْهِ السَّلَام را بدانند که در آن صورت، بر کشتن او گرد آمده و در همان آغاز، نهضت او را متوقف خواهند ساخت. (الصدر، ۱۳۸۴ ش، ص ۵۶)

۵. عدم منافات نشانه های ظهور با نفی تعیین ظهور

هرچند در روایات، از تعیین وقت ظهور نهی شده است؛ اما نشانه هایی همچون خروج سفیانی، صیحه آسمانی و... برای ظهور ذکر شده است. با وجود آثار منفی تعیین وقت ظهور، این پرسش مطرح می شود که آیا ذکر نشانه های ظهور در روایات، با روایات نفی تعیین ظهور، منافات ندارند؟ زیرا به هنگام تحقق شرایط و نشانه های ظهور، روز موعود پدید می آید و این به نوعی، تعیین وقت دانسته می شود. در پاسخ باید گفت توقیتی که در روایات نهی شده، تعیین وقت با تاریخ مشخص سال، ماه و روز است؛ در حالی که تحقق نشانه های ظهوری که در روایات ذکر شده، نزدیک بودن

زمان ظهور را اعلام می‌کنند. در واقع اگر این نشانه‌ها، وقوع یابد، دلالت بر نزدیکی ظهور می‌کنند و هرگز به معنی توقیت نهی شده در روایات نیست؛ بلکه نوعی توقیت اجمالی به شمار می‌رود؛ در نتیجه، عدم آگاهی از زمان وقوع این نشانه‌ها، به‌طور طبیعی، مستلزم نامعلوم بودن زمان ظهور و عدم تعیین وقت برای آن است؛ یعنی همان چیزی که روایات از آن نهی کرده‌اند. البته این نشانه‌ها، نهایتاً بر نزدیک بودن روز موعود دلالت دارند و گرنه تعیین دقیق زمان ظهور، سرّی در علم خدای سبحان تا هنگام ظهور است. (صدر، ۱۳۸۴ ش، ص ۵۹ و ۶۰)

نکته دیگر آنکه علائم ظهور، سبب یا عامل تعجیل ظهور نیستند؛ بلکه فقط نشانه به حساب می‌آیند؛ در حالی که وقت ظهور، تابع تحقق اسباب و مقدمات ظهور است. طبق نظریه اختیاری بودن ظهور، ترکیب نفس و هر عمل صالحی، باعث تعجیل در ظهور می‌شود. البته واضح است که فعالیت‌های فرهنگی، بیش از دیگر فعالیت‌ها، در نزدیک کردن وقت ظهور مؤثر است؛ چرا که حکومت الهی، بر دل‌های مردم حکومت می‌کند و ستون‌هایش بر اراده و همت نیروهای انسانی، اقامه می‌گردد؛ (ر.ک: نودهی، ۱۳۸۵ ش، ص ۲۵) همان‌طور که امام کاظم علیه السلام خطاب به هارون فرمود: «أَنَا إِمَامُ الْقُلُوبِ وَأَنْتَ إِمَامُ الْجُسُومِ؛ من بر دل‌ها و قلوب مردم حکومت می‌کنم و تو بر تن‌ها و بدن‌ها.» (السمهودی، بی‌تا، ص ۳۶۹)

۶. انگیزه‌های تعیین وقت ظهور

با وجود آثار منفی برای تعیین وقت ظهور و همچنین روایاتی که دال بر تکذیب تعیین‌کنندگان وقت دارند انتظار می‌رفت کسی اقدام به این امر نکند؛ اما متأسفانه در طول تاریخ، مشاهده می‌شود افرادی به انگیزه‌های مختلف، وارد این حیطة شده‌اند. از میان انگیزه‌های این افراد برای تعیین وقت ظهور، می‌توان به «تعجیل و شتاب کردن در امر فرج»، «عوام‌فریبی در اثر هوی و هوس»، «توهم و خیال‌پردازی» اشاره کرد. (ر.ک: جعفری، ۱۳۷۸ ش، ص ۵۲) همچنین «تطبیق» نیز یکی دیگر از انگیزه‌های تعیین وقت به حساب می‌آید. متأسفانه افرادی با خواندن یا شنیدن چند روایت در علائم ظهور، آن‌ها را بر افراد یا حوادثی تطبیق می‌دهند. هرچند تطبیق روایات بر حوادث، آفت و آسیب به شمار نمی‌روند؛ اما باید دانست آفت، مطالب و ادعاهایی است که برخی به صرف خواندن یک یا دو روایت، بدون بررسی صحت و وسقم و تبیین و شناخت سند تاریخی آن

روایات، مطرح می‌کنند و در واقع بدون داشتن تخصص، به اظهار نظر می‌پردازند. پیامد تطبیق نادرست، توقیت و تعجیل است که موجب یأس و ناامیدی در اثر عدم تحقق ظهور در بین مردم می‌شود. البته در میان این افراد، برخی با تحمل ریاضت، قدرت‌های روحی به دست آورده و قادر به پیش‌بینی برخی امور در آینده می‌شوند؛ اما آنان نیز در تطبیق حوادث اشتباه نموده و آن را عامل ظهور می‌پندارند و لذا وقتی برای ظهور تعیین می‌کنند. (ر.ک: جعفری، ۱۳۸۷ ش، ص ۴۹-۵۷)

نتیجه‌گیری

در روایات، از تعیین وقت برای ظهور نهی شده و به تکذیب وقآتون امر شده است. شباهت‌های زمان ظهور با زمان قیامت در مواردی همچون «ناگهانی بودن» و «مخفی بودن»، از دلایل عدم امکان تعیین وقت ظهور از ناحیه بشر دانسته می‌شود. امکان تعیین وقت ظهور برای بشر وجود ندارد و علم آن در انحصار خداوند است. روایات نهی از تعیین ظهور، دلالتی بر ندانستن زمان ظهور از ناحیه معصوم علیه السلام ندارند. همچنین ذکر نشانه‌های ظهور در برخی روایات با روایاتی که حکم به نهی تعیین ظهور داده‌اند، منافات ندارند. علائم ظهور، سبب یا عامل تعجیل ظهور نیستند و تنها بر نزدیک بودن روز موعود دلالت می‌کنند. آثار منفی تعیین وقت، مانند «قساوت قلب»، «برگشت مردم از دین»، «ایجاد یأس و ناامیدی» در اثر محقق نشدن ظهور در تاریخ تعیین شده، دلیل دیگری بر نهی از تعیین وقت ظهور است. «تعجیل در امر فرج»، «عوام فریبی»، «خیال‌پردازی» نیز از انگیزه‌های تعیین وقت ظهور دانسته می‌شود. در مجموع باید گفت «توقیت»، پیامد تطبیق نادرست نشانه‌های ظهور است که برخی افراد بر آن اقدام می‌کنند؛ در حالی که زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از اسرار الهی است. «آزمایش انسان‌ها»، «جلوگیری از هرگونه سوءاستفاده» و «باقی ماندن روحیه انتظار»، از دلایل مخفی بودن زمان ظهور است. برخلاف قیامت، وقت ظهور، بستگی به عوامل و زمینه‌های ظهور دارد؛ بنابراین بهتر است به جای تلاش در تعیین وقت ظهور امکان‌پذیر هم نیست، موانع ظهور حضرت شناسایی و در رفع آنها تلاش گردد تا هر چه زودتر، زمینه ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف فراهم شود.

فهرست منابع

کتاب

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
- ۳- اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الأئمه، تبریز: مکتبه بنی هاشمی، ۱۳۸۱ ق.
- ۴- امینی، ابراهیم، دادگستر جهان، قم: شفق، ۱۳۸۰ ش.
- ۵- امین، محسن، سیره معصومان، تهران: صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، سروش، ۱۳۷۶ ش.
- ۶- امینی گلستانی، محمد، سیماي جهان در عصر امام زمان عجل الله تعالی فرجه، قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۵ ش.
- ۷- بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ ق.
- ۸- جعفری، محمد صابر، اندیشه مهدویت و آسیب‌ها، تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه، ۱۳۸۷ ش.
- ۹- جمعی از محققان مرکز تخصصی مهدویت، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه در احادیث شیعه و سنی، تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه، ۱۳۸۸ ش.
- ۱۰- جوادی آملی، عبدالله، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه موجود موعود، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۹ ش.
- ۱۱- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۳۷۶ ق.
- ۱۲- حمیری، نشوان بن سعید، شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلوم، دمشق: دار الفکر، ۱۴۲۰ ق.
- ۱۳- رضوانی، علی اصغر، موعود شناسی و پاسخ به شبهات، قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۸ ش.
- ۱۴- _____، هنگامه ظهور، قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۶ ش.
- ۱۵- رفاعی، عبدالجبار، معجم ما کتب عن الرسول و أهل البيت عجل الله تعالی فرجه، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۱ ش.
- ۱۶- زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۴ ق.
- ۱۷- سلیمیان، خدامراد، درس نامه مهدویت، قم: مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۸۹ ش.
- ۱۸- السمهودی، نورالدین علی بن عبدالله، جواهر العقدين فی فضل الشرفین، محقق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیه، محمدعلی بیضون، بی تا.
- ۱۹- شیخ حرّعاملی، اثبات الهداه بالنصوص و المعجزات، بیروت: مؤسسه الاعلمی، ۱۴۲۵ ق.
- ۲۰- شیخ صدوق، ابوجعفر محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۵ ق.
- ۲۱- شیخ طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، الغیبه، محقق: عبادالله طهرانی، علی احمد ناصح، قم: مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۱ ق.
- ۲۲- صادقی، مصطفی، تحلیل تاریخی نشانه‌های ظهور، قم: حوزه علمیه قم، دفتر تبلیغات اسلامی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵ ش.
- ۲۳- الصدر، محمد، تاریخ پس از ظهور، تهران: موعود عصر عجل الله تعالی فرجه، ۱۳۸۴ ش.
- ۲۴- طاهرزاده، اصغر، مبانی معرفتی مهدویت، اصفهان: لب المیزان، ۱۳۸۵ ش.

- ۲۵- طباطبایی، محمدحسین، میزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ق.
- ۲۶- _____، ترجمه تفسیر میزان، ترجمه موسوی همدانی، سید محمدباقر، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ ش.
- ۲۷- عراقی، محمود بن جعفر، دارالسلام در احوالات حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه، قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۴ ش.
- ۲۸- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.
- ۲۹- عسکری، حسن بن عبدالله، الفروق فی اللغه، بیروت: دارالافاق الجدیده، ۱۴۰۰ ق.
- ۳۰- علی نوری، علیرضا، امامت حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه در اعتقاد ما، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نمایندگی ولی فقیه، اداره آموزش های عقیدتی سیاسی، ۱۳۷۹ ش.
- ۳۱- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحيط، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
- ۳۲- گلپایگانی، لطف الله، گفتمان مهدویت، قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۷۷ ش.
- ۳۳- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار الجامعه لدرر أخبار الائمة الأطهار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
- ۳۴- _____، کتاب رجعت، قم: دلیل ما، ۱۳۸۶ ش.
- ۳۵- نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه (نعمانی، ترجمه فهری)، تهران، دار الکتب اسلامیة، ۱۳۶۲ ش.
- ۳۶- نودهی، علیرضا، نظریه ی اختیاری بودن ظهور، تهران: موعود عصر عجله الله تعالی فرجه، ۱۳۸۵ ش.
- ۳۷- نهاوندی، علی اکبر، العبقری الحسان فی احوال مولانا صاحب الزمان عجله الله تعالی فرجه، قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۶ ش.

مقالات

- ۳۸- رنجبری حیدر باغی، احمد، «گزارشی از توقیت ها در گستره تاریخ»، پژوهش های مهدوی، شماره ۵، ۱۳۹۲ ش، ص ۵۶-۲۳.
- ۳۹- ولی زاده، محمدجواد، «کنکاشی در زمینه تعیین احتمالی ظهور»، فصلنامه انتظار موعود، سال دوازدهم، شماره ۳۸، ۱۳۹۱ ش، ص ۹۰-۶۷.
- ۴۰- سبحانی نیا، محمد، «تحلیل حدیث شناسانه تعیین وقت ظهور»، دو فصلنامه حدیث پژوهی، سال هشتم، شماره ۱۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، ص ۱۲۴-۹۹.

استعمار و چالش‌های مهدویت

اکرم خسروانجم^۱

چکیده:

مهدویت، آرمان بزرگ مؤمنان در طول تاریخ است که همه اهداف انبیا و اولیا را در جامعه بشری اجرا خواهد کرد. این آرمان الهی، جریانی است که انسان‌ها را به نفی هرگونه ظلم و ستم فرامی‌خواند و به سوی حق‌طلبی و عدالت‌محوری دعوت می‌کند؛ بنابراین دنیای استعمار - که به دنبال سلطه‌گری است - این جریان را مانع اصلی در رسیدن به اهداف شوم خود می‌داند؛ از این رو با انواع وسایل و شیوه‌ها، به مبارزه با فرهنگ مهدویت پرداخته و باعث ایجاد چالش‌هایی در مسیر این آرمان الهی گردیده است. این مقاله، به بررسی اهداف، ابزار و شیوه‌های استعمار، در ایجاد چالش‌های مهدویت پرداخته و سپس چالش‌های اعتقادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی را که استعمار در این زمینه ایجاد کرده‌اند، مورد بررسی قرار می‌دهد تا با به دست آوردن شناخت کافی در این زمینه، بتوان راه‌های پیش‌گیری و مقابله صحیح و مناسب را اتخاذ کرد و از این رهگذر، زمینه ظهور موعود را فراهم نمود. روش گردآوری مطالب در این پژوهش، کتابخانه‌ای و پردازش آن به صورت توصیفی - تحلیلی انجام شده است.

واژگان کلیدی: استعمار، چالش‌ها، مهدویت، آرمان الهی، فرهنگ.

مقدمه

از ابتدای آفرینش آدم، تقابل حق و باطل و نبرد خیر و شر، وجود داشته است. شیطان، به‌عنوان مظهر کامل بدی و شر، پیوسته با سعادت و کمال انسان، مخالفت کرده و برای سقوط نسل بشر، تمام تلاش خود را به کار بسته است. سلسله نورانی انبیا و اولیای الهی، پیوسته در برابر خود با صفوفی از شیاطین روبه‌رو بوده‌اند که در راه اهداف الهی، سنگ‌اندازی و مانع‌تراشی کرده‌اند. این جنگ و ستیز، در دوره غیبت امام عصر نیز با قوت بیشتر و البته با طرح‌ها و روش‌های پیچیده‌تری ادامه یافته است و تا روزگار ظهور، در قالب دجال‌ها و سفیانی ادامه خواهد داشت. البته همواره این بشارت قرآنی وجود داشته است که برخلاف تلاش دشمن برای خاموشی، نور الهی فراگیر خواهد شد.

«يُرِيدُونَ لِيُظْفِقُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُنِيرٌ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (صف: ۸)؛

«می‌خواهند نور خدا را با دهان‌هایشان خاموش کنند و خدا تمام‌کننده نور خویش است هرچند که کافران کراحت داشته باشند.»

مهدویت، آرمان بزرگ مؤمنان در طول تاریخ است که همه اهداف انبیا و اولیا را در جامعه بشری اجرا خواهد کرد. دشمنان این آرمان الهی و انسانی، با انگیزه‌ها و اهداف مختلف و طرح‌ها و شیوه‌های گوناگون، به مقابله با آن برخاسته‌اند. امروز، دنیای استکبار و استعمار که غرق در مادیت و شهوت‌رانی است، می‌کوشد تا هرچه بیش‌تر به منابع مادی کشورهای مسلط شود و روشن است که با این دیدگاه، نمی‌تواند جریان حاکمیت ارزش‌های معنوی را که ره‌آورد حکومت مهدی عجل‌الله‌تعالی ورحمة‌الله‌الشریف است، بپذیرد و با انواع وسایل و شیوه‌ها به مبارزه با فرهنگ مهدویت و انتظار می‌پردازد، به‌ویژه که می‌داند مهدویت، جریانی است که انسان‌ها را به نفی هرگونه سلطه و ظلم فرامی‌خواند و منتظران را به سوی اهداف حکومت جهانی مهدی عجل‌الله‌تعالی ورحمة‌الله‌الشریف که عدالت‌محوری و حق‌طلبی است، دعوت می‌کند. (بالادستیان، ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۱۴۶)

ذخایر نفتی، جغرافیای خاورمیانه، به‌ویژه خلیج فارس را به جغرافیای استراتژیک، تبدیل کرده است. جغرافیای استراتژیک به کنترل یا دسترسی به مناطقی چون سرزمین، آب، انرژی و فضا اشاره دارد که بر امنیت و پیشرفت اقتصادی ملت‌ها، تأثیر می‌گذارد. در حال حاضر، این جغرافیای استراتژیک در دست مسلمانان و در اختیار آنان است. درعین حال، این منطقه،

استعدادهایی برای تمدن‌سازی دارد و تحولات آن، آسیا، اروپا و آفریقا را نیز متأثر می‌کند. در چنین شرایطی، طبیعی می‌نماید که کشورهای استعمارگر همچون آمریکا، انگلیس، فرانسه و... این منطقه را زیر نظر داشته و درصدد سلطه بر آن باشند و کوچک‌ترین زمینه‌های خیزش ضد استعماری را در نطفه خفه کنند تا از این منابع محروم نمانند. (شفیعی سروستانی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۴)

با توجه به نقش استعمار در ستیز با آموزه‌های مهدویت و ایجاد چالش‌های مهدوی، لازم است به بررسی و کسب آگاهی در این زمینه پرداخته شود تا با به دست آوردن شناخت کافی در این زمینه، بتوان راه‌های پیش‌گیری و مقابله صحیح و مناسب را اتخاذ کرد و از این رهگذر، زمینه ظهور منجی عالم بشریت فراهم گردد. ما نیز در این پژوهش، به بررسی قسمتی از تلاش‌ها و دسیسه‌های استعمار در ایجاد چالش‌های مهدویت، پرداخته‌ایم؛ به امید آنکه مفید و راهگشا واقع شود. البته در بحث دشمن‌شناسی و نقش غرب و استعمار در مبارزه با مهدویت، پژوهش‌های زیادی صورت گرفته است؛ به‌عنوان مثال کتاب «غرب و مهدویت» از رضا شجاعی مهر، «بررسی نمادهای چالش مهدویت» از صدرالله زین‌العبادی، «بیچک/انحراف» از جواد اسحاقیان و...؛ اما در این پژوهش، بیان خلاصه‌ای از دسیسه‌های استعمار در ایجاد چالش‌های مهدویت، صورت گرفته است تا تلنگری برای بیدار شدن منتظران و تلاش و مبارزه در این راه باشد.

۱. اهداف استعمار در ایجاد چالش‌های مهدویت

در فضای به وجود آمده از تفکر اخباری‌گری موجود در حوزه‌های درسی مختلف، ازجمله مکتب شیخیه در قرن دوازدهم قمری که با سلسله دروس شیخ احمد احسایی و سید کاظم رشتی پیگیری می‌شد، گروهی از کسانی که به‌نوعی با دروس و استادان شیخی مسلک، مرتبط بودند با یک برنامه‌ریزی حساب‌شده در پی آن برآمدند که با استفاده از برخی احادیث یا اخبار ضعیف و جعلی و نیازمند به تحلیل و کار فقه‌الحدیثی، آموزه‌های مهدویت و آموزه‌های مرتبط با امامت و ولایت را مورد سوءاستفاده قرار دهند و به ایجاد یک تشکیلات سیاسی خاص بپردازند.

شرایط فشار و اختناق داخلی دوران قاجار و تبعیض و فساد ساختار حکومتی که باعث نارضایتی عمومی و یأس و درماندگی مردم شده بود نیز می‌توانست افکار عمومی را آماده پذیرش مباحث مهدوی کند. در چنین شرایطی، علی محمد شیرازی با تعدادی از یاران نزدیک خود،

ادعای نیابت خاص و موعود و قائم بودن را برای خود مطرح کردند و با بهره‌گیری از سیستم خاص و فرماندهی و جانشین‌های متوالی و تشکیل گروه‌های ترور و فشار، تلاش کردند علما را از صحنه سیاسی خارج کنند و خود را در قالب مقام برتر از عالمان، در عرصه اجتماعی و در جایگاه گروه‌های مرجع جدید، مطرح کنند.

همراهی و همکاری متقابل استعمار و بایبه و حمایت مالی، اطلاعاتی و سیاسی استعمار روس و بعدها انگلیس می‌توانست در آغاز یا حداقل تداوم آن شورش و بدعت، کمک خوبی باشد. اساس برنامه‌ریزی سیاسی توسط سران بایی، تشکیل گروه‌های رهبری و عملیاتی بود که در پوشش عناوین و القاب مقدس، به‌عنوان واجب‌الاطاعه بودن افراد، مشارکت داوطلبانه و خودجوش پیروان انجام می‌شد. تفکر انتظار رهبران و به‌اصطلاح مظهرهای الهی و موعودهای جدید که در آینده به‌طور مستمر می‌آمدند، پشتوانه فرهنگی خاصی بود که برای حفظ و انسجام تشکیلات بایی، مؤثر و حیاتی بود؛ بنابراین اهداف سیاسی بایبه، آشوب و تشنج در حکومت و ترور شخصیتی علما یا مسئولان دلسوز حکومتی و سرانجام تشکیل حکومت فرار گرفت. راهکار اصلی آنها، تحریک احساسات مذهبی و به‌کارگیری عقبه فرهنگی هزارساله تشیع در کشور، در قالب تشکیلات نظامی متهورانه بود که پیامدهای آن را می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد:

۱. کشتار انسان‌های بی‌گناه، اعم از فریب‌خوردگان بایی و مسلمانان مقاوم در برابر انحرافات بایبه؛

۲. نفوذ و ورود بیشتر استعمار روس و انگلیس در عرصه‌های اجتماعی و مذهبی

مردم و دخالت آشکار به بهانه میانجی‌گری و ایجاد آرامش در مسائل داخلی ایران؛

۳. تشکیل فرقه کاملاً سیاسی و ضد اسلامی و ضد شیعی بهائیت که در درازمدت

بتواند با تنها حکومت مبتنی بر آموزه مهدویت و ولایت فقیه در عصر غیبت،

به‌صورت پنهانی یا آشکارا مقابله کند. (اسحاقیان، ۱۳۸۷، صص ۲۰۱ و ۲۰۲)

آنهايي که درک عمیق و دقیقی از تاریخ معاصر دارند، می‌دانند که باییت و بهائیت در ایران و قادیانیه در هند، مسلک‌هایی هستند که دست سیاست، آنها را به‌صورت دین درآورد و به جان ملت مسلمان ایران انداخت تا از رهگذر تفسیرهای ارتجاعی و خرافاتی آنها و ایجاد اختلاف و نفاق در جامعه اسلامی، هسته پویایی دین اسلام و مذهب تشیع در ایران، نابود شود و راه برای

سیطره استعمار و استبداد، هموار گردد.

در تهاجم پیروان مسلک‌های استعماری به دین و هویت ملی سه هدف اساسی دنبال می‌شد:

۱. خارج کردن دین از حوزه اجتماعی و در رأس آن سیاست و حکومت؛

۲. توجیه حضور استعمار در کشور به عنوان یگانه عامل تجدد و ترقی؛

۳. تثبیت نیروهای غرب‌گرا در ارکان سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری کشور.

مسلک‌های استعماری باییت و بهاییت، دقیقاً همین اهداف را تعقیب می‌کنند. سرلوحه آموزه‌های این مسلک، جدایی دین از سیاست و حکومت که عمومی‌ترین وجه حیات اجتماعی یک جامعه است، می‌باشد. بزرگ‌ترین مشکل استعمار، برای حضور در کشورهای اسلامی - علاوه بر ماهیت سیاسی دین و سیاسی بودن مسلمانان - وجود برخی از احکام حماسی و تحرک‌بخش اسلام مثل احکام جهاد بود. بهاییت از این جنبه نیز در خدمت استعمار قرار گرفت. برای نمونه حسینعلی بهاء همچون غلام احمد قادیانی در هند، مأموریت داشت یکی دیگر از احکام مترقی اسلام، یعنی حکم جهاد را بین مسلمین متزلزل سازد تا این مانع بزرگ نیز از سر راه استعمار برداشته شود. (عرفان، ۱۳۹۲، صص ۹۹ و ۹۸)

در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی، ناگهان پیش‌گویی‌های «نوسترآدموس» مطرح می‌شود. نوسترآدموس، پزشکی یهودی‌زاده بود که در دربار امپراتوری فرانسه زندگی می‌کرد و در پانصد و اندی سال پیش، بعضی وقایع را پیش‌بینی کرده بود. پیش‌بینی او به زبان عبری در نزد یهودیان باقی ماند تا در سال‌های اخیر، این پیش‌بینی از لابه‌لای متون بیرون آمد و مطرح شد و حتی در ایران، پس از انقلاب اسلامی به‌طور جدی مطرح گردید.

فیلم‌هایی که بر اساس این پیش‌گویی‌ها ساخته شده بود نیز در ایران منتشر گردید. در یکی از این فیلم‌ها، نشان داده شد که امام خمینی به ایران برمی‌گردد و بعد از آن، تصاویری نشان می‌دهد از مردی با لباس زیبای عربی که از عربستان ظهور می‌کند و حکومتی را تشکیل می‌دهد و با موشک‌های اتمی خود، غرب را نشانه‌گیری می‌کند. پاریس و لندن و نیویورک را می‌زند و آنها - غربی‌ها - نیز حمله متقابل می‌کنند و جنگ بزرگی در می‌گیرد و در نهایت، غرب پیروز می‌شود و حیات هزار ساله آنها همراه با صلح و نعمت، زیر پرچم حکومتی در اسرائیل آغاز می‌شود.

در سال‌های اول پس از پیروزی انقلاب، این فیلم به بهانه طرح پیش‌گویی‌های نوسترآدموس

- که یک سناریوی از پیش طراحی شده و با هدف خاصی نیز ساخته شده بود - در ایران منتشر شد. در این پیش‌گویی‌ها آمده که مردانی از فارس - ایران یا پرشیا - برمی‌خیزند، از گرانا‌دا می‌گذرند و بر بیت‌المقدس مسلط می‌شوند. در نظر عموم، این پیش‌بینی‌های مذهبی و غیرمذهبی، از حاکم شدن مردم پرشیا خبر داده بود؛ بنابراین آنها کاملاً مطلع‌اند که آینده از آن شرق اسلامی است و مرکز تأثیرگذار در شرق اسلامی در آینده، ایران است؛ لذا برای جلوگیری از این مسئله، به یک اقدام بازدارنده شدید دست زده‌اند. آیا همین عبارات نوسترآداموس برای غرب و یهودیت صهیونیستی که تمامی آمال و آرزوهای دراز خود را در سلطه بر جهان - از طریق ابزار دست قرار دادن غرب مسیحی - جست‌وجو می‌کنند کافی نیست تا با تمام قدرت علیه شرق و مسلمانان قیام کنند و راه هرگونه پیشروی و پیشرفت را بر آنان ببندند؟

راز اصلی دشمنی و ستیزه‌جویی غرب در همین موضوع است که آنها می‌دانند جهان، مستعد حادثه بزرگی است و آن حادثه بزرگ، به ظهور منجی از شرق اسلامی و سقوط غرب می‌انجامد و برای آنکه بتوانند جلوی آن را بگیرند، اقداماتی بازدارنده را در پیش گرفته‌اند و با تمام قوا پیش می‌روند تا از شکل‌گیری کانون قدرت و زمینه‌های ظهور مقدس، جلوگیری نمایند و به پندار خود، مسیر آتی تاریخ را به صورت دلخواه و به نفع غرب ترسیم کنند. (شفیعی سروستانی، ۱۳۸۵، صص ۹۵-۹۸) ﴿أَنَّ الْأَرْضَ يَرِيهَا عِبَادِي الصَّالِحُونَ﴾ (انبیاء: ۱۰۵)

۲. شیوه‌ها و ابزار استعمار در ایجاد چالش‌های مهدویت

نظام سلطه جهانی و جبهه استکبار، برای استمرار بخشیدن به نفوذ و تسلط و حفظ منافع نامشروع خود، با دقت فراوان، امکانات و نقاط قوت جهان اسلام را زیر نظر دارد تا آنها را به دقت شناسایی کرده و نابود سازد. یکی از این نقاط قوت که در صدر لیست سیاه مورد نظر قرار گرفته است، اندیشه‌رهای بخش «مهدوی‌باوری» است که در خط‌مشی مبارزاتی امت مسلمان از جایگاه استراتژیکی برخوردار است. از این رو نظام سلطه، سناریوهای متعددی را جهت تضعیف و نابودی این اندیشه مقدس طراحی کرده و متنوابعاً به اجرا گذارده است. (العمیدی، ۱۳۸۴، صص ۳۱۵) مقام معظم رهبری در سخنی جامع درباره شیوه‌های مبارزاتی دشمن، فرموده است: «دشمن، هر امر صحیح و مفیدی را تا آنجا که مقدور باشد انکار می‌کند و اگر

نتوانست به تحریف و تخریب آن پرداخته یا در مقابل آن، اقدام به جایگزینی

می‌نماید.» (نائینی، ۱۳۸۰، ص ۳۲)

ما نیز در این بخش، بر اساس همین سخن حکیمانه، شیوه‌های ستیز استعمار در ایجاد چالش‌های مهدویت را بررسی می‌کنیم:

۲٫۱. انکار

یکی از اقدامات دشمنان، انکار مهدویت است. آنان می‌کوشند تا جریان مهدویت و موعود اسلامی را جریان خرافی و پوچ قلمداد کنند. در این راستا، گاهی تبلیغ می‌کنند که مهدویت یک جریان وارداتی است که از سایر ادیان مانند زرتشت به اسلام راه یافته است و گاهی ادعا می‌کنند که این موضوع برای درمان شکست‌های پی‌درپی و ناکامی‌های پیوسته علویان و شیعیان بوده است تا به آینده‌ای خیالی دل خوش باشند و گرفتار دلسردی و سرخوردگی نشوند. گاهی نیز ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را انکار می‌کنند؛ در این مرحله، دشمن با قبول اصل مهدویت، به‌عنوان جریان نجات‌بخش اسلامی، ادعا می‌کند که آن حضرت متولد نشده و هیچ دلیلی بر ولادت ایشان وجود ندارد. (بالادستیان، ۱۳۹۴، ج ۲، صص ۱۶۰ و ۱۶۱)

۲٫۲. تخریب

اقدام دیگر دشمن، تخریب مهدویت و زشت جلوه دادن ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و مخدوش کردن چهره زیبای آن بزرگوار است.

در کنفرانس تل‌آویو، افرادی مثل برنارد لوئیس، مایکل ام. جی. جنشر، بروبرگ، مارتین کرامر، میشل فوکو و کلر بریر، در تحلیل انقلاب اسلامی، بر این نکته تکیه می‌کنند که شیعیان دارای دو نوع نگاه هستند: یکی «نگاه سرخ»؛ یعنی عاشورا و شهادت و دیگری «نگاه سبز»؛ یعنی انتظار. آنها جمله مشهوری در این باره دارند که «این‌ها به اسم امام حسین عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام می‌کنند و به اسم امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قیامشان را حفظ می‌کنند» و یکی از نتایج بحث‌شان این است که انتظار سبز شیعیان را باید سیاه کرد و تصویری سیاه از آن به جهان عرضه کرد و آن را منفور جلوه داد. پس از این کنفرانس، ساختن فیلم‌ها و بازی‌های رایانه‌ای که به نحوی با مسئله امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ارتباط

دارد، گسترش یافت؛ چنان چه در فیلم نوسترآداموس، این مطلب به مخاطب القا می‌شود که امام عصر، فردی بی‌رحم و خون‌ریز است و در اثر جنگ، تعداد زیادی بیوه و یتیم بر جای می‌گذارد و دنیا باید مانع قیام او شود؛ زیرا او برای مردم جز بلا و مصیبت، چیزی به ارمغان نمی‌آورد. آنان می‌خواهند چهره فردی را که مظهر رحمت و اسعه الهی است، خشن و خون‌ریز جلوه دهند تا مردم از آن بزرگوار، فاصله بگیرند و زمینه ظهور فراهم نشود. (تقوی، ۱۳۹۰، صص ۹۶ و ۹۷)

شایان ذکر است که روش تخریب، پیش از این نیز وجود داشته است و مخالفان حق در مقابله با همه پیامبران به ویژه پیامبر اسلام ﷺ از تهمت‌ها، تمسخرها و تحقیرها استفاده کرده‌اند و پیامبر رحمت ﷺ را با عباراتی چون شاعر، ساحر و مجنون خطاب کرده‌اند (یونس: ۲؛ قلم: ۵۱؛ صافات: ۳۶) تا به این وسیله، مردم را از ایمان به او بازدارند. در عصر ما نیز پروژه اسلام‌هراسی و معرفی مسلمانان به تروریست با همین هدف، راه‌اندازی و دنبال می‌شود.

۲،۳. تحریف

وقتی دشمنان از تخریب مهدویت عاجز می‌شوند به تحریف آن روی می‌آورند تا از این رهگذر، آثار و برکات این عقیده مهم اسلام را به آفات و آسیب‌ها تبدیل کنند. تفسیر غلط از انتظار و روایات مربوط به قیام‌های قبل از ظهور و حسنی دانستن امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف از نمونه‌های تحریف مهدی‌ستیزان است. حتی امروزه شرکت‌های غربی، مسلمان خوب را به گونه‌ای ترسیم می‌کنند که هیچ‌گونه انگیزه ظلم‌ستیزی و جهاد با دشمنان در او یافت نمی‌شود و به تعبیر امام خمینی، اسلامی کاملاً آمریکایی درون آنها پدید آمده است؛ مسلمانی که آمریکا را قدرتی بلامنازع و تمدنی شکوهمند تصور می‌کند و در نظر او کشورهای اسلامی باید الگوی زندگی آمریکایی را سرلوحه قوانین خود قرار دهند.

این نگاه در قالب همایش‌ها، نوشتارها و رسانه‌های صوتی و تصویری آشکار می‌شود. ابتدا در فیلم‌هایی مانند اسکندر، بدون دخترم هرگز، پرسپولیس، نجات‌بخش و...، مسلمانان، افرادی به دور از تمدن نشان داده می‌شوند و در نهایت در فیلم‌هایی مانند «طلای سیاه»، حتی منجی مسلمانان با استفاده از تکنولوژی و تمدن غربی‌هاست که می‌تواند مسلمانان را به سعادت رهنمون کند و توخ‌ش و عقب‌ماندگی‌شان را به تمدن و سعادت تبدیل نماید.

۲،۴. جایگزین سازی

یکی دیگر از روش های دشمنان در ستیز با مهدویت، جایگزین سازی است. آنها می کوشند در مقابل هر حقیقتی یک مدل دروغین به عنوان جایگزین معرفی کنند و مردم را به آن مشغول کرده و به این وسیله از حقیقت منحرف سازند. استعمارگران در برابر جریان مهدویت اسلام، به عنوان جریان نجات بخش اصیل و الهی، مسئله نجات بخشی را به غرب و به ویژه آمریکا ارتباط داده و به جای موعود الهی، مستکبران عالم را در چهره منجی انسانیت معرفی می کنند (مانند فیلم آرماگدون و روز استقلال) یا در میان مسلمانان، مدعیان دروغین را که ادعای مهدویت یا نیابت دارند، مورد حمایت خود قرار می دهند. استعمارگران از این شیوه، بیشترین بهره برداری را کرده و می کنند؛ چراکه آنها به وسیله این مدعیان، بسیاری از چالش های مهدویت از جمله شک و تردید، مسئولیت گریزی، سطحی نگری، توقیت، تطبیق، فاصله گرفتن از عالمان، تطبیق های ناروا و... را به سهولت ایجاد می کنند.

لازم به ذکر است که دشمنان برای مقابله با اسلام و مکتب تشیع و به ویژه فرهنگ بالنده مهدویت و انتظار، علاوه بر شیوه های یاد شده، می کوشند تا از سویی با ترویج دنیاگرایی و تبلیغ انواع کالاها و محصولات غربی و از سوی دیگر و در نقطه مقابل، با اعمال فشارها و تحریم های اقتصادی پیرامون اهل بیت علیهم السلام و به ویژه جمعیت منتظران مهدی عجل الله تعالی فرجه له را از امام موعود و اهداف او دور کنند. آنان برای این هدف از ترویج فساد و ابتذال فرهنگی نیز به گونه ای گسترده بهره می گیرند تا تمام توان و امکانات و استعداد مهدی باوران را در مسیرهای انحرافی نابود کنند؛ اما در برابر همه این ترفندهای خائنانه، این اراده الهی است که غلبه خواهد کرد:

﴿يُرِيدُونَ لِيُظْفَرُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُنِيرُ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ * هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾ (صف: ۸ و ۹)؛
«می خواهند نور خدا را با دهان هایشان خاموش کنند و خدا تمام کننده نور خویش است؛ هرچند که کافران کراهت داشته باشند. * او کسی است که رسول خدا را به هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه ادیان غلبه دهد؛ هرچند که مشرکین کراهت داشته باشند.»

البته شرط لازم برای تحقق این وعده بزرگ الهی و نزدیک سازی ظهور آن منجی قرآنی و آسمانی،

هوشیاری مهدی باوران در برابر مهدی ستیزان است. (بالادستیان، ۱۳۹۴، ج ۲، صص ۱۶۲-۱۶۵)

۳. نقش استعمار در ایجاد چالش‌های مهدویت

دشمنان، به‌ویژه استکبار و صهیونیسم، امروزه با تکیه بر پول، تبلیغات و استفاده از شعارهای ظاهر فریب خود مانند حقوق بشر، حقوق زن و حقوق اساسی ملت‌ها، برای تحمیل ظلم بر ملت‌ها و ترویج فساد و نفاق و به استثمار و استعمار کشیدن جوامع بشری، تلاش می‌کنند و برای تحقق این کار از وسایل متعددی استفاده کرده و حقیقت مهدویت را به چالش می‌کشند. نیل پستمن در کتاب «زندگی در عیش، مردن در خوشی» می‌گوید: انتقال معلومات سه راه دارد: (۱) گفتار؛ (۲) نوشتار؛ (۳) تصویر. دشمن نیز برای انتقال و القاء فرهنگ خود با تمام امکانات، از این ابزارها استفاده کرده است مانند کتب، نشریات، کنفرانس‌های علمی، رسانه‌های متنوع همگانی و وسایل ارتباط جمعی مانند رادیو، تلویزیون، ماهواره با هزاران شبکه و کانال‌های متفاوت که همه این ابزارهای فرهنگی و رسانه‌ای در زمینه مهدی ستیزی و تخریب چهره اسلام به کار گرفته می‌شوند و سعی وافر آنها از طریق این ابزارها، صرفاً معرفی جامعه، فرهنگ و نظام غرب به عنوان منجی جهان بشریت بوده است.

خلاصه اینکه استعمار از تمام توان خود استفاده می‌کند تا انتظار سبز شیعیان را به چالش کشیده و آن را به نفع خود به پایان برساند؛ به طوری که در تمام ابعاد اعتقادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی این مسئله، در حال کار کردن است و بر هر مسلمانی لازم است در این مسائل، اطلاعات کافی کسب نماید تا بتواند راهکارهای دفاع و مقابله با حربه‌های دشمن را پیدا کند. در این بخش، چالش‌های مهدویت از جنبه اعتقادی و فرهنگی و جنبه سیاسی و اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ اما با کمی دقت، می‌توان دریافت که تمام این چالش‌ها به نوعی زنجیروار به هم متصل و مربوط هستند؛ مثلاً در بعد سیاسی و اجتماعی، استعمار با گماشتن مدعیان دروغین در بین مسلمانان، موجب تزلزل در اعتقادات منتظران می‌شوند؛ زیرا آنها از طریق این مدعیان، توقیت و تطبیق و به دنبال آن استعجال، شک و تردید، یأس و ناامیدی و در نهایت افول ارزش‌ها را به مخاطب القا می‌کنند و به وسیله این مدعیان دروغین، سبب اختلاف افکنی بین مسلمانان و شیعیان شده و موجب تنفر و جدایی مردم از عالمان دینی می‌گردند. لازم به ذکر

است که در این پژوهش، به بررسی بعضی از چالش‌های مهدویت پرداخته شده است.

۳٫۱ چالش‌های اعتقادی و فرهنگی مهدویت

می‌توان از موارد ذیل به‌عنوان مهم‌ترین چالش‌های اعتقادی و فرهنگی مهدویت نام برد:

۳٫۱٫۱ برداشت‌های انحرافی

مسئله غیبت امام دوازدهم شیعیان از زمان پیامبر اسلام ﷺ مطرح بوده و به وسیله خود آن حضرت، بارها و بارها به تعبیر مختلف بیان شده است؛ اما آسیبی که در این میان امکان بروز می‌یابد، فرض کناره‌گیری امام از جامعه انسانی و انفعال او برابر مردم است. در چنین فضایی ممکن است تصور شود امام به جغرافیای دیگری از عوالم مهاجرت کرده است و هنگام ظهور، از آن عالم، مراجعت می‌کند که خیال‌بافی‌هایی از این دست با آنچه در روایات و آموزه‌های اسلامی درباره غیبت و ماهیت آن ذکر شده، متفاوت و در تضاد است.

مکتب شیخیه که در اوایل قرن سیزدهم به‌وسیله احمد بن زین‌الدین، معروف به «شیخ احمد احسائی» (۱۱۶۶-۱۲۴۱ ق) پدید آمد، نمونه‌ای از این جریان‌های انحرافی بود که نه تنها، خود دستخوش تحولات زیاد گردید، بلکه باعث به وجود آمدن بسیاری از تحولات مذهبی، اجتماعی و حتی نظامی در ایران شد و در نهایت به شکل‌گیری بابیت و بهائیت انجامید. یکی از مهم‌ترین اندیشه‌های شیخ احمد احسائی - که مدعی بود در فراگیری علوم، شاگرد کسی نبود و آنچه را می‌داند تنها از راه غیرطبیعی به دست آورده است - اعتقاد به «بدن هورقلیایی» است که این بدن در شهر «جابلقا» و «جابلسا» قرار دارد. او معتقد بود امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف با بدنی غیر عنصری و تنها هورقلیایی و در شهر جابلقا و جابلسا زندگی می‌کند و هرگاه که خداوند اراده فرماید از آنجا نزول کرده و به وظیفه اصلاح عالم از مفساد، قیام می‌کند. مشاهده می‌شود یکی از چالش‌های مهم در حیطه آموزه‌های مهدویت و به‌طور خاص در مفهوم غیبت، ایجاد شده است. این تعبیر، برداشت ناصحیحی است که رابطه امام با مردم و حتی جهان هستی را به‌کل قطع کرده و آن حضرت را از صحنه حیات دور می‌داند؛ درحالی‌که بنا به روایات اهل بیت علیهم‌السلام، امام در زمان غیبت زنده است؛ اما مکان حضور ایشان برای مردمان مشخص نیست.

در ادامه، برداشت غلطی که از مفهوم انتظار صورت می‌گیرد و حرکت و اقدام را از منتظر

سلب می‌کند شبهه دیگری است که ناشی از بی‌دقتی و انحراف از اصل انتظار است. این گزاره که «ظهور امام موعود، با اصلاح جهان از فسادها و ظلم‌ها همراه خواهد بود و پایان این تباهی‌ها و نابهنجاری‌ها، به دست ایشان رقم خواهد خورد» سبب شده است تا برخی گمان برند قبل از ظهور ایشان، هر تلاش و کوششی برای اصلاح امور و مقابله با ظلم‌ها و فسادها، بی‌نتیجه بوده است؛ از این رو لازم نیست نسبت به این‌گونه مسائل، حساسیتی ابراز دارند. این بی‌توجهی، سبب به وجود آمدن این ذهنیت شده که منتظران امام، برابر تباهی‌ها و نابهنجاری‌های پیش آمده در عصر غیبت و فتنه‌های آخرالزمان وظیفه‌ای ندارند و این رویه تا آنجا ادامه یافته که شایعه‌ای مبنی بر ترغیب به ترویج بدی‌ها و زشتی‌ها برای ایجاد زمینه ظهور موعود از سوی عده‌ای افراد جاهل و منحرف، شنیده شود. درباره مسئله مورد بحث نیز باید گفت پرسیدن دنیا از ظلم و جور، جزئی از علل و نشانه‌های ظهور است و با علت ظهور ارتباطی ندارد. بر این اساس، تفسیری که درباره بی‌تفاوتی درباره شیوع ظلم و فساد یا کمک به ترویج آن شکل گرفته است، از این پندار ناشی شده که شیوع ظلم، علت ظهور و نه نشانه آن است؛ حال آنکه علت ظهور به فراهم شدن مقدمات و از بین رفتن موانع این واقعه مبارک، مربوط می‌شود و به‌طور کلی در اختیار و در گرو اراده پروردگار است.

به نظر می‌رسد این تفسیر از انتظار، ناشی از شکست‌های اجتماعی مسلمانان و شیعیان در سده‌های اخیر بوده و در رویارویی با جریان تجدد و استعمار و تأثیرات مخرب اجتماعی و روانی ناشی از آن، ایجاد شده است؛ از این رو با رشد حرکت‌های اصلاحی و نهضت‌های سازنده و اسلامی در قرن اخیر و در رأس آنها انقلاب اسلامی ایران که بر پایه احساس مسئولیت جامعه اسلامی نسبت به تحولات جدید شکل گرفته‌اند، گام‌هایی در جهت اصلاح این آسیب برداشته شده است. (میرتبار، ۱۳۹۴، صص ۳۷-۳۶)

۳.۱.۲. استعجال

یکی دیگر از آسیب‌ها و چالش‌های بحث مهدویت، عجله داشتن در تحقق امر ظهور است. شتاب‌زدگی یا استعجال، به معنی خواستن چیزی قبل از رسیدن وقت آن و قبل از تحقق زمینه‌های لازم برای آن است. منشأ تعجیل در ظهور، این است که شخص عجول، نمی‌داند ظهور از سنت‌های الهی است و مانند همه سنت‌ها باید پس از تحقق همه شرایط و زمینه‌ها،

صورت گیرد؛ بنابراین برای وقوع آن عجله می‌کند؛ درحالی‌که شتاب‌زدگی در این امر در روایات، بسیار نکوهش شده است؛ امام جواد علیه السلام می‌فرماید:

«يَهْلِكُ فِيهَا الْمُسْتَعْجِلُونَ وَ يَنْجُوا فِيهَا الْمُسْلِمُونَ» (شیخ صدوق، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۷۳)
«شتاب‌زدگان در امر ظهور هلاک می‌شوند و اهل تسلیم نجات می‌یابند.»

گرچه نزدیک شمردن، مهیا بودن و کوشش برای زمینه‌سازی ظهور، بسیار مفید و پربثمر است؛ اما نباید در این راه شتاب‌زده بود. شتاب‌زدگی حاکی از درک نکردن حکمت و مصلحت خدا در این زمینه است و پیامدهای گوناگونی دارد که از جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. ناشکری و اعتراض و عدم رضایت به مصلحت الهی؛
۲. رو کردن به منحرفان و مدعیان دروغین مهدویت؛
۳. یأس و ناامیدی در اثر عدم تحقق ظهور؛
۴. استهزاء و تمسخر آیات و روایات و معتقدان به غیبت و ظهور؛
۵. شک و تردید. (احمدی، ۱۳۸۷، صص ۳۹ و ۴۰)

۳، ۱، ۳. توقیت

از چالش‌ها و آسیب‌هایی که به‌طور جدی افراد و جوامع منتظر را تهدید می‌کند و صریحاً در روایات اهل بیت علیهم السلام به آن اشاره شده، «توقیت» است. این مفهوم، از نظر لغوی به معنای مشخص کردن زمان و محدود نمودن آن برای یک شیء آمده است (ابن منظور، ۱۴۰۸، ق، ج ۲، ص ۱۰۷) و در اصطلاح، به تعیین زمان ظهور امام غایب گفته می‌شود.

مشخص نبودن و دفعی بودن زمان ظهور، به‌طور صریح، در روایات ذکر شده است که در قالب انتظار صبح و شام از آن یاد شده است. (نعمانی، ۱۳۶۲، ش، ص ۱۵۹) در ادعیه‌ای که در باب فرج و انتظار موعود وارد شده نیز از ظهور، به‌مانند هنگامه قیامت و مشابه با آن اشاره شده است. (کفعمی، ۱۳۸۲، ق، ص ۱۷۷) در این راستا، واکنش صحیح این است که برابر اراده الهی تسلیم بوده و به‌جای سعی در دخالت و تغییر مقدرات پروردگار به وظایف خود مشغول شویم و در مسیر فهم و به‌کار بستن اوامر و دستورات الهی قرار بگیریم.

آسیب توقیت، علاوه بر تعیین زمان مشخص برای ظهور، در قالب تطبیق علائم ظهور بر مصداق‌های خاص نیز واقع می‌شود. برخی از افراد مستقیماً به تعیین وقت نمی‌پردازند؛ اما با

توجه به نشانه‌هایی که برای ظهور امام بیان شده است و معمولاً کیفیت دقیق و خصوصیات آنها روشن نیست، آنها را به بستری برای تحلیل‌ها و تفسیرهای شخصی و احتمالی خود بدل کرده و هر از چند گاهی، در پی تطبیق علائم ظهور بر پدیده‌های حادث شده برمی‌آیند و به این وسیله از نزدیکی ظهور خبر می‌دهند. جریان توقیت به روشن‌ترین وجه ممکن، به یأس و ناامیدی از ظهور می‌انجامد و در درازمدت به تزلزل و تردید در اعتقادات و باورهای جامعه منجر می‌شود (میرتبار، ۱۳۹۴، صص ۶۶-۷۰) و این همان چیزی است که استعمار به دنبال آن است تا از این طریق به اهداف خود دست پیدا کند.

۳.۱.۴. تطبیق

تطبیق نشانه‌های ظهور بر مصادیق خاص نیز از چالش‌هایی است که پیوسته بعد از غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الیه وجود داشته است. پس از توقیت و تعجیل، آسیبی که قابل ذکر است، تطبیق ناصواب است؛ به این معنی که عده‌ای با خواندن یا شنیدن چند روایت در علائم ظهور، آنها را بر افراد یا حوادثی تطبیق می‌دهند. البته خود تطبیق روایات بر حوادث، آسیب نیست، بلکه آفت، مطالب و ادعاهایی است که افرادی به صرف خواندن یک یا دو روایت و بدون بررسی آیات و روایات و مطالب تاریخی و قدرت تشخیص صحیح و سقیم روایات مطرح می‌کنند؛ یعنی بدون داشتن تخصص به اظهار نظر می‌پردازند. لازم به ذکر است که در روایات، تشخیص مؤلفه‌ها و علائم سپاه حق و باطل، به عهده علمای راستین گذاشته شده است؛ همان‌هایی که در عصر غیبت کبرا، به عنوان «نواب عام»، عهده‌دار امور گشته‌اند. (جعفری، ۱۳۹۱، صص ۵۵ و ۵۶) با وجود این گاهی افراد ساده‌لوح و جاهل، دست به تطبیق می‌زنند؛ اما بیشتر، دشمنان استعمارگر به منظور دست‌یابی به اهدافشان به تطبیق می‌پردازند؛ زیرا تطبیق، موجب توقیت و تعجیل شده و به دنبال آن، به دلیل عدم تحقق تطبیق‌های مطرح‌شده، افراد دچار یأس و ناامیدی می‌گردند و همین مسئله، سبب شک و تردید و بی‌اعتقادی به اصل ظهور می‌شود.

۳.۱.۵. یأس و ناامیدی

سعی استعمار، از بین بردن روح امید در مسلمین و مستضعفین است؛ چراکه یأس و ناامیدی، نظام زندگی را مختل می‌کند. اگر روح یأس در اجتماع رسوخ کند آن لحظه، زمان مرگ آن جامعه است؛ چراکه همه حیثیت‌های انسانی بر باد می‌رود، اخلاق زایل می‌گردد، فضیلت‌ها

کشته می‌شود، نوع دوستی و فلسفه خدمت به خلق از میان می‌رود و جای خود را به خودپرستی می‌دهد و کوشش‌ها برای جلب منافع و لذا اید شخصی صرف می‌شود؛ هرچند به ضرر دیگران باشد و همه فقط در اندیشه حفظ و ابقای خود هستند و دیگر هیچ. انسان ناامید، در هیچ میدانی موفق نیست و این انسان ناامید است که در پی ناکامی‌ها، حتی به خودکشی دست می‌زند. از نتایج بد یأس از آینده، تن دادن به وضع موجود است؛ زیرا همه تلاش‌ها برای بهتر شدن است و اگر مسلم‌انگاشته شد که فردای بهتری در پیش نیست، تلاش‌ها بی‌ثمر جلوه می‌کند و اگر بر مغزها، این اندیشه استعماری و شیطانی - که راهی به خوشبختی و نجات نیست - حکومت کند، همه راه‌ها به بن‌بست می‌رسد و باید کنار رفت و دست بردست گذاشت. اگر چنین اندیشه‌ای به جامعه راه یابد در آن جامعه، خواه‌ناخواه، تکلیف و مسئولیت مفهوم نداشته و سرانجام، اجتماعی سرخورده و ویران پدید می‌آید؛ پیوندها گسسته و راه برای هرگونه سیاهی و پلیدی باز می‌شود؛ چون هر کس سر به گریبان خود فرو برده و در نتیجه، سررشته‌داران امور، از این وضع نهایت استفاده را خواهند برد.

از همه دردناک‌ترین است که در چنین اجتماعی، آنچه هست گرایش به فساد و ردیلت است؛ زیرا هنگامی که فرد از پدید آوردن راستی و درستی سرخورده شد و احساس و خواسته‌های او کشته شد، ناگزیر احساس و نیاز دیگری جای آن را می‌گیرد و حس ارضای بدلی به وجود می‌آید و آن نیازها در جای دیگر اشباع می‌شود که عبارت است از فساد، لالابالی‌گری، پشت پا زدن به اصول زندگی، فرصت‌طلبی، نهیلیسم، پوچ‌گرایی و ...

بنابراین دشمن با استفاده از روش‌های مختلف و به کمک تطبیق و توقیت، روح یأس و ناامیدی را در بین جامعه منتظر می‌دمد و از این رهگذر به سهولت به اهداف خود دست می‌یابد؛ درحالی‌که خداوند کریم امید و پیروزی را به مؤمنین نوید داده و یأس و ناامیدی را برای کافران می‌داند. (نساء: ۱۰۴؛ مجادله: ۲۱؛ مائده: ۵۶؛ یوسف: ۸۷) امام خمینی در این باره می‌فرماید:

«وقتی این فکر در یک ملت پی‌دا شد و این اراده در یک ملت پی‌دا شد، کوشش می‌کند و دنبال کوشش، این مطلب (نظام اسلامی) حاصل می‌شود. یأس، از جنود ابلیس است؛ یعنی شیطان‌ها انسان را به یأس وا می‌دارند همین ابلیس‌هایی که در طول تاریخ، ملت‌های ضعیف را مأیوس کرده‌اند، همین‌هایی

که به ملت‌های ضعیف، تزریق کردند که ما هیچ نمی‌دانیم و هیچ نمی‌توانیم، همین‌هایی که به ملت‌های ضعیف - به واسطه وابستگی‌شان به خارج - گفتند ما باید غربی باشیم، ما ارتش‌مان هم باید از غرب برایش یک کسی بیاید... ما باید این جنود ابلیس را کنار بزنیم و امید که از جنود الله است در خودمان زنده کنیم، به خودمان امیدوار باشیم، تکیه به اراده خودمان کنیم، تابع اراده دیگران نباشیم.» (تقوی، ۱۳۹۰، صص ۱۰۰-۱۰۳)

بنابراین در بحث چالش‌های اعتقادی و فرهنگی، منتظران باید مراقب باشند گرفتار دسیسه‌های دشمن در این زمینه نشوند؛ زیرا دشمن با ایجاد این‌گونه چالش‌ها، به راحتی بر مسلمانان تسلط یافته و آنان را به استثمار می‌کشد.

۳،۲. چالش‌های سیاسی و اجتماعی

همان‌طور که گفته شد چالش‌های مهدویت همچون زنجیری به هم متصل هستند. چنانچه دیدیم که در چالش‌های اعتقادی و فرهنگی، تطبیق، موجب استعجال و توقیت می‌گردد و به دنبال آن به علت عدم ظهور، یأس و ناامیدی، شک و تردید در بین افراد به وجود می‌آید. بحث چالش‌های سیاسی و اجتماعی نیز به همین صورت است. وقتی افراد، آگاهانه و ناآگاهانه دچار برداشت‌های انحرافی می‌شوند یا دست به تطبیق‌های بدون استناد می‌زنند، منتظران دچار یأس شده و انگیزه کار و انجام وظایف را از دست می‌دهند و این مسئله موجب مسئولیت‌گریزی افراد می‌گردد.

نکته اصلی و مهم اینجاست که استعمارگران برای ایجاد چالش‌های مهدویت و سنگ‌اندازی در راه رسیدن به ظهور، غالباً از افراد دست‌نشانده استفاده می‌کنند. آنها برای گسترش دامنه قدرت خویش در سرزمین‌های اسلامی دست به بدعت‌گذاری و بنیان نهادن فرقه‌های ضاله و مذاهب ساختگی می‌زنند و رشد و ترویج آنها را در رأس برنامه‌های شیطانی خود قرار می‌دهند. تأسیس مذهب قادیانی در پاکستان، باییت و بهاییت در ایران، وهابیت در عربستان، نمونه‌هایی از آن فرقه‌ها و جریان‌های دینی است و همراهی بلکه سرسپردگی این فرقه‌ها به آمریکا و انگلیس و صهیونیست‌ها در این زمان بر همگان روشن است. بر این اساس، اخیراً دولت‌های استعماری که

به بهانه مبارزه با تروریسم، کشورهای مسلمان افغانستان و عراق را اشغال کرده‌اند، پروژه تأسیس آن‌گونه فرقه‌ها و پشتیبانی از آنها را، به‌ویژه در عراق، در رأس برنامه‌های خود قرار داده‌اند. به دنبال اشغال عراق، ده‌ها فرقه، بروز و ظهور نموده‌اند که از جمله آن چنین است: جندالسماء به رهبری عبدالزهرا کاظم الکرعاری، فرقه الامام الربانی به رهبری سید فاضل عبدالحسین الحسینی الهاشمی، جریان یمانی، جریان سلوکی و... که اغلب جریان‌های فوق، مدّعی مهدویت یا ارتباط با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف شده‌اند و ارتباط بیشتر آنها با جریان‌های بعثی و دستگاه‌های جاسوسی استعماری، کشف و احراز گردیده است. هدف اصلی این فرقه‌ها، مبارزه با حوزه، مرجعیت و روحانیت شیعه دانسته می‌شود؛ زیرا در تاریخ نهضت‌های اسلامی معاصر ضد استعماری، این واقعیت بارها به اثبات رسیده است که تنها سنگری که در مقابل استعمار ایستاده و مانع پیروزی آنها شده، سنگ روحانیت، مرجعیت و حوزه‌های علمیه شیعه است. جالب اینجاست که فرقه‌های مذکور فقط بر ضد روحانیت سخن می‌گویند و اقدامات عملی انجام می‌دهند؛ اما هیچ‌گونه اقدامی بر ضد اشغالگران انجام نداده‌اند. (حیدری، ۱۳۹۰، صص ۱۷۵ و ۱۷۶)

استعمارگران با فرستادن جاسوس‌های خاص برای زندگی در دنیای اسلام و سوءاستفاده از آموزه‌های مورد اختلاف مسلمانان و تشکیل فرقه‌ها و تفرقه در دنیای اسلام، به خواسته‌های خود جامه عمل می‌پوشانند. دشمن با بررسی و شناسایی آموزه‌های دینی، آداب و رسوم، فرهنگ، اعتقادات، تاریخ، جغرافیا و سیاست کشورهای مسلمان، توانست به اطلاعاتی دست پیدا کند که به وسیله آنها موجب فتنه‌گری، ایجاد اختلاف بین مردم، ایجاد سختی‌های فشارهای اقتصادی، جدایی بین مردم و عالمان دین، اعتقاد به سکولاریسم و... گردد که همه این چالش‌ها، کمک به پیشبرد اهداف آنها می‌کند؛ اما این سیاست‌مداران استعمارگر، اگر واقع‌گرا و حق‌پذیر بودند درمی‌یافتند که «يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ». (فتح: ۱۰)

نتیجه‌گیری

مهدویت، آرمان بزرگ مؤمنان در طول تاریخ است که همه اهداف انبیا عليهم السلام و اولیا را در جامعه بشری اجرا خواهد کرد. امروز استعمار که غرق در مادیات و شهوت‌رانی است و روحیه سلطه‌گری دارد، نمی‌تواند جریان حاکمیت ارزش‌های معنوی را که ره‌آورد حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف

است بپذیرد؛ لذا با انواع وسایل و شیوه‌ها، به مبارزه با فرهنگ مهدویت و انتظار می‌پردازد. استعمار با هدف خارج کردن دین از حوزه سیاست و تثبیت نیروهای غرب‌گرا در ارکان سیاست‌گذاری کشورها و نفوذ و تسلط در آنها و با استفاده از ابزار گفتار، نوشتار و تصویر، به انکار، تخریب، تحریف و جایگزین‌سازی پرداخته است و بدین‌وسیله توانسته چالش‌های بسیاری در بحث مهدویت ایجاد کند؛ به‌عنوان مثال در حوزه اعتقادی و فرهنگی، باعث ایجاد چالش برداشت‌های انحرافی گردیده است و همین‌طور چالش استعجال، توقیت، تطبیق و یأس و ناامیدی و... و در حوزه سیاسی و اجتماعی با به وجود آوردن فرقه‌های ضاله و مدعیان دروغین موجب شده است تا جامعه منتظر دچار آفت اختلاف و درگیری، فاصله میان عالمان دین با مردم، ایجاد فتنه و آشوب در میان مردم، مسئولیت‌گریزی و... گردد و از این رهگذر تا حدودی توانسته است به اهداف جزئی خود برسد. اما از آنجایی که وعده خداوند تخلف‌ناپذیر است و اراده خدا بر این تعلق گرفته که حکومت عدل الهی به دست منجی عالم بشریت، امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریح، جهانی گردد، آنها به هدف اصلی خود که حکومت بر کل جهان است، نخواهند رسید. ان شاء الله

فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق.
- ۳- احمدی، عاطفه، تنها راه، چاپ پنجم، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۳۸۷ ش.
- ۴- اسحاقیان دُرجه، جواد، «جنبش سیاسی بابیه و آموزه‌های مهدویت»، مجله انتظار، سال هشتم، شماره ۲۴، ۱۳۸۷ ش.
- ۵- بالادستیان، محمد امین، نگین آفرینش، چاپ یازدهم، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۳۹۴ ش.
- ۶- تقوی، حسین، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ظهور تا پیروزی، چاپ پنجم، قم: مشهور، ۱۳۹۰ ش.
- ۷- جعفری، محمد صابر، اندیشه مهدویت و آسیب‌ها، چاپ نهم، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۳۹۱ ش.
- ۸- شفیعی سروستانی، اسماعیل، مثلث مقدس، چاپ اول، تهران: هلال، ۱۳۸۵ ش.
- ۹- شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام النعمه، مترجم: پهلوان، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۰ ش.
- ۱۰- عرفان، امیر محسن، قبیلۀ تزویر، چاپ چهارم، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۳۹۲ ش.
- ۱۱- العمیدی، سید نامر هاشم، در انتظار ققنوس، مترجم: مهدی علی‌زاده، چاپ چهارم، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۴ ش.
- ۱۲- کفعمی، ابراهیم بن علی، المصباح، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۸۲ ق.
- ۱۳- میرتبار، سید محمد، آسیب‌شناسی جامعه منتظر، چاپ پنجم، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۳۹۴ ش.
- ۱۴- نائینی، مرتضی، «جان و جانان - امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف - از نگاه مقام معظم رهبری»، فصلنامه انتظار موعود، ش ۲، ۱۳۸۰ ش.
- ۱۵- نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲ ش.

